

ج

A-P  
77-938031

شنبه ۱۸ حوت ۱۴۵۸

۱۹۸۰، مارچ

شماره ۵۱

سال (۳۱)



Ketabton.com



# الشورى وقارىه

سر حدات به مردم شریف لوی ولوا لی  
خوست ولایت بکیا رسانید .  
وزیر امور سر حدات در مظلومی  
اشتراک کرد که از طرف مشرا، موسفیدان  
و مردم زحمتکش لوی ولوا لی خوست  
به خاطر حمایت و پشتیا تی از مرحله  
لوین تکامل القاب نور در هرگز آن لوی  
ولوا لی بر گزار گردیده بود .

\*\*\*

بنامی از اعلامیه تاریخی ۱۹ جوت مقامات  
امتنی کشور که در آن توظیف کمیسیون  
را جهت خود و بررسی احوال متین توطن  
خایناه و خدمت ملی ۲۰۲ جوت اعلا منوده  
بود ۲۰۲ متمیمه که فریب تبلیغات دشمنان  
خاک و وطن را خورد بودند بعد از غور و  
بر دستی، کمیسیون موظف پریروز آزاد  
شدند .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت  
جمهوری دموکراتیک افغانستان برای دفاع  
از حیثیت زندگی و نوآین ملی و مقدسات  
دینی مردم با دیانت افغانستان علیه تمام  
نیروهای ارتقا عی خرا بکاران، دزدان  
آدمکشان این جوا میس زر خرید  
امیر یالیزم امریکا انگریز، چین و یاکستان

توسعه طلبان بر تجمع در راه استقلال و آزادی  
میهن کمبو جیا بیدیده قدر می نگریم .  
به آرزوی انتشار و تحکیم روز افروز  
بلاق دوستانه وجود بین خلق کمبو جیا  
و خلق افغانستان هنگ سامرین،  
رئیس جمهور متعدد ملی برای دهایس  
کمبو جیا و رئیس شورای اقلاقی خلق کمبو جیا .  
پنجمین .

۱۹۸۰ ار ۱۹۸۱

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه  
خبر میدهد از طرف برق کارمل منشی عمومی  
رئیس شورای اقلاقی دایر گردید ، ضمن بحث  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان ، رئیس شورای اقلاقی و صدراعظم  
جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام

استفاده ازین موقع بیشین آرزو های نیک  
خود را برای صحت و سعادت شما ابراز  
میدم .

رئیس شورای اقلاقی و صدر را علیم جمهوری  
دموکراتیک افغانستان سادت پنج بعدها ظیر  
۱۶ جوت جلالتماب نسبو تایی سفیر ایتو بدر  
مسکو را که حامل بیان از طرف رئیس  
دولت خوش می باشد در مقبر شورای  
اقلاقی بذریخته .

جمهوری دموکراتیک افغانستان از ساعت  
چارویم تا ساعت هشت و نیم شب در مقر  
خبر میدهد از طرف برق کارمل منشی عمومی  
رئیس شورای اقلاقی دایر گردید ، ضمن بحث  
و غور روی پیشنهاد وزارت ها در باره  
یک سلسله مسائل فیصله مادر شد .

منا سبب روز آزادی جمهوری گانا عنوانی  
جلاتسا ب داکتر هیلا لیمان رئیس آنکشور خبر میدهد که عنوانی برق کارمل منشی

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه  
خبر میدهد از طرف برق کارمل منشی عمومی  
رئیس شورای اقلاقی دایر گردید ، ضمن بحث  
و غور روی پیشنهاد وزارت ها در باره  
یک سلسله مسائل فیصله مادر شد .

منا سبب روز آزادی جمهوری گانا عنوانی  
جلاتسا ب داکتر هیلا لیمان رئیس آنکشور خبر میدهد که عنوانی برق کارمل منشی



مهدیه سربیلزد وزیر اطلاعات و کلتور هنرگام سخنرانی در جلسه سازمان اولیه وزارت اطلاعات و کلتور

تیر یکیه به منا سبب سالگرد جلوس  
اغلیحضرت ملک حسن دوم پادشاه المغریب  
عنوانی و مصطفی به آنکشور مخا برگردیده  
است .

\*\*\*

طبق اطلاع و اعلان از برلنی مرکز جمهوری  
دموکراتیک آلمان بیام برق کارمل منشی  
عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
رئیس شورای اقلاقی و صدر را علیم جمهوری  
دموکراتیک افغانستان جلسه شورای  
وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان  
در مقر ریاست شورای اقلاقی دایر گردید .

\*\*\*

تحت ریاست برق کارمل منشی عمومی  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
رئیس شورای اقلاقی و صدر را علیم جمهوری  
دموکراتیک افغانستان جلسه شورای  
وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان  
در مقر ریاست شورای اقلاقی دایر گردید .

\*\*\*

سلامهای گرم و عصیانه برق کارمل  
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک  
خلق افغانستان ، رئیس شورای اقلاقی و  
صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان  
ارتجاعی یکشک به همکاری امیر یالیزم  
دموکراتیک آلمان سهرده شد .

عومنی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان ، رئیس شورای اقلاقی و صدراعظم  
جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف هنگ  
ما برین رئیس جمهور متعدد ملی برای  
رها بی کمبو جیاوریس شورای اقلاقی خلق  
کمبو جیا بیام جوا به ذیل مواعیت کرده  
است :

به اما یند گی از خلق ، شورای اقلاقی  
و جمهوری متعدد ملی برای رهایی کمبو جیا  
می خواهم عرایق امتنان صمیمانه خود را به  
رفیق برق کارمل به خاطر سلام های گرم  
شان به منا سبب اولین سالگرد تجلیل از  
پیروزی هفت جنوری خلق کمبو جیا ابراز  
نمایم .

ما حما یاتجی و کمال های ارز شند خلق  
افغانستان را با مبارزات اقلاقی خلق کمبو جیا  
برخشد توسعه طلبانه های علائم طلبانه  
صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان  
را روز ۱۹ جوت فیض محمد وزیر امور

به اکرا مخا برگردیده است .

مدید هد عزوانی برق کارمل منشی عمومی  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
رئیس شورای اقلاقی و صدر را علیم جمهوری  
دموکراتیک افغانستان بیام جوا به ذیل  
از جان نیام سنجه واریدی رئیس جمهور  
هند مواعیت نموده است :

جلاتسا برق کارمل منشی عمومی کمیته  
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
رئیس شورای اقلاقی و صدر را علیم جمهوری  
دموکراتیک افغانستان از امتحان نیک جلالتماب  
شمگاه به مناسبت روز جمهوریت هند به  
اینجا نب و مردم هند ابراز داشته ایدیدن  
و سیله تکر من نمایم .

من از احسا سات دوستانه که دریام  
نان ابراز داشته اید اظهار امتنان نموده و با  
رئیس شورای اقلاقی امیر یالیزم دوست جمهوری



# مادر جد و ز جهانی

# ھمبستگی زنان

واد ان و خواه ان نے افتتمد :

**حموطان ارجمند :**

سازمان دیوکراتیک زنان افغانستان این سازمان روزگاری شور سوسیالیستی زنان افغانستان است که زنان را برای حضور در تحریر شعار بداری می‌کند. این سازمان روزگاری شور سوسیالیستی زنان افغانستان را برای همه زنان افغانستانیان فراهم می‌کند.



دکتورس اناهیتا راتب زاد، میارز خستگی نایابدیر راه احراق حقوق زنان استمدیده کشور  
که در شرایط دسواری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را بثیاد نباد.

مادران و خواهران تمام ملیتها و نیرو های وظیفه است کشور در اطراف ح.د.خ.ا. شورای انقلابی و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بخاطر تمدید مبارزه علیه دشمنان، ارتقای عوامل امنیتی و کامپ لیسان آنها بخاطر تحکیم همبستگی زنان افغان با زنان رحمتکش مهالک دوست و سایر کشور های جهان تجدیل میگردد.

در آوانیکه زنان مادران اعم از زنان کارگر، زنان روشنفکر و تمام زنان زحمتکش وطن

دریک صفت واحد بازارهای دو فرما بسترنان افغانستان این یکم سارمان با شو  
ورزمنده زنان کثور و باسدار ناءوس و شرق خلق رحمتکن وطن ما هشت مارچ روز بیکار  
ورزمنه زنان ، روز همبستگی بین العلل زنان را بجلیل میبایند از همه زنان و هموطنان  
خواسته من شود که :

- دوراه تحقیق مدت و درجه ای زندگی امیریک برای آنهاست و آنهاش در راه رفاه و ترقی کشور مبارزه نمایند.

مشت نیرو های عد القیاب، فردان و اخلاق اتران، آدمکستان این جوامیں چاکر.  
بسته امیر بالیزم امریکا، الگلیس، چین، ارتیجاع پاکستان، مصر و اسرائیل را باز

- فوب تبلغات دروغین اخواگر افچاهان - اخلالگران - اهل بالزم اهل بکا

و متحدین جایگلار و آدمکش آرا نخوردید . هوشیاری افلاطون و وطنبرسانه خود را حستا  
کنید .

- در صفر متحدد، با حزب دمچه، شورای انقلابی و جمهوری دموکراتیک افغانستان، علیه دشمنان چنایتکار صلح و آرامش، رفاه و ترقی مردم شرالافتند ما متحدد شوید.

- فرخنده باد جسن (هشت) مارج روزین العلی زنان جهان .
- به بث در راه قطعه اهداف اسلام ادوات حسنه که اینک افغانستان در راه

حفظ علیح و آرامش ، فلم وامنت ، در راه حفظ استقلال ، دموکراسی ، نعامت ارضی ،  
ترقی اجتماعی کشور محبوب مان افغانستان .

در جریان مبارزات یازده ساله سازمان، تماس برقرار گردید و در زمینه های دفاع از حقوق و آزادی های اساسی سازمان و فعالیت تحقیق و آزادی های دموکراتیک زن توضیح وضع آن حقیقت را که این زن در کشور و در نظامی های مختلف

### ڙونڊون

به مناسب تجلیل از هشتم مارچ روز  
جهانی همبستگی زنان و بودگداشت ازین روز  
بر افتخار با محترم لیلادانoun خود هیات  
رعیری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان  
که از ده سال به اینطرف افتخار خویست  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را دارند  
شایسته وفعال سیم نگرفته باشد .

اولين سوال خودرا در هورد قار يخجه سازمان  
دهوکراتيك زنان افغانستان مطرح نموديم ،  
هر جواب اظهار داشت :

- پادرک شرورت تاریخی و با استقاده از امکانات و مساعدت وبخاطر نامیت مخت به خواستهای زنان کشور، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان جهت انکاس مطالبات سیاسی عرصه های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان که دور در  
نهاد اقتصادی افغانستان دارند. این اندیشه  
نهاد اقتصادی افغانستان را می‌سازد که زنان  
که دور در اقتصاد افغانستان دارند،  
نهاد اقتصادی افغانستان را می‌سازد که زنان  
که دور در اقتصاد افغانستان دارند،

ویزاره سرافصله بخا طر اجای حلقه ارجاع واهن بازیرم جست زهای حلبی



کلاراز تکن هپارز بر سور و یکی از برجسته قرین دهران چشی زنان. در اتریش شاه این هپارز دلیر و بیش رو بود که هشت مارچ به عنوان روز بین المللی عیسیگی زنان بر سهیت  
نشناخته شد

زنان، دموکراسی، استقلال ملی، ترقی اجتماعی  
صلح و نجات خلقیای تحت ستم و بخصوص  
زنان کشور بوجود آمد و پیروز مندانه عرصه  
های مختلف میازمده سیاسی، اقتصادی و سازمانی  
جهت برآورده شدن ایندو آرمان بزرگ  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بهتابه  
دشید و تکامل خود داشت.

س- فعالیت های عمدۀ سازمان در طول عمر تاریخی خود را در برایں خلق افغانستان بطور عدالت چنگوئه بوده ؟

- باجرأت میتوان منذر کر شد که سازمان داد .

2420

دوستوں

اعتراف زنان و دختران درین مبارزات وطن -  
برستایه "جلوگیری" می نمودند . در گنار این  
مشکل بزرگ ، سازمان دموکراتیک زنان  
افغانستان با پوابلم اساس دیگری نیز مواجه  
بود و آن بسواندی ! کثر بت زنان  
کشور بود که عمدت تربیت و طایف رفاقتی  
سازمانی مارا با سواد ساختن این زنان و  
دختران تشکیل میداد در گنار همه این  
مشکلات سازمانی، ما به همایه یاد سازمان  
سروول در براین زنان افغانستان وظایف  
خودرا در راه احراز حقوق زنان کشور د د  
کلیه شوون زندگی، حق کار و صحت، حق  
سواد و فرهنگ ، حقوق اقتصادی، مدنی و  
سیاسی در راه احراز مقام شایسته زن افغان  
در خانواده و جامعه بطور خستگی نایابی هم کوام  
با فداکاری ها و بدون قیمه از دشواری های  
مبارزه ، بوجه احسن انجام داده است .

سـ درمورد ۸۸ مارج و نجیل ارین د و د  
معلومات دهید ؟ بعد دو باره میخواهم درباره  
رمان افغانستان صحبت کنید ؟

- در هشتم مارچ ۱۸۵۷ خادمه بس عجیب  
وجه باشندگان شهر نیویارک را بخود جلب  
کرد. گروهی از زنان در حالیکه لباسیای  
کمپنه کارگری پتن داشتند جاده های شهر را  
نشاعر های :

مازد مناسب میخواهیم! ده ساعت کار  
روز عادلانه نیست! مارش کنان عبور نمودند.  
ین اولین مظاہره زنان کارگری بود، که  
بیش از سه سال منبع کار ارزان برای  
ساحبان آزمد صنایع ناجی محسوب  
کردند.

لطفاً ورق نه تبد

چشمگیری غیر اصولی و مرسخنانه را در برآور  
د اتخاذ نمود و با خاطر تسبیت امنیت و نجات  
مت آوردهای انقلاب ستر گک تور از چنگال  
بن و باندش، ب هراس و شعاعانه رزمند در  
این به بند کشیدهای، شکجه داده،  
قیب و قهقهیده ها، دلیانه مقاومت نمود و  
چکترین خدمت در ایمان آهیں ز سان و  
تران رزمجوي سازمان نسبت به پیروزی  
بولیت و پیروزی جمیش های رهایی بخش ملی  
جاد نگردید .

رفقای سازمان، وقت عرصه را برای ایکار  
لایس محدود دید و احسان کرد که باند در  
دد ایجاد فضای قرور و اختناق است ، با  
وزی فعالیت های خود را مخفیانه تنظیم نمود  
استفاده از اشکال گوناگون و شیوه های  
ختک مبارزه مخفی بارها بولیس درنده امین  
اغفال و قهرمانی های چشمگیری در حریان  
ارزات مخفی از خود نشان داد .

س- مشکلات و برایلم هایی که سازمان درین  
ت به آن مواجه شده بطور بوده ؟

دولت های جبار داشته به کثیر ارجاع  
یاد و با استفاده از وسائل گویاگوی، عصمه  
ین مانع در راه رشد این پست زنان گشود  
حیوب می شدند ولی باید متذکر شد که  
آن ملا کشیده می بین ما بخطاط اشتر اکشان  
مبارزات صدق و میاس خود نه تنها از  
ف. مسلم تون عنان بعد تدریجی

نهاد و کلای مرتعیع بفرض تهدید حقوق  
و زنان و شنکت در نظاهرات ۵۳ روزه  
هفتون و مهارق .

علیه حملات و حتیانه ارتیاع و پولیس  
بهم پر هفتون وزاره المعلمین .

اشتراك فعال سازمان در نظاهرات تهدید  
من بدوش حدیخا علیه مسافت اکتوبر  
ل امیریالیزم بکابیل .

اشتراك ناینده سازمان در جبهه متعدد  
اطر آپ هیرمند .

فرستادن نامه قسلیت آمین عنوان رئیسه  
زمان کل زنان عرب بخاطر حمله امرالیل  
مکتب غزه .

تشکیل کنفرانسی متابوب محلی جهت  
من شور و آگاهی بیشتر زنان در رام  
رژه صنف و میاسن شان وایجاد یک عدد  
ردسای سواد آموزی از طرف سازمان .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان جهت  
و مدارس زنان فعال شان . سیمه ۱۷

۱- اثمریده هو هنگى زير عنوان گزارش  
۲- اثمریده هو هنگى زير عنوان گزارش

۲- نشر و پیخش ماهنامه «نامه زنان افغانستان»  
متوان ارگان مرکزی سازمان از ۱۳۵۰-۱۳۵۱  
س- در دوره این فعالیت‌های سازمان به  
نمکل بود؟

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان یا  
جمهوری ساده امن، این حاصل سی

- استراک سازمان در تحت درفش حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان در تحلیل از روز  
شنبه نیست.

- اشتراك در مارشنهاء، میتگکا و سخنرانی
- ابتکار برگزاری و تجلیل از هشتم مارچ
- روز بین المللی زنان در سال ۱۳۴۶ قوسقط  
سازمان برای نهمین بار در کشور ، و  
تجهیل ازین روز در سالهای بعد :
- اتحاد نظاهرات و میتگکهای برگزک زنان به  
و هری سازمان در اعتراض علیه دسایس و  
نرور ارتقای سیام در برابر آزادی زنان



اوژنی کوتون از بنیاد گلاران بسر چسته‌فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان، این دز استوار مبارزه زنان حیان در راه گرسی حقوق مسلم و بلاتر دید.

انجلا دیویس مبارز دلیری که در لانه امپریالیزم بانکی در فس مبارزه رهایی سیاه پوستان  
مریکایی از زیر یوغ سرهایه وست را بر افراد نگهداشت.

س. نقش زنان افغانستان در فدراسیون جهانی مقدس انسانی بخاطر ایجاد میهن آباد و مستقل و بخاطر احترام حقوق زنان محروم میزند، وقتی من توائد ممکن واقع شود که این مبارزه و تلاش با مبارزات نیروهای اسلامی وطنبرست قوام گردد.

از آنجاییکه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان یکانه گردان مشکل زنان مبهم ماست، زنان و دختران آزاده و آگاه و ملن فقط در تحت رهبری این سازمان میتوانند جهت برآورده شدن خواستهای بزرگ اجتماعی شان بروزمند، و همراه با سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به نبرد بر افتخار علیه ارتقاب استعمار و امپریالیزم از یکسو و بخاطر تحقق خواستهای عادلانه زنان از سوی دیگر، پیردازند.

**س. شماریات شمولیت زنان در سازمان دموکراتیک زنان افغانستان چگونه است؟**

ـ همه زنان آگاه و زحمتکش کشواره‌ماهه مرآتنامه و اساسنامه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را خوانده و آنرا تایید کنند، حق الضمیت خود را منظماً پیردازند و درینکی از ارگانهای سازمان فعالانه شرکت جویند، دستاوردهای سازمان را خوانند و در راه تطبیق مرآتنامه مجداده فعالیت کنند، میتوانند افتخار عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را کسب نمایند.

**ـ در آخر صحبت میخواهم اگر تعریف از دموکراتیک بین المللی زنان است، یک زن مبارز و اینکه دارای چه صفاتی باشد س. یکدختن مبارز چطور واز کدام راه‌های بنشایید ممتنون میشوم.**

ـ زنان چگونه بوده و آیا زنان کشور ما در آن اشتراك دارند یا خیر؟

ـ سازمان دموکراتیک زنان افغانستان مبارزات قهرمانانه و مسامی خستگی ناپذیر و انسانی فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان را که از تخصیص دوزهای تأسیس و تنظیم پرورگرام خود در سال ۱۹۴۵ در

یاریس ناگفته آرزوی زنان را در همه جا بخاطر مبارزه متعبد علیه جنگ، ستم، فقر، و بنای یک جهان مترقب، آزادی، استقلال ملی و دموکراسی، عدالت و صلح را پیاده رساند.

است. تحسین و پشتیبانی میکند.

ـ سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به اساس پرورگرام فعالیت خود که مطابقت به پرورگرام و اساسنامه فدراسیون دموکراتیک زنان دارد، پس از بیروزی انقلاب سور و واژگون شدن نظام مطلقه و دکاتوری داد، نماینده رسمی خود را پغرض کسب ضمیم اصلی این فدراسیون، ارسال داشت، که نتایج آن مشت بود و سازمان ما قولاً عضو فدراسیون

ـ میتواند افتخار عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را کسب نمایند.



فرایده براون، رهبر نیپست زنان آسترالیا و رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان.



محترمہ لیلا دامون عضو هیئت دھبیری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

برخورد پولیس نیویارک با بین مظاهره زنان که صف جمعیت کشور را تشکیل میدهند با وصف اینکه شاشه ترین کارهای را بعده دارند و همه امور منوط بمنزل، نگهداری و

ولی پنجاه و دو سال بعد از حادثه اتفاق -

الگین، در اثر پیشنهاد کلاراز تکین زن روزمند آنانی در دو میان کنفرانس زنان سوسیالیست

نمقدمه گوین هاگن هشتم مارچ بخاطر پادربود از زنان قربان شده کوره راهبای نا منکش

پیکار در مبارزه برای آزادی صلح و ترقی اجتماعی توسعه زنان مترقب جهان پذیرفت

شد. و برای اولین بار ازین روز در سال ۱۹۶۰ توسعه زنان امریکا و آنان تجلیل صورت

گرفت ..

بخاطر تجلیل ازین روز در اغلب کشورها مجالس برای میدارند و کارهای یکسانه،

پیروزیها و ناکامیهای خود را از زیان میکنند و نقش خود را در نیپست عمومی دموکراتیک

و در جامعه خویش محاسبه مینمایند و طرق

لوبن را برای موئر گردانیدن اشتراك خویش درین نیپست جستجوی نسما یند.

بدینجهت میتوان به اهمیت روز جهانی زنان نه تنها از لحاظ رشد جنبش برای وحدت و همبستگی زنان، بلکه از لحاظ اهمیت اشتراك

آنان در مبارزه عمومی مردم بی برد.

س. در باره زنان افغانستان و موقف اجتماعی

شان صحبت کنید؟

ـ خدمات ارزشمند برای جامعه شده عی توائد؟

ـ از آنجاییکه هر عمل اجتماعی ضرورت دیگران زندان و بخاطر زندگی دیگران منکر را من پذیرند. انسانهای مبارز مشحون از فداکاری، قلاش خستگی ناپذیر و عشق عمیق کاری نمی خواهد بود، من معتقد به این نسبت به انسان و وطن خود دارند. آنها در راه ایجاد شد و بتصور خستگی ناپذیر و بیکار جهت احیای حقوق زنان قید ستم کار و بیکار نمود.

نفره، هشت نفره، شش نفره، سیت های روی میزی ۲۵ تکه، ۱۹ تکه، صرب، جاین ها، لباس های ملی و محلی زنانه، مردانه، پیچکانه، و اقسام ضروریات خانه است و مادر دو شرایط کارگردانیم.

۱- کارگران اجیر دائمی که استخدام شده اند به تعداد چهارده نفر اند. آنها معاش ماهوار اخذ می کنند، بدجه های مختلف فخر به سابقه کار و مهارت فنی شان تشییت شده اند که از حقوق دامتیازات اجریان دولت انقلابی ما مستقید می شوند و تشویق میگردند.

۲- کارگران غیر رسمی که ایشان نظر به مهارت‌های به خصوص سوزندوزی شان نزد ما فورمه و مشخصات شان نیست است که تعداد شان به (۳۰۰) نفر می‌رسد. برای کار آنها دین‌ایین ها ترتیب وایشان را رهنما و آموزش میدهیم، آنها در خانه کار می‌کنند و اجرت

شان را مطابق لایحه می‌بردازیم، البته کارگران ماشین دوز نیز در جمله این تعداد شامل اند. کارگران دائمی واجیر آنده از دختران و زنان ماهر و کار آزموده اند که با مهارت های مشخص و تدبیر تحت تربیه گرفته شده اند، امروزه بسیار تجارت بیشتر از بیست سال و پانزده سال دارند در رشته های مختلف صنایع سوزندوزی مهارت کامل را یافته اند. هر آنها از یک نوع الی دهنون سوزندوزی را آموخته اند اما دریک رشته بقیه در صفحه ۲۶



دختر استعدادیکه گنگ بودنش مانع رشد و استعداد دارد هر سوزندوزی نگردیده است



## سوزن دوزی یا این صنعت طریف در کشور ما

آفرین کشور ما در تمام مساحت جیات دولتی ۴۰۰ میلیون دارند می باشد، مخصوصاً مهارت و استعداد زنان افغان را میتوان در سوزن دوزی ها و قالب بافی آنها تعیین نمود. کلک های هنر آفرین زنان افغان تکه های عادی را با مهارت خاص و بشکاری که در هر خود دارند بازیابی

خاصی از زیر دست کشیده و تقديم هموطنان هنر دوست خود می توانند. هریک از کار هایشان در جای خود از هنر زیبایی و طریف کاری برخوردار است. چنانچه بازار خرید این سوزن دوزی ها نه تنها در داخل کشور بلکه در علاقمندان و خریداران فراوان دارد بلکه در خارج از کشور نیز علاقمندان این صنعت دست دوزی خیلی زیاد است.

صحبتی داریم با محترم نفیسه شایق مبارز مدیر عومی صناعتی ریاست کودکستانها که مدت بیست و هفت سال در خدمات اجتماعی و تربیوی خدمت نموده اند، از ایشان خواستم تا در مورد شعبات صناعتی که البته شعبه سوزن دوزی یکی از شعبات آن میباشد معلوماتی برای خوانندگان ژوئن بد هند تاخو افندی کان مجله با سوزن دوز های ماهر و فعالیت های مدیریت صناعتی آشناشی حاصل نمایند.

- مدیریت عومی صناعتی در چوکان ریاست کودکستانها وجود دارد که شا مل مدیریت سوزن دوزی ها، مدیریت فرمایش و قرارداد های البسه موسمات دولت، شعبه تولید ضروریات بافت و دوخت مفلانه و شعبه انقلاب شکو هند تور، این مدیریت فعالیت های خود را به صورت گسترده و افق‌گشایی می‌خواهد برد.

- راجع به تشکیل و تنظیم کارگران معلومات دهید؟ - درین مورد باید گفت: ما برای کارهای تولیدی و صنایع طریف سوزندوزی اصیل کشور خود که محتوى سر میزی های دوازده هریزی زیبا و باستانی مابوده وزنان هنر-

وزیدگی شیرین خودرا با تمام آرزوها ییک درد داشتند بگور برداشت . این همه ظلم و بی دادگری که در دوران امین و باند وی بر مردم بلاکشیده ما تحمیل میشد هر گز فراموش مردم و خلق بلاکشیده مانیسکرد . امایا پیروزی منحله نوین تکامل انقلاب ثور قاولدانه زیادی این دردها و ناراحتی هافوکش کرد و فراموش گردید .  
بلی این فروکش کردن و فراموش نمودن بخاطر کارهای پر ثمر و با ارزش دولت ما ام است .

پابه میان آمدن این تحول تازه زندگی  
زدم شکل تازه یافت و در حقیقت روح تازه  
زندگی وحیات خلق مایدید آمد .  
در گذشته خانواده نبود که داغدار نباشد  
نام خانواده ها و قابلیت هایک یادو ویا چندی  
ندی داشتند که در زندان مخوف پلچرخی  
سرمی بر دند .

سدرمورد آزادی های که بعد از مرحله  
وین تکامل انقلاب سور به مردم داده شد  
به نظر داری؟

من یک کارگر ساده هستم که بیش از  
یازده سال مایه خدمت دارم ، در طول این  
یازده سال شما اولین کسی است که از حال  
ما و امثال ما می پرمیید و به درد دل های ما  
به مشکلات ما و خواست های ما گوشش میدهید  
و نظر می خواهید ، و ما نیز با آزادی تما  
کفتنی های خود را میگوییم پس این است  
معنی عدالت و دموکراسی که حق هر  
افسان است و جز از زندگی او محسوب میگرد  
پس از مرحله توین تکامل انقلاب تور آزادی  
بیشترین شکل آن به من دم رنج دیده ما که  
در زمان امین و باندلوی تجدید شده بسوی  
ارزانی شده است .

خداوند هر انسان و هر بندۀ خود را آن  
خلق کرده البته این آزادی در حدود معنی  
آن است ولی امین دیاند چنایتکارش ایشان  
آزادی را از مادرگفته بود ، پس اورد حقیقت  
خلاف حکم و داد خداوندی رفتار میکرد .  
از آن جاییکه ظلم وی عدالت هر گز نمیتوان  
برای همیشه بایدار بماند ، امین و دارو دست  
اتمن فیز از این امر مخفی نماند و حق بجای  
قار گرفت :

آیا خاطره که برایت ناراحت گشته باشد  
در زمان امین داری ؟  
سزندگی در زمان امین و باندوان همه  
خاطره بد است تمام مردم ، در دنیا و عذر  
عجیبین قرار داشتند .  
گفتند خاطره بد ، بلی من نیز مانند هر آن  
انسان این خاک خاطرات زیاد از ظلم وجود  
این ستمگر تاریخ دارد .  
قصه از این قرار است :

یک روز که از کار خلاص شدم طبق معا  
به سرویس قراردادی بالا شدم و در چ  
همیشگی خویش نشستم مدفن گذشت نا  
را کیم سرویس در جاهای شان قرار گر  
وسرویس به حرکت آمدند. موثر طبق ه  
کرام معین خویش به خط سیر سابق به مر  
ادامه داد تا اینکه در چاراهی دهنگرد  
ناگهان را کیم سرویس گفتند که چور  
دار لمان مسدود است هن کس که خانه  
آنطرف است میتواند پیاده شود، تصمی  
خانه من در دار الامان بود، در آن روز



و ب و م



سید علی خان

آزادی حق هر انسان است که غریب و  
معتبر نهاد شناسد

مان امین و باند جنایتکارش بود که آزادی مردم ماسخت تهدید عیگر دید و حتی هزارها همراه

به سلسله گفت و شنود هایکه با مردم تعجب، شریف و رفع دیشه ما بعمل آمد این سار نیز بایک عدد از خلق زحمتکش مایه گفتگو پنداختیم که اینک از نظر شما خواننده گان ارجمند میگذرد : زنسی میانه سالی به اسم بوسو گل در سورد مظالمی شمار امین و باند جناهیتکارش و هیچنان در پاره مرحله نوین تکامل انقلاب اور چنین گفت : چه خوب است که زندگی بیک حال باقی نمی ماند و اگر قرار می بود که زندگی بیک حال می ماند و هیچگونه تحول در آن پدید نمی آمد روز کار مردم و سرتوشت توده ها به کجا میکشد و ملت چه مشد.

خوشبختانه همانطور یکه هرچه تغییر می  
باید زمان مانیز تغییر یافتد والی اگر این  
تحول منظورم از مرحله توانی تکامل انقلاب  
لور است که در ششم جدی صورت پذیرفت  
و خلق نجیب و مستم دیده مارا از یلای عظیمی  
نجات داد صورت نمی گرفت سر نوشت صد  
جهان از انسان بکامشند.

امین این میں نسبت قاریخ د ر دوره  
فرمانروایی خود جناب ظلمنی بربردم بیچاره  
و بنی بناء مانمود که قاریخ بیاد فدارد . د ر



三

**آصفه مسجدی :**  
باشه میان آمدن تحول تازه و مرحله نوین  
تکامل انقلاب نور زندگی مردم ما در مسیری  
قرار گرفت که مردم خواهان آن بودند  
در حقیقت مردم ما با این تحول تازه جان  
تازه یافتند .

در گذشته در زمان امین و باند او هزاران  
فamilی داغدار بودند، در هیچ خانه نبود که  
یک دو نفر از ایشان بنشستند .  
پیروزگاری بود، روزگاری که بیان آوردن آن  
اسان را متاثر می سازد .

وقتی که زندایان سیا می از زندان  
بلجرخی آزاد گشتند و از مظلومین شما د  
امین و باندی قصه ها کردند بیشتر بر ناراحتی  
های ما افزوده گشت .

اما از آن جای که خداوند همیشه یا ر  
ومددگار مردم بی چاره و بی پناه است مرحله  
نوین تکامل انقلاب نور در وقتی به بیرونی  
رسید که امید هایه نا امیدی و یا من مبدل  
گشته بود .

خوب شک است که امروز زنده هستیم  
آیا در گذشته مخصوصا در دوران امین شکم خودرا می سین کنند ولی از آنجاییکه و با شما آزادانه صحبت میکنم و در دل های

خان آقا شریک دیگر چوب فروش میگوید:  
راستی که در زمان امین چقدر ظلم بود ،  
انسان وقتی که آن روز ها را بیاد می آورد  
مویانندامش راست میگردد .

روزی نبود که شنونیم که فلان کس را  
برند و به زندان افکنند و یا نابودش کرند.  
بندی کردن و کشتن برای امین و باند

جنایتکارش مانند آب خوردن بود، آن ظالمان  
فکر نمیگردد که تمام این انسان ها جان

دارند، نفس دارند و با این مردم صدھا فامیل  
بینه است بیاد دارم که یکی از همایران

مارا در زمان امین برند نمیدانم که علت  
بردن اوجه بود اما هر چه بود همه اش دروغ

بود آن بن چاره پیاده یک وزارت خانه بوده  
آن هم بین مردمی که به سختی میتوانست

از رفعت او چند روز و بالآخر چند هفته گذشت  
اما او هر کس به زندگیش به خانه اش باز

نکست نمی بیرون با چند طفل و نجس و  
گرسته اش هرچه را که داشتند پیروختند تا

در مورد کار و بارم بسیاری میگویند و برف هم می بارید  
امروز دیگر ناراحتی ندارم زیرا مطمئنم که

زنگی ام تا میں شدنی است و کسی نیست که  
مزاحم کارم شود .

آیا در گذشته مخصوصا در دوران امین شکم خودرا می سین کنند ولی از آنجاییکه و با شما آزادانه صحبت میکنم و در دل های

نودن اموال و جایداد های مردم را از کار  
های با ارزش بدانند و عده دیگر چیز دیگر  
را از دیدگاه یک معلم شاید چانس یافتن  
به پوہتنون از کار های پر ارزش باشند .

ولی بصورت عموم میتوان گفت که همه اجرات  
دولت در طول مدت دنمه چشمگیر و بالارزش  
است .

از چوب فروشی که نامش شیرآقا است  
می برسم که کار و باری از مرحله نوین

تکامل انقلاب تور چطور است میگوید:  
تنها مساله تجارت نیست که بعد از قیام

ملی ششم جدی رونق زیادی یافته بلکه در  
همه زمینه های حیات اجتماعی و فردی تحولات

چشمگیر روئی گشته که هریک آن بذات  
خود با ارزش است .

در مورد کار و بارم بسیاری میگردید و برف هم می بارید  
رام قتل را به چندین ساعت طل کرد و قیمتیکه

به خانه رمیدم شب شده بود و هدف در ناراحتی  
بسیاری بیرونی، زیرادر وقت این جلاهی چکس

تصویغ نداشت و همه تصور میگردند که  
بلای سرمن آمده است و قیمه که می باشد

و وضع دیدند ماجرا را ازمن پرسیدند امام  
یاری حرف زدن نداشت و تب سختی مرا فرا

گرفت و دیگر هیچ فرمیدم . روز ها در بستر  
بیماری افتادم تاینکه کم حالم خوب شدو

توانستم سر کار بروم .

پول در جیب خود نداشت که در سرویس  
مای دیگر بروم به موثر وان گفت منکه  
پول ندارم تایه دیگر سرویس بروم ، یکی  
از راکبین موقر که در جایش نشسته بود و  
از باند امین بود گفت ، چطور شود که پول  
ناری قمی بینی که امین صاحب : قصر  
دار لامان می رود ، و زاده همه مسدود است  
پیاده بروم ، گفتم این همراهان بی جاره و ناقوان  
پیاده بروم ، آیا انصاف شما همین است ?  
گفت بسیار گپ نزد از موتربیاده  
تو زیرا ما وقت نداریم .

گفتم که یک اتفاقی گرایه سرویس را ندارم  
گفت من چطور کنم که بول نداری ، از خانه ات

بول میگرفتی . بسیار سوت از موثر بیاده شدم

و به سوی خانه روان شدم چون روز های زمستان

بود هوازد قاریک میگردید و برف هم می بارید  
رام قتل را به چندین ساعت طل کرد و قیمتیکه

به خانه رمیدم شب شده بود و هدف در ناراحتی  
بسیاری بیرونی، زیرادر وقت این جلاهی چکس

تصویغ نداشت و همه تصور میگردند که  
بلای سرمن آمده است و قیمه که می باشد

و وضع دیدند ماجرا را ازمن پرسیدند امام  
یاری حرف زدن نداشت و تب سختی مرا فرا

گرفت و دیگر هیچ فرمیدم . روز ها در بستر  
بیماری افتادم تاینکه کم حالم خوب شدو

توانستم سر کار بروم .

بلای این بود حکایتی از زندگی امام در  
زمان امین و باند جنایتکارشی .

از جوانی که خود را محمد طاهر معرفی  
میکند و فارغ لیسه شیرشاه سوری است

می برسم که در مورد مرحله نوین تکامل  
انقلاب نور چه نظر دارد میگوید :

من پسر یک دهقان و خودلیز دهقان میباشم،  
در پهلوی دهقانی درس فیز می خواندم تا

اینکه از مکتب فارغ شدم  
از زود داشتم به پوہتنون شامل شوم ولی در زمان

امین امید زندگی برای کس نمایند بودجه رسید  
به ادامه تحصیل اگر امین بیش از این دوام می بافت و

علاوه اینکه راهی به پوہتنون نمیداشتم شاید  
به زندان افکنده میشدم و در آن جامان

بیوصیمیدم .

به چشم سر مشاهده میکنم که هزاران جوان  
ما شامل پوہتنون شده اند ویر علاوه برای  
یک عدد زیاد چانس خارج داده شده که من

لیز زداین جمله هستم از نظرت کارهای  
چشمگیری که بعد از مرحله نوین تکامل  
انقلاب نور صورت گرفته کدام ها اند ؟

تام کارهای دولت مادر این مدت کسوته  
چشمگیر و بالارزش است . ولی من عقیده دارم

که آزاد شدن زندایان میباشد از کارهای  
بن ارزش و چشمگیر است . زیرا احترام به

انسان و احترام به حقوق فردی و اجتماعی او  
که در زمان امین مفلاک و باند جنایتکارش

مخت تحت محبوبدیت قرار گرفته بود کنون

با آزادی های که به خلق داده شده است  
کرامت و شخصیت پامال شده مردم اعده

گردیده واین کار بالارزش سوت در این مدت  
کوتاه خیلی چشمگیر است .

البته باید این نکته را علاوه کنم که  
قشایت ها در باره کارهای دولت ما نظر به

دید اشخاص فرق میکند یک عدد شاید مسترد

اصفه مسجدی

خان آقا



\* زندگی امروز تان با گذشته چه فرق  
کرده واین تفاوت درجه میباشد ؟  
ما فamilی غریب هستیم ولی هر فamilی و هر  
انسان من خواهد که آزاد زندگی کند و این  
چیزی است که غریب و معتبر نم شنا سد  
همه اورا می پسندند و به آن احتیاج دارند  
در گذشته مخصوصا در زمان امین این  
آزادی را تذاشتم . جگر خوش بیچارگی  
بندی داری و هزار ها مشکل دیگر گردانگیر  
مردم ما بود .

ولی امروز با این که مدت کوتاهی از  
مرحله نوین تکامل انقلاب نور میگذرد ،  
احسام آرامش و آزادی میکنم . آزاد حرف  
من زنیم، آزادی ردم و می آیم وبالآخره  
آزاد زندگی میکنم و این بزرگتر نعمتست  
برای مردم رنج دیده میم .

زندگی آنان خیلی فقیرانه بود تمام اموال  
وزندگی شان در ظرف یک دو هفته فروخته  
شد و دیگر چیزی یا نیم نمایند که بفسروشند  
تاز درک آن شکم خودرا سیر کنند . مردی  
زمستان از یک طرف و تندگستی از جانب دیگر  
وقت هر کس از جان خود می ترسیدند از این  
دو این فamilی بدیخت دست به تکدی زدند .  
بلی از این مثال خارج زمان امین و باند  
جنایتکارش زیاد وجود داشت . خوشبختانه  
بعداز پیروزی قیام ملی ششم جدی زندگی

من داشتم

و باندی قصه هایی که باعث اذیت و آزار شما میشده  
عجب سوال میکنید . امین و باندی پکدام  
کار نبود که غرض نداشته باشند، بلکه روز  
به بهانه اینکه وزن سنگ هایم کم است  
مرا با خود می برند و بس از اینکه جیب  
هایم را خالی میگردند اگر زیاد لطف می  
میداشتند آزادم می شودند ، درحالیکه تسام  
منک هایم مطابق معیار های قبول شده بود .  
هیچگونه کم و کاست دروزن هایم وجود داشت  
اما آنها را به هلاکت رسانیده بود . تا جایی  
که در زمان امین مفلاک و باند جنایتکارش  
مخت تحت محبوبدیت قرار گرفته بود کنون  
با آزادی های که به خلق داده شده است  
کرامت و شخصیت پامال شده مردم اعده  
از این کارشان منظوری داشتند که علت را  
قبلا برایتان گفتند ، عدالت نبود جای نبود که  
شکایت خودرا ببریم و در مردم ما دادرسی  
نمایند در هرجا و در هر مورد عالی امین وجود  
داشتند و باعث اذیت و آزار مردم میگشند .

گون به سر زمین ها گسیل می شود داشتند و کنی ها از این گونه دسایس در سر زمین ما به قدرت آشوب ها و آشتفکی ها و ایجاد رسانید تا با استفاده از نقاب ها وحشت و ارعاب سود می برند؟ و یو شش ها خلق ها را اغوا پاسخ ها روشن است! انقلاب کنده و فریب دهد و به پرتکاه نیست زنجیر شکن و هستی آفرین سور شان بکشاند.

پس ازین تلاش ها، این بزرگ بدل گشته است و پروازی انقلابی ها و فرزندان راستین ودل پس بسیار اوچ گیر نده یافته

سوذ که در سر هوای خدمت به است واین جوجه مر غکان را تاب میمین و امر صلح و ترقی اجتماعی مقابله با آن بزرگ نیست.

دارند، به مقابله بر خیزند.

باری استعمار و امپریا لیسم کو شش ها، این تلاش ها بسی

می خواهند در زیر نقابی از حاصل است و بی نتیجه و گمراحتی

(دفاع از حقوق بشر) چهره بپوشند به جز از رسماً و سر افکندگی

و به غارت و تاراج هرچه بیشتر به بار نخواهد آورد زیرا این های

خلف جریان آب و بر خلاف سمت حرکت تاریخ را در پو یابی اند و

امپریا لیسم راتب تقوق طلبی و

سیطره جویی گرفته است و تشننه تاریخ سمت حرکت مشخص دارد و

قدرت است. در حالی که تاریخ در جهت مخالف حرکت آب نیز

بر عکس آن را نشان داده می رود

استعمار و امپریا لیسم هست

در تاریکی می کویند و این عملی

پیمان ها و پایگاه های خویش را

ازدست می دهد و آفتاب زرده می

گشته و بیمار عمر استعمار بیشتری

بدزردی و فسردگی می گراید و این

قانون تغییر نا پذیر جوامع انسانی است و اینک گردونه می تاریخ از

سر نعش فا تعان کنایی. اسکندر

تازه ها وبالنده ما می دهد و در این

ها، هیتلر ها و نا پلیون ها می

اصل دیا لکتیک جای هیجکو نه

شک و تر دید نیست، اما امپریالیزم

دیوانه لکام گسیخته همیشه از واقعیت

ها فرار می نماید تاب رو بروشدن،

با حقایق را ندارد. استعمار بیمار

و امپریا لیسم خو نخوار از گذشت

روز گار نمی آمو زند. ویند زمانه

که امیال سر کوفته می خویش را

را آویزه گوش نمایند، با تاراج و غارت و چباول ارضامی

کویند و بر منطق پو سیده و زمان نه ستایش را.

زدهی خود تکیه می نمایند.

استعمار و امپریا لیسم این همه

پوند و دالر برای چه مصرف می

نمایند، آیا در کشور های شان

و امپریا لیسم با این شکست ها می

فیری، بیکاری، ناداری بیدامی

شود آن پول ها در سر زمین خود

شان مورد مصرف نمی یابد؟ البته

که در کشور های غارت گرانه هنوز

مساله فقر حل شده است نه

گرسنگی و بی کاری و هر روز

جنایت هایی غم انگیز هم به خاطر

بول در آنجا ها صورت می پذیرد.

پس این همه کشاده دستی ها

از چیست؟ پاسخ روشن است برای

غارت کشور های دیگر برای دست

یافتن به گروت ها و سرما می های

پیغمدر ملته ۴۳۵

در حادث غم انگیز اخیر کابل کی ها و غولی آدمخوار را با نوطشه و آتش شنیدند و کنی ها از این گونه دسایس در سر زمین ما به قدرت آشوب ها و آشتفکی ها و ایجاد رسانید تا با استفاده از نقاب ها وحشت و ارعاب سود می برند؟ و یو شش ها خلق ها را اغوا پاسخ ها روشن است! انقلاب کنده و فریب دهد و به پرتکاه نیست زنجیر شکن و هستی آفرین سور شان بکشاند.

این آخرین تدبیر امپریا لیسم که ها هر آن در کاخ سفید طرح کوتاه است، فرزندان راستین امپریا لیزم وابسته به سرما می داری افکنده است. و این جای شکفتی نیست، با از میان رفتن دست نشاند کان ارجاع جهانی فریب انگیزان و دروغ گویان که در لباس ظاهر شاه ها و دادو خان ها و امین و امینی ها در میهن ما ظهور کرده بودند تیر های امپریا لیسم که در دست اجراء بود، یعنی پارچه دیوانه و در راس امریکا به خاک نستان متسلک و متعدد می بردند.

نشست است اعمام ویرانگر و سود در جستجوی چاره برآمدند، و آن که در دست افتاد و در بیان آخرین حلقه می لعنت را در هم گردید که از آخرین کلید هایی که شکستند و برای توده ها آموختند

در حاشیه حادث اخیر کابل م: هانی

## جهانخواران و غاصبان

### و دشمنان واقعی اسلام

#### همیشه دین را برای پرده پوشی

#### اعمال خویش و سیمه و دست آویز

#### قرارداده اند

در دست دارد سود جوید. تاباشد که استعمار غولی است هزار چهره که کارگر افتاد این آخرین کلید و امپریا لیسم ماری است خوش آخرین حلقه لعنت امپریا لیسم بود خط و خال که در سر آرزوی به غیر یعنی حفیظ الله امین (!) و دار و از زهر پراگنی و ویرانی و تبا هی دسته انسان کش او که در سر بشریت ندارد. در لفظ و در قول زمین ما جنایت های هول انگیز را خود را پاسبان بشریت می داند هر تکب گردیدند که تاریخ نظری و اعلامیه حقوق بشر را امضا می آن را یا تدیده بود و یا کمتر دیده نماید اما در گردار و عمل، حقوق بود. در هیچ گوشه ای از جهان مسلم انسان را لگد کوب می نماید. امپریا لیسم و استعمار این گونه برای فریب، نواهای انسان دوستی تر دستانه عمل نکرده بود. یعنی سر می دهد اما ما هیبتی پلید و با استفاده از اندیشه های انقلابی! متجاوز دارد. برای فروش اسلحه کشتن وطن پرستان و انقلابی های خویش بازار می جوید و در هر راستین، باری استعمار و امپریا گوشه ای از جهان را که تشخیص نمایند. نماینده ها و دست آموز نمایند. غارت کشور های دیگر برای دست لیسم از آخرین کلید و آخرین دهد آنچا آرامش و صلح برقرار ها و پرور دگان خویش را در چهره محکوم به نا بودی و شکست اند. دروغ استفاده کرد. گر ک وحشی است نا امنی به وجود می آورد و ها و قیافه ها و نقاب های گونا-

# نظروی به چگونگی و تاریخ انسان‌های

## نخستین پیشین

دا نشمند انعقایده دا رند که ابتدایی سیری نمایند . اینکه مناطق نخستین اجداد آدمیزاد در قسمت زیمیلا و نودایا یک منطقه سرسبز های جنوب و جنوب شرق آسیا می‌بوده جای تردید باقی نمی‌زیست زیسته اند که در زمان دوران مانداماً این سوال نزد محققین یخچال‌ها آنها مجبور شدند که چگونه انسان‌های طرف شمال حر کت نمایند . اما اولیه‌که هیچکو نهادنیل ابتدایی اینکه آنها چگونه به منطقه سپت بر گن منطقه سرد و یخچالی که هم‌نداشته اند توانسته اند پیش نیز فر سنگ فاصله را پیموده و خود را هزا ران هزار کیلو متر بدور موسی از یک منطقه به منطقه دیگر کشانیده قعیت دارد رسیده اند .

هنسن دا نشمند نا روی و لل دانشمند آلمان قد رال می‌گویند امروز برای محققین ودا نشمندان که اجداد انسان‌ها در قدیم از مناطق جنوب شرقی به سوی مناطق تاحدودی مشکلاتی را ایجاد نماید .

عده را عقیده بر این است که دو هزار و پنجصد کیلو متر فاصله در طول زمستان که همه سطوح ابحار دارد حر کت نمودند . آنها عقیده دارند که اجداد آدمیزاد در منطقه ای امروز توانسته اند با استفاده با آنهم این نظر آنقدر معقول و آوری غذای شبا رو زی شان کارو فعالیت نمایند .

قاب قبول جلوه نمی‌کنند زیرا بایست با این زمان یک منطقه شکار گاه و در عین وقت دوره گرمای خوب حیوا نات بحری اند انتقال گذشته باشند .

محققین می‌گویند که عبور از تابستان را در آنچه بگذرانند . برای عده دا نشمندان دگر مالک سکنی ناویا تا منطقه سرد و چون سلو یودا این یک امر غیرقابل یخچال سپت بر گن دوروز متواتی قبول جلوه نمی‌کنند برا اینکه چرا چنین را احتوا می‌کنند . روی این لحاظ فاصله زیادی را بدون داشتن وسائل ابیا مات پر پیچید کی های شگفتی



این هم گوشی از زندگی مادری انسان‌های قدیم

این تابلو یکی از صحفه‌های انسان‌های قدیم را نشان میدهد .

در ذهن آدمیزاد مبنی بر شرح این است که انسان‌های او لیست دقیق این مسلسل خطوط می‌کنند و این چهار هزار سال قبل در آنجا زیست راهنم می‌گویند در آن زمانی که می‌نمودند . دا نشمند دگر سلو نا انسان‌نهای او لیه زندگی می‌گردند که بقا یای فر هنگی آنزمان رامطاً لعه بحیره خورد هم وجود ندارد . نموده است می‌گویند که از مطا لعه دا نشمند پسر شنا می‌معروف چنین آثار و آبدات تاریخی معلوم به اسم ملز ید جوف اینطور اظهار می‌شود که انسان‌های او لیه قبیل از عقیده می‌کنند که در غهد قدر یم قسمت چهار هزار سال نیز در همان مناطق های پائینی بحیره بیر نگشته اند . امداد حیات می‌نمودند .

قسمت منطقه سپت بر گن یک پارچه . چیو لوژیست ها اظهار نظر بوده و جز از خاک اروپا حساب می‌نمایند که منطقه سپت بر گن شد تحقیقات چیو لوژیک امروز زی در حدود هفت هزار سال قبل یک منطقه که در قسمت تاریخ زمین مطالعه گرم بوده روی این لحاظ بوده که می‌نماید نیز نظر دا نشمند موسی انسان‌های او لیه به آسا نی می‌توانند در شکار حیوا نات و جمع صوف را تا کید نموده است .

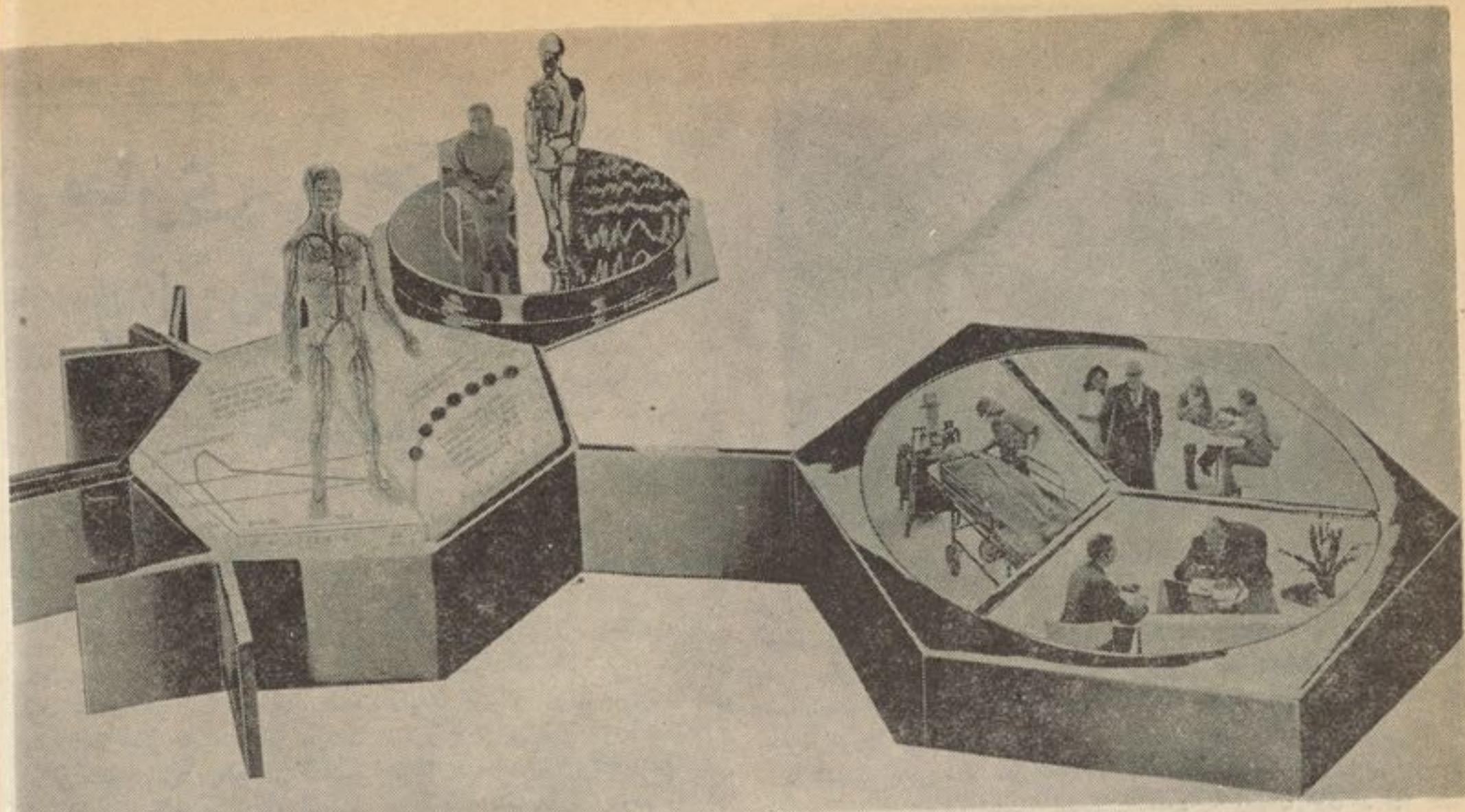
با آنهم این نظر آنقدر معقول و آوری غذای شبا رو زی شان کارو فعالیت نمایند .

ستار کوف دا نشمند دگر پسر .

شنای سی را عقیده بر این است که انسان‌ها از یک نقطه به نقطه دگر نیز در نظر داشت و این عمل همان عمل فشار اجتماعی و زد و خورد های بوده که همیشه یک قبیله بر قبیله دگر حمله نموده آنها را مجبور به ترک وطن آبایی شان می‌نموده است که مهاجرت انسان‌های او لیه در منطقه سپت بر گن نیز روی اصل می‌چرخیده است اما این که چگونه در چنین یک منطقه سرد زمستان نهای را سپری نموده اند جای شگفتی آور است .

انسانها اولیه به مرور زمان تو نشمند توانست و قبیله دگر را حاصل نموده در یعنی را حاصل نموده در همان شرایط او اخ بود یک گروپ محققین اتحاد شوری به سختی تو نشمند شش در مقاره ها آتش افروخته بدن هفته را در این جاسپری کنند اینکه شا ترا گرم نگهدا رند که بتند ریچ دو هزار و پنجصد سال قبل انسانها هوی و طرز زندگی کی جدا گانه در آنجا می‌زیسته اند جای تعجب را بی‌ریزی نمودند که طرز زندگی مختص به خود انسان‌نهای همان است .

هنسن ولل هردو را عقیده بسر منطقه بوده است .



تصویر تخیلی از عوامل حملات قلبی و ضد آن

تنظیم و برگردانی از برقی ابوی

## حمله قلبی و ضد

## حمله قلبی

چرا قلب هزا ران تن بیمار گشته است؟

دود کردن سکرت و سیگار یکانه عامل بزرگ حمله قلبی است.

تنها روش های پیشگیری میتواند قلب شما را سالم بجا گذازد.

چرا مردان بیشتر نسبت به خانمها در حمله قلبی میشوند؟

چرا امروز بیما ری قلبی افراد و به تایید آن حمله قلبی مهمتر از همه زیادی را رنج میدهد؟ واژ نگاه بیماری هاتلقی شده و حلقه های علمی تلفات این بیما ری در ردیف اول و کارشناسان را بیشتر از بیش واداشته است. پیشایش یکده از بیما ری تاسدی جلو آن بگستر اند. ها و نا سلامتی های که دا منگیر

بیما ری آشنای با لابودن فشار خون که این روزها بعلل مختلف همه گیر شده است بیماری قازه و نوظهور نیست و عده زیادی به آن مبتلا

استند. این بیما ری خود با علت ترین شکل آن به صحت جها نیان کمین و سلامت آنها را بخطر انداخته

به میان آمدن دیگر ناسلامتی های میشود. از جمله جمع شدن چربی در گلدار و گها

و عدم تعادل سخن بگوئیم اینها (تصلب شرا بین) سکته های مغزی

بیما ری های قلبی اند که هم دیف و قلبی (انفار کیتوس) اگر چه این

یانه بی سرو صدا بجان انسان را می امروز تعداد زیاد بیما ری های روان گیرد خیلی از زشن مهم تحقیقی دارند. علایم ظاهری این بیماری بسیار کم و گاه غیر قابل تشخیص است همین نارا حتی بظا هر ساده قربا نیان خود را با صبر و حوصله از میان دوستان ما انتخاب می کند. میگردد. در شرعا یطی که ما میزیم و چون میمای نیز خواهد سر زده بی خبر از راه میرسد. با وجود تحقیق و پرسنل قلبی ترازید رو نمایند بلکه تلفات خاصتنا در گروه سمته اینها می در تشریع علل و چکو. چرا قلب هزا ران تن بیمار گشته است؟

همچنان ناسلامتی های ذیر در یک روند سکته های قلبی رول اولتر دارند:

۱- های پیر و لای بیما

۲- های پیرو کلسترول امیا

۳- اوترو سکلر وزسن

۴- بیما ری های مز من قلبی

امروز طب پیشگیری نسبت به

طب معا لجه بی اثرات شفا بخش

زیادی دارد ازینجا سمت که این

بخشن طب در مالک عقب نگهداشت

شده همه گیر تر بوده و با مستواری

با این سلسله معیارات راهی بطرف

سلامت می گشایند. چنان نجه در

طب پیشگیری میگویند که بهترین

تطابق رو حسی و جسمی خود با

نداوی، نداوی نکردن است، از جا

موقعیت جدید می کنیم با علت

تب دیگر اینکه بدن انسانهای امروزی

ایجاد فشار عصبی میگردد. مخصوصاً اینا ری از مواد کیمیا بی شده است

از: مکول بلین  
ترجمه: د. ز.

## سر زمین طلا

زیبایی ها و قنعتی های «بولیوا» انسان را مینمایند.

سرشار از شادی و شادمانی می گرداند و آب و هوای بوده و مناظر زیبا و دلچشمی دارد که نظر ساحان را بخود جلب نموده است. سیاحتی که از هلینی بلینو میگذرد و باین سرزمین قدم میگذرد میگذرد که مردم آنچادر حالی که بی اعتماد هم نبرده اند جگونه اسجار را قطع مینمایند و ابر

حمل و قتل موادی که توسط این مردم تهیه

میشود توسطاً خطوط هوایی صورت میگیرد زیرا سرکهای منطقه مذکور برای عبور هم و موتور ها و سایر وسائل نقلیه مساعد نمیباشد.

زیبایی ها و قنعتی های «بولیوا» انسان را مینمایند. این منطقه نیز سر سبز، بر نمروخوش قوریست ها و مسافرینی که از بن سرزمین دیدن میگذرند بیشتر از باشندگان آن دیار در آن سرزمین احساس خوش و فرحت میگذرند و هنگامیکه بادلایی سرشار از شادی و همسرت بولیوا را ترک و به شهر و دیار خود برمیگردند، افسوس ها و افسانه های سادی افرین آنچه ای را دیگران حکایت مینمایند.

اگر شما نیز بخواهید به بولیوا ذیا و

قصه آفرین، سفر نمایید و برای بازدید تان از آن سرزمین پلان ویروگرام مشخص طرح کنید همچه های طفیل و روان برسور «سلینی بلینو» را تنفس خواهید نمود از زندگانی پر کیف باشندگان آن که به ارتفاع دوییل از بحر زیست میگذرند اطلاع حاصل خواهید نمود و دیگر این احساس حیات بسر خواهید برد که هوای پاکیزه آن جا را از متندوق بدن و خاطرات لیکن را از کامه سرتان، دور ننمایید و باری دیگر نیز از بولیوا دیدن کنید.

همچنان اگر باری دیدگان تان به جلگه های عرق و بلوشیده از برف «هلیستی بلینو» انسنا گردد جنان کیفی بیشما دست خواهد داد که یاد آنرا دیگر هرگز فراموش نموده خواهید توانست.

برخلافه ای که در قلب این منطقه زیبایی هوج میگذرد، میثار های در آن دیده میشود که بیش از ۲۱۰۰ فوت بلندی دارند و همه ای در جهان توریستی بربا کرده اند.

بعداز طی مسافت کمتر از پنجاه میل میگذرد «اندمن» و «پالکامی» انسان از نگاه ارتفاع، تفاوت قابل یادآوری را، ملاحظه میکند، این تفاوت بعداز پنجاه میل فاصله ۱۴۰۰ فوت تخمین گردیده که در انجام آن تقریبی جان سیز و خرم، قرار دارند.

برخی از دهکده ها و قصبات، در کناره های کوه های سیز و مملو از جنگلات موقعیت داشته و از تعداد قرون بیست اتیری هم در آنها تکریسته نمیشود.

اهالی جنوب این منطقه که خارج از سرحد بولیوا در قلمرو برزیل زندگی دارند، اگرچه که این کشور در سال ۱۸۸۳

حیات وحشیانه ای را، بالای خلثیا این امتیازات بحری خویش را به چلی و آگستانز ناجیه انجام میدهند و زندگانی ساده و پر کیف شده اما امروز انتراخات رسمی و قانونی آنها را دستخوش هراس و شویش میگردانند. مینمایند تا امتیازاتش را مجدداً بدست آورد. از این رو مردم قریه جات مذکور، شبهای روز روی این منظور همه ساله فرماه مارچ، هارا، در حنطة و حراست عینی و تاموس شان هزاران عسکر، معلم، کارگر به تفاترات سپری مینمایند.

با این همین حملات پیگانگان، یک تعداد از

ساکنان، آن منطقه قشنگ دریابی خویش را میطلبیم. این تفاترات واعتصابات عموماً در ناحیه

باقیده در صفحه ۴۹

زیرا این افراد سخت گیر با یجفاد بیماری آنرا دارد (مشرو بات الکولی جزیی ترین نوع بیماری به سراغ اعتیاد به سکرت، سر خوردگی های دوا های قوی میروند). بدون اینکه روحی، بیخواهی، سر در دی، درد بدانند چه خواهد شد؟ باید خاطر نشان ساخت که حتی امروز همه سلو لهای تن ما از وجود این سهمها اشیاع گردیده است و به وی خستگی و کسالت و نتوانی داده است. پس

با یاد این هاسلافتی ایشا نرا در یک شدید میگردند. نبودن پیو زدهای عاطفی و فضای نا آرام، مغشو شس و جنجالی فا میلی میتواند بعیث یکانه ترین عامل دیر پای بیما ری باشد. همراه با پایه سین گذاشتن سلول های بدن ما آنهمه غل فیت وظیفه را که در جوانی دارند از دست میدند. مضرجا معاقبه قبول گشته است و لی وارد آوردن در چگونگی شیوه و روش زندگی بخده است

کیزی وا کسن های اینمی ساده بوده نمیتواند آمار نشان میدهد در اشخاص پایه سین گذاشته اختلال در سیستم قلبی و عروقی در ۴۲٪ فیصد مردان و در خانمها ۲۹٪ در صد ضبط گردیده است و امروز به یقین

نابت شده است که حد او سطع مردرا آقا. یان هشت سال گو تا از وسط عمر زنان است. بیست و هشت فیصد و قایع سکته قلبی اعتیاد به سکرت بیست و یک فیصد فشار خون بالا و سیزده فیصد چربی و کلسترول در

مواد خود را کی و خون تسبیت گردیده است. سکته های قلبی در مردان پا به سن گذاشته بالای سین چهل زیاده تر دیده میشود و اینجا سنت که زنک های خطر بصفا در عیا یند و زندگی آنرا دستخوش شن بیما ری و مرگ می سازد. سن آنطرف مرز چهل حدود بیشتر فت روحی، جسمی و شخصیت مرد است. اصولاً یک مرد چهل ساله یا بالای آن شخصیت کاملاً است که مسئولیت زندگی خود و اطرافیانش را به شما یستگی به عهده دارد.

امر فردی است خیلی حساس و میخواهد در طول روز مرد موافقی پایشاد. ناکامی و نا هنگاری گردد. داکتر وهم بیمار شن باشد

بداند که علاج برخی از ناجوزی هامشترک اند چنان نچه علاجی و عارضه های سر دردی، بی حالمی

میگیرد. بیمار شن را فلچ کند در اوایل این علائم در وی قابل تقطیع هست

نمیباشد. درین راه از زشن های بیشگیری نباید فرا موش خا طری گردد. داکتر وهم بیمار شن باشد

بداند که علاج برخی از ناجوزی هامشترک اند چنان نچه علاجی و عارضه های سر دردی، بی حالمی

میگیرد. مهم است بدا نیم که درین سن غفلت در نا جوری خطرات زیاد را درین هد داشت اما طب امروزی با استفاده از وسیله های مدرن می

خواهد بدور بیماری های قلبی مبارز بکشید. چنان نچه امروز عمل جراحتی قلب به شیوه باز صورت میگیرد آماری که اخیراً ضبط شده است

جلوگیری نا سلامتی بالاستواری یک دانسته شده که در یک اپیدیمی سر گوبی شناخته شده منبع و عواطف



گوشه بی از سرزمین سرسبز طلاکه سیاحت داشته و خود مشغول نموده است

اهم جنوب این منطقه که خارج از سرحد بولیوا در قلمرو برزیل زندگی دارد، اگرچه که این کشور در سال ۱۸۸۳

حیات وحشیانه ای را، بالای خلثیا این امتیازات بحری خویش را به چلی و آگستانز ناجیه انجام میدهند و زندگانی ساده و پر کیف شده اما امروز انتراخات رسمی و قانونی آنها را دستخوش هراس و شویش میگردانند. مینمایند تا امتیازاتش را مجدداً بدست آورد. از این رو مردم قریه جات مذکور، شبهای روز روی این منظور همه ساله فرماه مارچ، هارا، در حنطة و حراست عینی و تاموس شان هزاران عسکر، معلم، کارگر به تفاترات سپری مینمایند.

با این همین حملات پیگانگان، یک تعداد از

ساکنان، آن منطقه قشنگ دریابی خویش را میطلبیم. این تفاترات واعتصابات عموماً در ناحیه

باقیده در صفحه ۴۹

سه شنبه : تیزدی = تی و پی .  
چارشنبه : وزنده = وودیم .  
پنج شنبه : نرس دی = توری .  
جمعه : فرایدی = فریکا .

آری پایین بودن سطح زندگی و عدم رشد  
کافی نیروهای مولده تاثیر بهترانه بی درافق  
درک و سطح دانش و شعور آدمیزاد است . علاوه  
بر آن انسان های گذشته اعفای تنازلی را  
نیز احترام میگذاشتند و آن را رب النوع تکثرو  
از دیدار نسل یادداشتند چنانچه قدیمترین استاد  
مصری نمان میدهد که در گذشته مصری ها  
به برستش آلات تناصلی اشتغال داشته و  
رومی ها هم شکل آلات تناصلی را به یارجه  
های کاغذ و پوست ترسیم نموده به جاهای  
بلند می گذاشتند تاماً به باوری گردد . این  
مراسم چشمواره های در روزهای دو شنبه و جمعه  
در قبال داشت که درین روز ها مردم به کار  
رفته مصریون تیریخ و خوش "گذراشی" می  
بودند و در روز گواران قدیم این روز را بنام  
روز کلخ الداز می نامیدند درین روز ها  
مردم به نوشیدن مشروبات مصری بوده و  
عیکوشیدند به این طریق ارواح را از خود  
را فس نگهدازند . چنانچه حکیم سنا می  
اشارة به این موضوع نموده میگوید :

"باشه مازانی سیمسن رسیم گلخ الدازه"  
ویناخ میگوید : انسان های اولیه برای ارضی  
ارواح شبهه ها و اسلوب های دیگری نیز یکار  
می برند که عده ترین این شیوه هن جادوگری  
است . به نظر دیناخ جادوگری فن جنگ رو ح  
یرستی یا این میزم است . جادوگری و سیله  
همدیه با ارواح بوده که پایه آن بر تلقین  
روان استوار است او میگوید در گذشته ها  
وقتی که زنی حامله دار می شد و یا مریض  
به کسی پیدا می شد جادو گر می آمد چند  
ستگ را به سینه زنده و آن را بدور می  
انداخت و با بدور اندختن ستگ تصور می شد  
که تکالیف نیز معرفه میگردد .

در آن یوتان باستان هنگام بذر افشاری  
زین جوانان را فربانی نموده و باری یعنی خون  
آنها ارواح زمین را را فس نگهداشتند و هر  
سال در چن تراجیلی دونفر بلا گردان برای  
فر بانی انتخاب می شدند . مردم  
آن دو نفر را آنقدر سکیاران میگردند که  
از بین هیفت و این کار به مثابه بلا گردان  
و کفاره گناهان مردم الگاشته می شدند .

در کشور های شرق میانه و آسیای وسطی  
مرغ و یا گوسفند را ذبح نموده شش و دل  
آن را در جار راه های اندختند و به این  
طریق می کوشیدند گفاره گناهان شخص  
مریض را باید حیوانات بسته می آوردند  
که تا چند دهه گذشته در بعضی قریه های  
این کشورها هنوز هم این کار دیده می شود .  
اسطوره مرج و بعث البه در شکل  
انسان جز همه ادیان آسیایی و افریقایی بود  
با گشتن و خوردن آنها انسان های

از طرف دیگر این انسانها هم باطیعت و  
هم با حیوانات درنده مقابل بودند از وجود  
آنها خیلی می ترسیدند ، آرامش وجود  
نداشت ، طوفان رعد و برق ، سیلاب همه و همه  
حیات انسانها را تهدید میکرد ، سطح زندگی  
مادی آنها خیلی بائین بود . مرگ و میر به  
سدت جریان داشت ، طفل قبل ازینکه به مرحله  
بلوغ ویا به سن بیرون بر سد به کام مرگ  
فرومی رفت . چون زندگی انسانها در سطح  
خیلی نازل قرار داشت وسائل تولید و تیره  
های مولده که در جهت رشد و تکامل سطح  
زندگی مادی و همچنین در رشد و تکامل بروزه  
انکشاف تجارب برمغز آدمیزاد نفس ارزش  
دارد نیز به حد کافی رشد نکرده بسود عین  
امر سبب گردیده بود که شعور انسانها  
نمیتوانستند استقلال نسبی خود را حفظ کنند .  
تنا این انسانها با وجود بائین بودن سطح  
زندگی و عدم رشد کافی نیرو های مولده  
نمیتوانستند به علی علمی بیدیده هادستری  
پیدا کنند بلکه علت آن را در روح وجود همان  
پیدا کنده ها می شدند که در طبیعت وجود  
داشت همه انسان را حاوی ارواح می داشتند  
و همین ارواح را مسؤول اعمال و کردار شان  
تصور میگردند .

لوگر سیوس میگوید : عین ترس از طبیعت  
و بدبده های بود که برای تاختن ترس و برستش  
و اطاعت از آنها را ایجاد نمود .  
لوگر سیوس میگوید که اکثر نویه کاغذی  
جلوی سکت از اخنه شود باد کاغذ را به حرکت  
درین آورد اما سک فکر نمیکند که باد است و به  
نظرش میرسد که این گانده هم دارای روح است و  
چنین امری را به اصطلاح علمی آن نیز میگویند .  
جزیره فیلان مالیز ماروح برسنی وانی بیز  
را به لسان خویش بنام مانا و بومیان امریکایی  
آنرا مانی تویاد میکنند . به نظر بومیان امریکایی  
قطع درخت ها از طرف سفید بستان چین  
تصور می شد که به زندگی آنها خانه داده  
می شود . در جزایر ملوکا ، بادرخان شکوفه دار  
طوری معامله میکنند که بازنان باردار .  
میگویند وقتی که از زندیک درخت بار دار  
و شکوفه دار میگردند باید فریاد و چیغ  
نکشیم که بادا مثل زنان باردار سقط . چنین  
کنند و یا بیوه شان بهزین بینند .

در جزیره اموی تاوقتی که مردم نزد دیگر  
هزارع برخیج میشوند به بسیار آهستگی از  
کنار عزره دور می شوند از کشیدن هر نوع  
صدای خودداری میکنند تصور میکنند که  
با فریاد و چیغ و تله روح که در داهه برخیج  
موجود است قطع میگردد لهذا با تکریم و  
احترام از برایر آن میگذرد و با این کار  
تصور میکنند که ارفسای خاطر ارواح که در  
دانه های برخیج موجود است حاصل میگردد .

همین برستش در قسمت متارگان هم  
موجود بوده است چنانچه با پلی ها متارگان  
سیمه را مشخص کرده و از ترس آنها ایام  
هنه را نیز بنام آنها مسمی کرده بودند  
چنانچه :

یکشنبه : سندی = من یعنی آفتاب .

دوشنبه : مندی = مانا

شنبه : ساترندی = ساترن .

روز های متألق هنه سه شنبه ، جار شنبه ،  
پنجشنبه و جمعه راینم راینم رب النوع سکاندیا و با  
بادمیکنند چنانچه :

## سیوی در چنان

ترجمه حفظ الله عادی

## همن ، باز قابی از زندگی

بشر اوله قرار شواهد تاریخ ، زندگی خیلی  
نداشتند ولازم میدانستند که جهت بقای  
شان بصورت دسته جمعی و گله وار امداد  
حیات میگردند زیرا انسانها وسائل لازم و



د تو لسته وی پر ادبی شمکار  
جنگ او سوله را زدی لندن تبریز

دقولسوی ددی سترانگ بینس ۵ خشنه ۱۸۰۰ که ۱۸۱۲ کال پوری منع ته راغل او نس  
برغلو تو لاندی بیوت و . ورومنه له قولسو  
جو حمه دله لینکر چن خدادیاشه دوه ویشت  
ییشو خای کله به مسکو او پترزبورگ کی  
نه غیری بین دلاسه ورکی وه دسیموفونفسکی  
کلی ته ووچنزوی چن به دله وخت کن یعنی  
زوم اشرافی مخلوقه وی او کله هم  
استرلیت) او (مسکو) دیگرکی دگرونه  
داد مسکو او داخیستنی بتار او یا هفدهتواری  
دتوپچی فواو دسختو درو به انر زنن تلف  
د دستور نه چن فرا سوی لینکر یه حقه . اوله منځه شی .

نوهودی لشکر پزنه له دهی چن یوپیش هم  
و کهی اویا دفعه خای خخه بسرو خوری  
نقریها دخیلو لشکر و بیوه دریمه برخه دلame  
ورکوی، توپونه دفعه لخوا به تیره یا  
دیس ایچ له لوری دتو رو دوتو به منع کس  
به فعالیت لکیا وه کله به داسی بشنه شوه  
چن دقویویو منمی به دلس پنخلسو دقیق  
لپاره دعده خخه لوری یا کته لکیدی او کله  
به هم دیوی دقیق به جریان کی دنیمه و  
لشکرو زیات شمین مه او قیان شول او  
عسکر به یه مسلسل دول دهیسانو به تولیدو  
بوخت شول سره له دی هم دایشکرد قرمیخ  
یوه واحد، روحیه موجوده وه . گوار خاموش  
اوچیه چویتیا اختیار کهی و دفعه لشکرو د  
خبل وخت زیاته برخه دمنصبدارانو دستور  
را رسیدویه انتقام کن قبره که . دوی منظر  
نامت و میود به یه خبله ییک لرونک خولی خان  
مسروقه کهی و کله به یی آیسته او کله به یی  
پرس که بل بدگلانو او بوتو به وجوشود  
یالو ناندی دنوبات دنیزی به یاکول او سیقلولو  
خان اخنه کهی و خیتی به بیا دکمریند به  
قینگیدو لکیاوه بعض به هم د تویک به  
پاکولو دبوتو دگیقیں به ترلو بوخت وه .  
وی . جنک او سوله داملاقو عاداقو او دوح  
زوینه له حیته یو قاریخی دومان دی . دده  
رومان (یچن بنخه یا شین بیلا بیلی بیشی  
بیرهه بل کن وغل شوی او تشریح شوی دی)  
تدول او یابیس مطالبو زیات تشریح کول امکان  
لمری . درومان دوه اصلی قیرمانان لری چسی  
دویی (این بروخوف) نومبری دله قیرمان  
خوان بوسداده هوتیار دغت اندام خبشن،  
بیشکن زیه ور او دنامنکو مسایسلو سره  
علاوه لرونک او ضعیف النش انسان دی  
تفه قیرمان قل به دی لته کی دی جی دزوندانه  
ذلیو او زورو حتی اخلاقی بیسو او هفه  
بندزونه او دامونه دزوندانه به جریان کس  
ورسره مخاخ کینی سره منه خبل ایدیال  
هدف ته خان ورسوی . او درومان بل قیرمان  
هم (برن اندره باکلوسکن) دده دملکری  
خخه عبارت دی . دی یو چین نیه افسر او  
عسکری صاحب منصب دی او دخیلو تورو  
همه هارادو یه تین روند کوی خویه باطن کی  
زیات ارزیبت لری دی خوان دی خو ریبونه  
او تکلیفوته یی زیات لیدلی دی بنخه یی مهه  
شوی ده او زوی یی ده ته پاق شوی دی  
دخیلی ماندینی دهیمی خخه . خه موده  
روزسته د (ناناشارومستوف) چن یو شکلی

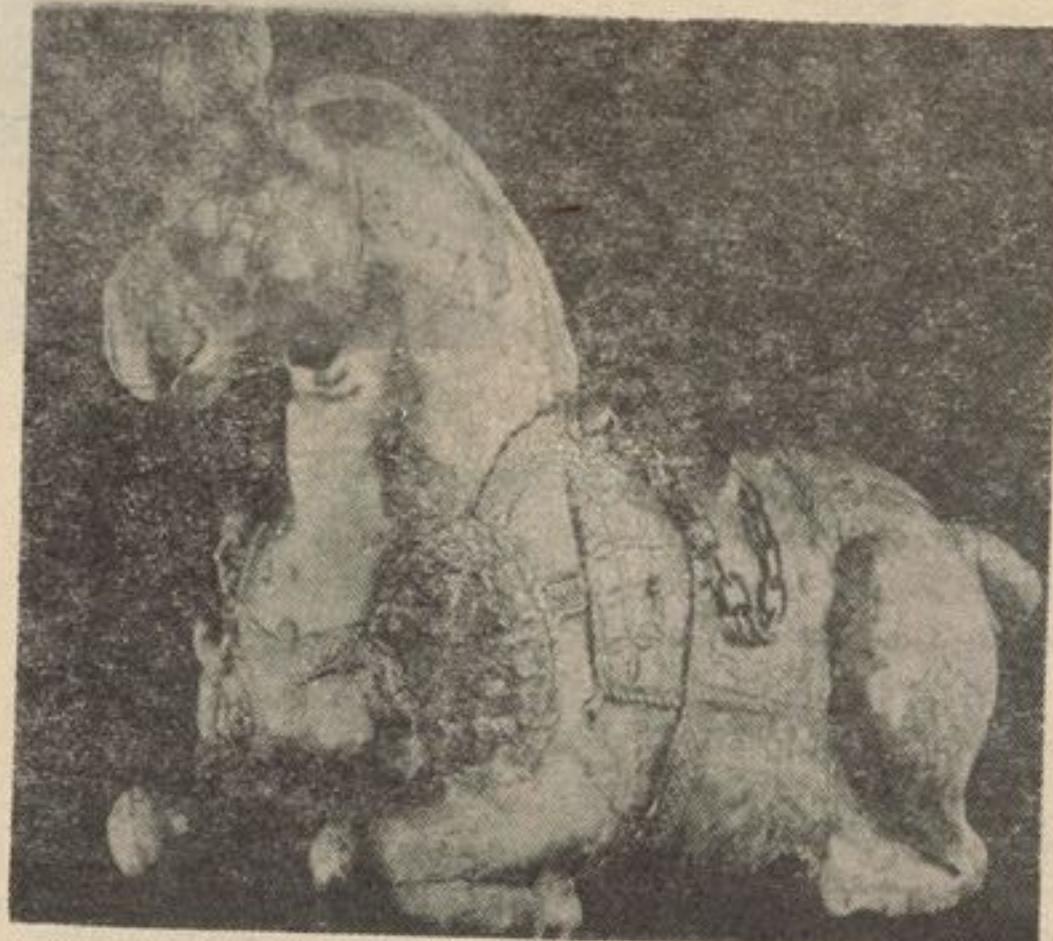
لنه داچن تول عسکر به یوه اوپل شس  
هصروف او به چورت کی غرق نامت وه حتی  
کله کله چی به زخمیان اومری ددموی منخ  
ته وپل او را اوپل کیدل او یانور عسکر به دجه هی  
دخط شخه راقلل او یابه ددوخونو په منخ کی  
زیارات شمعین دبستان لیدل کیدل ددوی هیش  
دول یاملنه میں نه چلبلو لاکن هفه بیر غی  
بیشی چی دجگری سره به میں هیش ایکی  
نه دراودی ددوی دزیاتی توجه او یاملر نی  
وہ گرخیدی داسی معلومیدل چی ۵ جگری  
ترله بیشی ددوی دروندانه هفه عادی بیشی دی  
چی تل میں ددوی ذهنونو او روحنا تو شکنچی  
وزکمی دی .  
دغه راز کله چی یواس به داسی حال کی  
اوجده بیفعه وہ سره سمرد او بورمه سوی  
دی . لاکن (نافاشا) دیوه بل خوان چس  
(انا تول گورا گین) تومیدی سره لر لئے  
یعنی هفه خوان چی داین بدنامه کبری او خیل  
په یکی میں ودمه شلولی ده .  
(اندره نیر) هفه بیرین دی (پرس اندره)  
چی یوغوره منصبداری او په (ستر لیت) کی  
سخت تیں کسری به ۱۸۱۲ کال ددوهم خل  
لپاره دولن شخه ددفعه به مقصد وظیفه ته  
چھتو کیوی او دمسکو ۱ به جگری کی دیو  
شمیں عسکر ودھری او قوماندہ به غایبه  
اخلى .  
چی هدلنه دسول او جگری درومان شخه  
دمسکو دجگری یوه برخه دلمون په تو که  
ویاندی کو :

دشاهزاده لشکر تر دو و بیجوبوری دسیمونتو. شس پینه بی زخمی ده و بینی دستولود توجهه و بی فسکی به کلی کی برونه دهر دول فعال است پاتنی په ۱۷ هخ کی

ارلیه قصور میکردند که قدرت آنها در وجود آنها همبلور هیگردد روی این لحاظ بود که آنها نوشت فربانی را نژدیح و من خوردند و خون زان را می نوشیدند این عمل را که بعد شاهزاد زرفتو و عمریق تر هیگردد سپورت گرفت بنام کتابولیزم یاد میکنند که کتابولیزم یا حوان راذبیح کردن و خوردن گوشت آنرا بهجای گوشت انسان یک جهش تاریخی نموده است.

اسطوره حضرت ابراهيم که فردا شدش  
کردند که روزی این مرده ها دو باره زنده  
می شوند رهبری مردم را بدوش می گیرند.  
با این خداوند (ج) ذبح گند و بعداً به دستور  
الله عزیز پسرش گوسلنند را قربانی کرد  
در مراسم دینی مردم مسلمان در صراسر  
افتخار در زندگی انسانیای مظلوم و مورد  
مسکنجه، آزار و کشت فرار می داد مردم تاجار

دانشمندان عقیده دارند که انسان‌ها با میزبانی خواهند شد و در تب میزبانی را درست نمایند. این فکر شدید است که روح بزمیزبانی میزبانی را درست نمایند. این فکر شدید است که روح بزمیزبانی میزبانی را درست نمایند.



دانشمندان عقیده دارند که انسان های اگذشت سایان به این فکر شدند که روح بزرگ در وجود حیوانات بزرگ و نباتات است

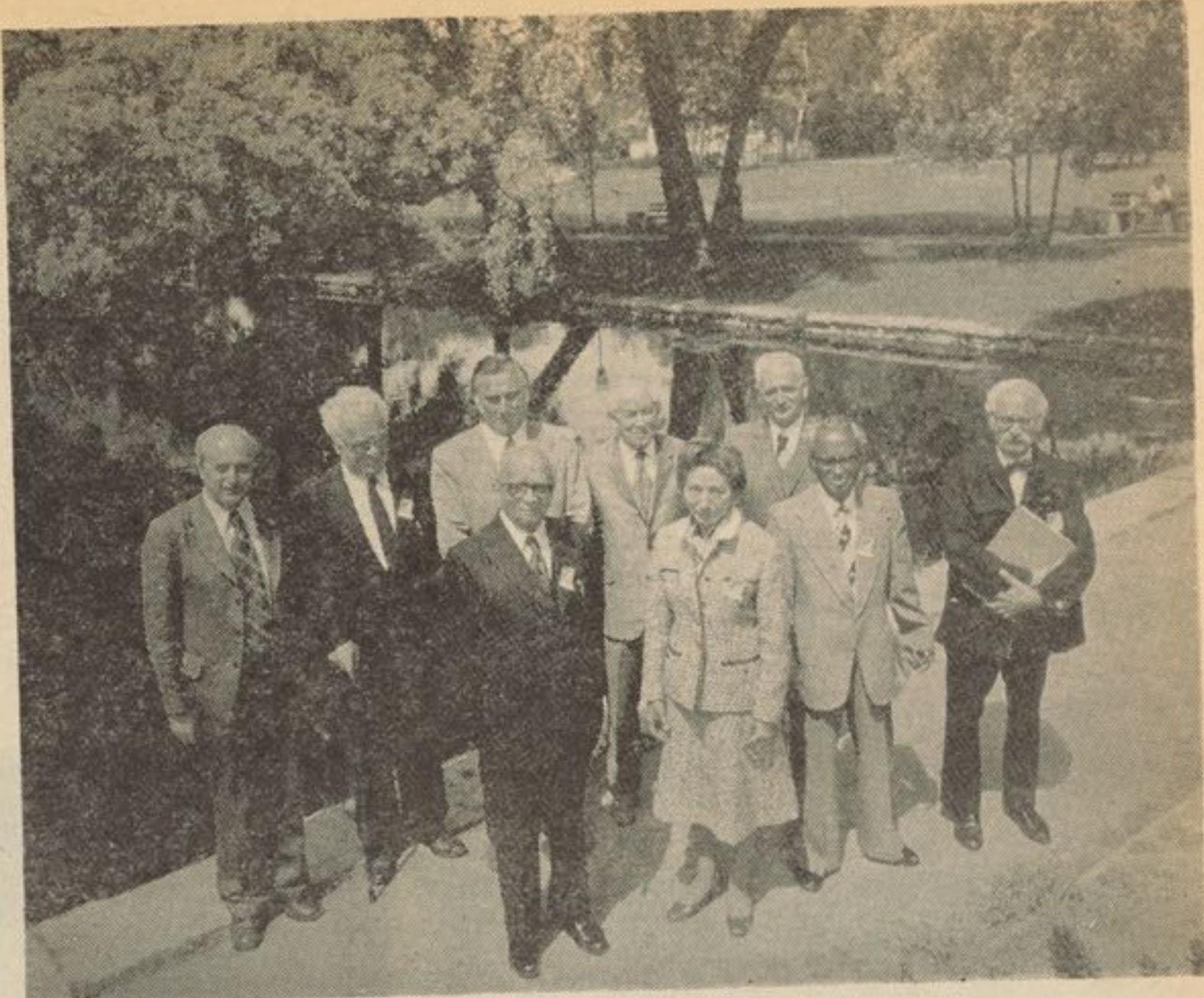
مقدس است به این طریق آنها این حیوانات را که چنین تصور می شد احترام می کردند کلمه ری لیجن الکلیسیس از کلمه ریلیگاری و فکر می کردند که باز بین رفتن آنها قبایل و بنا ریلیگار که بنام مواظبت و همراهی است و در دم ریون رعیتی را فیض می مانند حنانجه در ماخته ذگردیده است.

امروز به اگر خبریات ، کاوش ها و تحقیقات باستان شناسی آثار و آبدات زیادی را در گوشه و گنار جهان گشته نموده اند که همین امر است که هندی ها گاو را احترام نموده و وسیله هم تولید آن وقت جامعه شمرده می شذ که بعد ها با گذشت سالیان این اسطوره ورسمی شکل تقدس دینی مسلط همان مسردم گردید این امر را در تاریخ بنام توتم یا شناخت فرهنگ و گلنوی دوره های پاروا انسان های اویله می قواند باشد .

دین یهود امروز گوشت ماہی، بره، گبوتر منوع بوده و در جامعه هندی خوردن گوشت گاو از جمله مقدسات است. بنابر همین امر است که هندی ها گاو را احترام نموده و شمرده می تولید آن وقت جامعه شمرده می شذ که بعد ها با گذشت سالیان این اسطوره ورسمی شکل تقدس دینی مسلط همان مسردم گردید این امر را در تاریخ بنام توتم یا شناخت فرهنگ و گلنوی دوره های پاروا انسان های اویله می قواند باشد .



دسانسکرت دغونبوي بوه برخه وال  
دسانسکرت به زبه ديوه آهنتك داوروولو به  
حال کي .



دکنفرانس بو شهير برخه وال (همبوب) ديوهنتون به خنگ کسی ياد گاري عکس اخلي .

عبدالعزيز زباده

## دسانسکرت دربي دخیل نو خلودمه نو بواله غوزده

شو دغنو نریوالو کنفرانسونو دجورید لو خنه  
اهداف دوه شيان دي :  
لوهري: دسانسکرت دزبي دتاریخی او  
فرهنگی ادخونو خيرل .  
دوهم: دسانسکرت دزبي به باب دغنو  
شیادوده و هانو اومولفانو له خوا به برابرسو  
انارو او تاليفاتو باندي بحث او خبری کول .  
دسانسکرت دزبي دعطالعاتويه خلودم نریوال  
کنفرانس کي دنري په بيلابيلو هیوادونو کي  
دسانسکرت دزبي دافقیت او به فرهنگی، تعلیمی  
او گلتوئی چاروکی له دغی ذبي خنه دزیانی  
کنی اخستلویه باب بحث او خبری و شوی همداریک  
ددنه نریوال کنفرانس به بيلابيلو غونبوي کي  
سانسکرت دزبي دگرهد تدبیلاتويه باب خبری  
پشوي .

دسانسکرت دزبي دعطالعاتو خلودم نریوال  
کنفرانس دالمان دموکراتيك جمهوریت دبرلين ديوهنتون  
به افسانوي بشارکي خكه جویدو دادهافو به باب  
لاندنبو پوښتنو تهخوب ورکوي :

پوښتنه :

دسانسکرت دزبي دعطالعاتو خلودم نریوال  
کنفرانس دغوره تر تبیانو به نیولو سره دالمان  
دموکراتيك جمهوریت (دوايمار) په بسلکی او  
السانوي بشارکي دنري دخه دپاسه خلودسوه  
ته استازو په ګړون جوړ شو که لطفا ددنه  
نریوال کنفرانس خنه دلاسنه راغلني تیجویه  
باښتونه دغونبوي په زیات شمير کلاسيک آثار  
 موجود دي .

پوښتنه :

آيا دهند او آلمان دموکراتيك جمهوریت  
بوهان مولفان او محققین دسانسکرت دزبي د  
بوهان مولفان او محققین دسانسکرت دزبي د  
دعطالعاتو په برخه کي به کمه ګلهه پروژه کسی  
کار کوي ؟

خواب :

دسانسکرت دزبي دعطالعاتو او نورون نریوالو  
دسانسکرت دزبي دعطالعاتو نریوال کنفرانسونه  
داساستامي له هخي دسانسکرت دزبي دنریوال  
سازمان په غړیو هیوادونوکی چې البهه ادویابی  
هیوادونه هم یکی شامل دي جوړیږی ددځه راز  
بوهانو او مولفانو دیاره دشريکو تحقیقاتی  
کنفرانسونو لري په هندګي شروع شوه اوبيا  
بروژو امکانات برابر ګاندي . دمثال په دول  
محققینو دكتونکو په توګه هم برخه اخستي  
درلين (همبوب) ديوهنتون پروفسر (مورگنرا)  
کنفرانسونه دتورین اوپاريس په بشارونوکي جوړ  
دهند د (مهاباتهارا) په پروژه باندي ګار کوي

دیونسکو په هرسته دسانسکرت دزبي دغیره خلودمه نریواله غونبه دیوززو نه سوه نه  
اوبيا و م کال داکتور دمیاشتی له درویشتمی نېټي خنه تر دیرشمی نېټي پوری دالمان  
دموکراتيك جمهوریت (دوايمار) په بشارکي جوړه شو .

دسانسکرت دزبي دعطالعاتو په دغه نریوال کي دنري دسترو علمي ، تحقیقاتي او فرهنگي  
کنفرانس کي چې درلين (همبوب) ديوهنتون غونډو خنه شميرل کېږي دلوهري خلدلداره  
په همکاري جوړشود دسانسکرت دزبي دعطالعاتو دوه شبته ته پوهانو دالمان د دموکراتيك  
دسازمان په دوه سوه درویشتنه تو غړیو علاوه جمهوریت خنه ، یودېریش ته دهند خنه، اووه  
دنري ديلابيلو هیواد ونو خنه چې شميرل ګشت ته دشوروي اتحاد خنه، شل ته دالمان  
(۲۸) ته رسپری ینځه ويشت ته پوهانو داعدادي جمهوریت خنه ، لس ته دایتالیاخنه  
داندادي جمهوریت خنه، ده دهند خنه دهند خنه دهند خنه دهند خنه دهند خنه دهند خنه  
محققینو دكتونکو په توګه هم برخه اخستي او اوه ته په ترتیب سره دیولنډ، دامریکا  
ووه په دغه نریوال کنفرانس کي چې یغیله نوع متعدده ایالاتو او فرانسی خنه ګډون وکړ .

گی دنایی دفاترستی فواوو دیر غلونو به وخت  
دانسکرت دزبی لومپی علمی کنفرانس دزبونا  
کن دخه مودی له باره دفاترست دزبی دمطالعاتو  
به بشارکی ورک شواو دلنه دالمان دموکراتیک  
جمهوریت پوهانو او محققوته زمینه برای  
شوه چی خپلی مقالی دفاترست به زیهولی زی به باب دپوهانو او محققوته له خود دمطالعاتو  
که خه هم به اروبا او دنیه به نورو براعظونو دوره بیاپل شو .

## سره و گورم .

بویسته:

که لطفا دالمان به دموکراتیک جمهوریت کی  
دانسکرت دقغونی زی دمطالعاتو دانکشاف  
او افاقت به باب معلومات راکری ؟

خواب :

دانسکرت زیه او دهقی دمطالعاتی بروگرامونه

دالمان به دموکراتیک جمهوریت کی لرغونی  
مقام او تاریخ دریخ لری . خلودکاله بخوا

درلين به بشارکی دلوهی خل دباره دفاترست

دزبی دمطالعاتو دیباودتیا دشنده دجوریدو

(۱۵۰) کالیزه دسترو مراسمویه ترخ و نهان خله

شوه دنه کار خنجه داخبره به چاگه سره

جوئیزی چی دفاترست دزبی دمطالعاتو موضع

دالمان د دموکراتیک جمهوریت به بیلایلو

بوعنونو او فرهنگی هرگز و توکی خان ته

(۱۵۰) کلته سایقه کری . به برلين کی دفاترست

به داسی حال کی چی زه هم دکال به زیات و

وختونو کی به عنده دفاترست دزبی دمطالعاتو

داسی حال کی چی زه هم دکال به زیات و

کنفرانس دفاترست دزبی دیوه بیل نامه محقق

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه



دانسکرت به زیه دیوسترو دندادتون

یوه گوبنه .

(۱۵۰) کلته سایقه کری . به برلين کی دفاترست

دزبی دمطالعاتو لو هر نسی بروفسر او محقق

دزبی دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

(فرانز بوب) نو هیزی او باید وویل نسی چی

دانسکرت دزبی دمطالعاتو (۱۹۷۵) کالنریوال

کنفرانس دفاترست دزبی دیوه بیل نامه محقق

لایم هلتنه ددی وخت پیدا شو چی دفاترست

دزبی به گیون دیو شمیر نور و لرغونو زیو به

(فرانز بوب) دوازده به گیه سره دفاترست

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

لایم هلتنه ددی وخت پیدا شو چی دفاترست

دزبی به گیون دیو شمیر نور و لرغونو زیو به

(فرانز بوب) دوازده به گیه سره دفاترست

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شمیر انار ولیکل اویه

کله چی زه خوکاله دهنه دهنه دهنه دهنه دهنه

او خیرونکی البرت و پیر دزبی دوکله (۱۵۰)

کالیزی سره سون خوری . (البرت و پیر) او

باب دهندي بروفسرانو ، مولفانو او محققوته

لرغونی دزبی به باب یو شم

ملی کریکا ری له خوار لس فیصدرو  
خخه دلار ۴۳ ته را کمه او دنې ملیو نه  
هکتاره مصادره شوی خمکی دبریالی  
ویش خور خبر خبور شو .  
لنه دا چی چیلی دانقلاب په

سیو ری کی او دخلکو دیو والید  
جبهی دحکو مت دیرو گرام له مخی  
دزورو اوپرا خه تو لیزیوا اقتصادی  
اصلاحاتو لاریه محکی و نیوه، دفیو .  
دا لیزیم معو کول پیل او د کا نو نو  
او صنا یعو ملی کول کړ ندی شول  
او به دی تو ګه په چیلی کند  
کپیتا لستی سیستم او امپر یا لیستی  
تر لتوپ ریښی غو خسی او د انقلابی  
زورو پر مختکو تو لاره او راه شوہ .  
دچیلی دحکو مت دغه رو بنا نه هتر .  
قی دریخ نړیوا له ارجاع او امپریا .  
لیزیم دنو یوار تجا عی پلا نو نو  
طرا حی ته مجبور کول . دیو لو  
را په لو دخصوصی ترا -

نسیور تی شر کتو نو ما لکین د  
تطمیع له لاری دکار پر ینبودو ته  
و هخول شول او د خورا کی موادو په  
ویش کی ستونزی را پیدا شوی .  
۱۹۷۵ کال تر جنو ری پوری  
دولت دانه سوه نو یو بشو نخیو  
او د ۱۴۰ زره نو یو کورو نوبه جوی .  
ولو پر یا لی شو په مقا بل کی د  
فا شیستی عنصر ترور ، اختناق  
او وحشت زیاتوا لی و مو ند او په  
ټوله چیلی کی ضر بتی و سله والی  
فا شیستی دلی جو پی شوی دهی په  
میا شست کی په دا سی حال کی چی  
دسا نتیا ګو په شمول دچیلی په  
سلو بنا رو نو کی دیووا لی دجیهی  
دحکو مت په ملا په ستری مظاہری  
روانی وی امپر یا لیستان دیو په  
زیا تو ای دتور بازار په رواج او  
قلاچا ق او انفلاتیون په پراختیا  
بریا لی شول .

دجون په ۲۹ نیته یوه ارجاعی  
کود تا کشف او شنیده شو . دا  
وخت په یول هیواد کی دوپلور اوپرلو  
دخصوصی شر کتو نو فعا لیست  
بند او دسر کو نو پلوا نو ، نفتی  
پایپ لاینو نو او د بریستا ، اور گا .  
دیو او دنفو دزیرمو چو ولو ادا مه  
در لوده . په مقا بل کی دخلکو له خوا  
له دو لت خخه دفعه کمیتی جو پیدی  
او په ټوله چیلی کی دخلکو دزوندانه  
دعا دی کو لو له پاره دمکا و مت داو .  
طلبا نه دلو فعا لیست کاوه .

په ملی او بین المللی سطحه کی  
دچیلی دخلقی دحکو مت دغه انقلابی  
جی دامر یکا به برادن ګو بر گمنی بین المللی شر کت (ای . تی ، تی )

احسان آرنیزی

لیکن او خبر نه

## قهو مانه چیلی

### د امپریا لیزیم په خوړه دو هنگولو ګی

چیلی دلاتینی امر یکی یو وروسته سا قل شوی هیواد دی چې  
۷۶۰ ذره کیلو متنه مر بع براخواں او یوو لس میلیو نه او سیدو نکی  
کړی . سانتیا ګو ، الپاریسو ، کونسپسیون او آنتا فیا سنا ددغه  
هیواد ستونا رو نه دی . دچیلی خلک په اسپا نوی ژبه خبری کوی او  
درو من کاتو لیک مذهب پیرواندی . ددغه هیواد کر نیزه خمکی محدود دی  
خو صنا یعو بنه وده کړی ۵۵ . دمسو ، او سپنی ، هنگنیزو ، پیرایتو  
او قافی ستری ذیره ګری . دغه هیواد مس او سپنی او نا یتر یست  
صادر وی . دچیلی دیسپو وا حداداسکو دو نو میزی .

د ۱۹۷۰ کال خخه دمکه په لاتینه  
امر یکا کی دچیلی هیواد دین المللی  
او تجاع او امپر یا لیزیم دانحصاری  
پا نکو او وسلو په توره لو مه  
کور نیو مر تجمعینو - فیو دا لانو .  
پانکه والو او کمپردا دو را نو خپل  
طفیلی زوند امر یکا دامپر یا لیزیم  
په ملا په دچیلی دزیار ایستو نکو  
دخلکو دیرا خو پر ګنو بن ګرا نو ،  
کار ګرا نو ، کسبکرو ، ګو چنیوما .  
مورینو اونور ملی او مت فی قشر و نو  
او طبقو دبیر حمانه استمار له لاری  
په هغوي تحملی کړی او دوی بی  
له خپله ستو ما نه زوند خخه  
بیزاره کړی و .

د ۱۹۷۰ کال دسپتمبر په انتخاباتو  
کی دخلکو دیو والی دجیهی انقلابی  
کاندیدا کتر سلوا دور آیندی  
بریالی شو او په دی تو ګه دچیلی  
دباریخ په او بدو کی دلو مړی خل  
له پاره دخلکو یوه ربنتیا نی استازی  
دچیلی ددو لته قدرت وا ګی تر  
لاسه کړی . دخلکو دیووا لی دجیهی  
تاریخي بر یا لیتوب چې دچیلی د  
سو سیا لستانو ، کمو نیستانو او  
مسحی دمو کرا تا نو له انتلاف خخه  
منځ نه را غلی وه په ډاګه و پنوده  
چې دچیلی خلکو په ملی او بین .  
الملی سطحه کی خل دو ستان او  
دبمنان پیزندی او له خل هیواد  
خخه بی دین المللی او تجاع امر .  
یکا یی لو تماری پا نکی او امپریا .  
لیزیم دنفو دشیر لو له پا زه منۍ  
را نغښتی دی .

له انتخاباتو تو خخه دمکه هم امر .  
یکا یی ستر و انحصاری کمینوددغه  
هیواد دجا سو سی دخو نری شبکی  
«سیا» په مرسته او د چیلی دکور نیو  
مر تجمعینو په میلا په دلایندی د  
ټاکنی او د خلکو دیو والی دجیهی د  
بریالیتوب دمکنیوی له پاره دیزی  
هلي خلی و کړی دمثال په دوول دامر .  
یکا دتیلفون او تیلگراف بین المللی  
کمپنی په یوا زی تو ګه یو ملیون  
ډا لر ولکو ل .

دخلکو دیووا لی دجیهی له بر یا .  
لیتوب سره جو خم دچیلی کور نیو  
مر تجمعینو دهیواد داقتاصا دی ژو .  
ندانه دفلجو لو پلان طرح کړ او  
امر یکا په انحصارا تو له چیلی خخه  
دخلکو پانګواسته پیل کړه . امریکا

تدریس سا ینس و تحقیق را در الکساندر ون همبولت در زمیره پوهنتون آنجا پیشه خود گردانید آنده از دا نشمندان محسوب میگردد که رشته های حرا رتی یک دانشمند متوفی و نطاق چیره هیدرو گرا فی و معادن شناسی را دست بود . برادرش نیز مانند او به تدریس مضا مین سا ینس و تکنا لوزی علاقه فراوان داشت دانشمند معروف هنگا میگردد بو هنتون برلین مصروف تدریس بود با انقلاب کبیر فرانسه علاقه فراوان از خود نشان داد . پس از آنوقت وی به در یافت طریقه های خیلی پیشرفتنه در ساختات مختلف ساینس و تکنا لوژی گردید . نا مبرده سعی ورزید تا ساعات تدریس علوم تکنا لوز یکی را در نصاب تعلیمی بگنجاند به عقیده وی سا ینس تعلیم و تربیتی با یکدیگر ارتباط ناگسته دارند وی عقیده دارد که سا ینس و علوم تنها مربوط به یک کلاس و یا صنفی محدودی نبوده بلکه بحیث یک ثروت ملی به همه طبقات یک جامعه تعلق دارد به آن سر زمین به انجام یک سلسه امور تحقیقاً تیپر دارای اکتشافی در کشور (ایکوا دور) امروزی به کشف قلعه کوه (گم بارازو) موفق گردید . وی پس از توقف معینه در ایالات متحده امریکا دو باره به اروپا مراجعت نموده نتایج مسافرتش را در سی جلد بدست نشر سیر ویز ویلا نیز دریکی از آثارش چنین نگاشته است :

مردم سر زمین امریکا مردم عجیبی اند با او جوره کم میتوان ایشانرا در معادن بزرگ استفاده نمود .

وقتی در اتحاد جما هیر شوروی سو سیا لستی در دوره تسار تحولات نوین روی کار آمد با همراهی سه تن از دا نشمندان پوهنتون بر لین از طریق بحیره کمپین به اتحاد شوروی مسا فرت نمود وقتی از وی سوال شد عقیده اش را در باره زیست شناسی ابراز نماید چنین گفت : بشر بحیث یک موجود کنگکاو نباید تلاش را از دست داد بکار های انجام شده قناعت نماید بلکه زندگی را باید بحیث یک بحر بی پایان تصور کنیم از شخصیت های این این داشتند .

سیا حت نمود که در آنجا پیرامون زیست شنا سی به سیاحت نیز مطا لعات عمیقی را انجام داد وی پس از هرا جمعت به بر لین بحیث در جهان امروز هستند عده است . الکساندر ون همبولت این پس از هنرها دانشمند ، بشر شناس و محقق برو فیسور در رشته جیا لوچی فور ستر) بکشور های هالیند ، بلژیک ، انگلستان و فرانسه سیا حت نمود که در آنجا پیرامون زیست شنا سی به سیاحت نیز مطا لعات عمیقی را انجام داد وی پس از هنرها دانشمند ، بشر شناس و محقق برو فیسور در رشته جیا لوچی مصروف کار شد . دانشمند معروف ۱۷۶۹ چشم بدینیا کشود و پس از «محقق چیره دست قرن نزدیک دوره پر از تلاش و انجام تصمیم گرفت تا در (برو سیا) به نیز زبانزد خاص و عام میباشد .

الکساندر ون همبولت نیز یکی از خدمت خود را در رشته جیا لوچی آن عده شخصیت های بشمار میروند ششم ماه می سال (۱۸۵۹) پدرود و سروی معادن پیر داده که این توصیم گفت . مو صوف نخستین که در نیمه اول قرن نزد هم خدمت حیات گفت . مرا حل زندگی اش را در شهر (۱۷۹۲ و ۱۷۹۷) جامه عمل مساعی خستگی نا پذیر این بحری بس بزرگی را در رشته های بشمار میباشد .



متجم : ع (غیور)

## د انشتماند، بشهر شنماوس و حق معروف

میداد . چنانچه نه تنها در نیاز مردم  
الاتکریه میل بد رک زیبا بی را بو جود آورد ،  
بلکه احسا سات میین پرستا نه سازندگان  
آنها را مجسم نمود و موضع تربیت اخلاقیشان  
را نیز عیان و آشکارا ساخت . تجسمهای  
خلاق گرو های هنری مشهوری نمود  
انسامبل دولتی رقصهای خلقی اتحاد شوروی  
برهبری «ایشور ما نیمه یاف » ، آنا میل  
دولتی رقص «بریوزگا » وغیره نیز به رقص  
خیلی رنگینیها دادند . ولی مایه این امر که  
مروارید میراث کلاسیک را حفظ و تکنیکداری  
میکنیم ، نیز انتخاب مینماییم ، ناگفته نماند  
که در پرسو گرامهای مرتبه بالات های  
شوری هیشه آثاری از آهنگها نداشت  
بزرگی هائند چا یکو فسکی ، گلا زونو ف ،  
و آن مکب همه جا به و بزر گیکه آنرا  
میگنو س و دیگران وجوده ارد .

هتر یشه یاد شده، جای دیگر ابراز نظر  
کرده است که فر هنگ رقص کثیر الله  
شوری، روی تو سعه باله (بالت) در مراسر  
جهان نائیر داشته و دارد. این امرنه تبا  
از نما یشای پرموقفیت و قلنر نوون گروهها،  
نک نوازان و نک خوانند گان سوروی کمدر  
خارج بر گزار میشود. بلکه از آنجا  
پیدا میشود که مریبان و استادان با لهو  
نمایشنا نمایشان شوری در کشورهای  
گونه گون چنان کار میکنند و سرگرم  
حیا ی مکتب باله های ملی میباشد  
فرستاد گان تقریباً همه قاره ها نیز توبه  
خودبه اتحاد سوروی میباشد تا فن رقص را  
لرا گیرند. لذایدا یش سنت بر گزاری  
کا نکور بین المللی هتر پیشگان بالت در



کالیه اسماعیلوا، هنر بیشة بالت عبدالوالی تولیا کاتوف خواننده اوپرایی مربوط علی-  
سیر نوایی واقع تاسکند در حال تهیین بر عبری استاد باله.

چشم اندازی بر پهنانهای برخی جشنواره‌های بالت



صحنه‌بي از بالت «کوبيلس». ائر دليسب آهنگساز معروف فرانسوی گه توسيع شاگردان مكتب اكاديميك فورديوگرافى (فن ترتيب رقص) واقع مسکو بسال ۱۹۷۸ در صالون مجا لس اصر کريملين برگزار شده بود «ميرينا پياتنكينا» و «ولاديمير ديريويانکو» هنر ييشگان جوان برنده سومين مسابقات بين المللي بالت در اجرای آن سهيم گرفته بودند.

در نخستین بخش این مبحث راجع به تفاہیم بالات از نظر هنرها زیبا و نگاه عمومی بر ذواایی متقدم آن تو ۴ با معرفه «چند بالات معروف» و «برخی بالاتین های نامدار» در جهان عطایلی ارا نه شد که این درین بخش پیرامون هنر بالات اتحاد شوروی و بعضی سر زمینهای آسیای میانه و حوزه فرقان (محیط پریان کوه قاف) بحیث نموده و مسا تلى از بدیرش و گستر شاین هنر خیا ل التکیز طور فشرده و پیغمبر سیده، معلو ما تی بشکست مشتود.

جشن بالت :

جشن بالت : رقص تبصره کتاب در آنباره گزارش داده که:  
انقلاب کبیر اکتوبر ، نمایشگاه تند گان تازه  
ایرا به بالت هدیه داد و مخالف و میمع  
جا معه کشور سوروی را به این نوع خلاقیت  
هرم جلب کرد .  
کارگران وزار عان وسا برزحتکشانیکه  
به تیاز باله آمدند، هنریه شگان و مریان  
رقص آنان را وا داشتند تاروی این امر که  
چکو له هنر خود را میتوان بمردم نزدیک  
ساخت ، فکر کنند . این جریان بتدبریع  
ونه بکاره ونا گها نی انجام گرفت ،  
بطور یکه ما از هو فو عهای افسانه ای،  
خیال و قصص بهانه یشها ری رسید یم  
که از روی آثار بو شکنی ، لو به دووسکا،  
شکبیر و دیگر تو یستند گان و شعرای  
برگش تبه شده بود .  
این نما یشها مسا بیل فلسفی را منعکس  
میکرد و حیات وزندگی انسان را نشان

دو چہرہ برا زندہ :

از جمله چهره های بر ازینه بالا  
بکستان میر من «بر نارا کاری یوا»  
اصنه سپیر که بسال ۱۹۵۹ در بالله ماسکارا،  
سکو روی صحنه پدیدار شد و در پا رنس  
با وارد تالار بزرگ کاخ پتر زبورگت  
ردید، پیشتر از دیگران استعدادهای  
زد را تبارز داده است. مثلاً وی پا  
سات ظریفی، میمای چذاب «فینای  
منتفو» شاعر و سخنسرای نامدار شودوی  
در باله مجسم کرد. منابع هنری و  
سرانی آنکشور خاطر نشان کرده اند که  
هر یکه مذکور میتواند احساسات هنر  
فرین خود را در ورای رقص ما هر آن  
جسم دهد، بطوریکه الهام درونی ایشان  
ظرافت شاعرانه رقص در هم میزد و  
سات کلاسیک با حجب حیای رقص زنانه  
بکسی مخلوط می شود. چنانچه نخستین  
دید آیس هنروی در تیاتر، ایسکای نقش  
باریا «از بالله» فواره یاغجه سرا «بنتابه  
میول صنای دوشیز گی بود. سپس در  
له «افانه ملکه مرده» تمام ریزه کاری  
ای ظریف و لطیف رقص زنانه رو سی را  
جای داد و در نقش «سو خانی» بالله  
ختا را شرفی بنام «آمولت عشق» باذوق مرشار،  
مخلوط هنری را مجسم کرد. «کاری یوا»  
نقش «فر تکیا» بالله «اسما و تک» «از آرام  
ما چا طوریان حالات یکنکه را چنان بعد  
نمایل نشان داد که گویند از نعمه های  
یکنکه های قدیم الهام گرفته است. او



در ازبکستان شوروی :



گروه کار کنان آن نیاتر در خلا ل کار  
ای استکاری خود از تجربه های ثنی  
دستکهای ملی ملتها برآد ر اتحاد شوروی

ستناده ویر داشتهای میکند . تما شاگران ،  
تار آهنگسازان روسی ، او کرا ٹینی ،  
جیک ، آذر بایجانی ، قریبیزی ، گر جی ،  
لورو سی و فراقی را مشاهده کرده و شنیده  
ند . همچنین به آثار کلامیک توجه دالیمی  
بندول میگردد . در تیا تر مذکوره آثار  
و زارت ، گلینکا بوردی ، جایلکو فیکی ،  
بیزه ، موسور گنگی ما سنه ، دیمسکی  
خوخ سا گوف و بیماری دیگر طینی میافگند  
خر پیشگان و هنر مندان ملی (فوازند گان ،  
فواز خوا نان و رقصند گان) در رو نسق  
خرازی صوری و معنوی و مادی ه نر با لت  
این تاثر نقش فعال و هنر بیرا بی دا وند  
اند : میر من حلیمه نصیر وا ، میر من  
رنادا گار دیوا ، مختار اشرفی میرمن  
کر مه تور گو نبا یوا ، ییغله گا لیه  
سمعا عیلو ، ییغله سعادت قبو لوا ییغله  
البر عبدالرحمن نوا ، گریم زاگروف میر من  
پلا رایو سو یوا ود نگران نه تنا در

زبکستان و سراسر اتحاد شوروی بلکه میرمن برناره قاریووا هنر پیشه ملی بالات در اکثر کشور های جهان از شهرت زیادی در تیاتر اوپرا و باله علی‌شیر نوایی تاشکند ر خورد دارند و بیش از میلیون کشور جهان مرکز ازبکستان باگروه کارگران تیاتر آشنای استند.

روزی میگنیم.

روزی مینمیم.  
نظر بحادثه (۴۶) قانون اساسی اتحاد  
جمهیر سوری مصوّب به ماه آکتو بر ۱۹۷۷  
این اتحاد جمهیر سوری سوسیا لست  
ارای حق استفاده از دستاوردهای فرهنگ  
استند. این حق بوسیله دستور می‌تواند  
از زبان فرهنگ میهند و چنان که  
رزخایر دولتی و اجتماعی تکبیداری می‌شود  
و سیله تو سعه و تقسیم یتنی متناوب  
موسیان فرهنگی و آموزشی در خاک کشور  
بو سیله تو سعه نلو یزیون و رادیو و امداد  
جای و انتشار کتب و مطبوعات متناوب و بوشکه  
کتابخانه های رایگان و بوسیله تو سعه  
با دله فرهنگی با کشور های خارجی  
نامین میتر دد. لذادر چو کات امور  
فرهنگ مساله «هر بات» نیز مورد نظر  
میباشد که همه این امور و باشند گان  
ملتهاي مختلف در جمهوریت های مختلف  
آن سرزمهين در جوگان این حقوق معنوی  
خود را آزاد و شادان میدانند. بطوطه مثال:

«نیناسموزو زوا»، سمولست (عتر بیشه  
یکه تان اوپرا و بالت «شفچنکو» واقع کیف،  
برندۀ جایزه اول

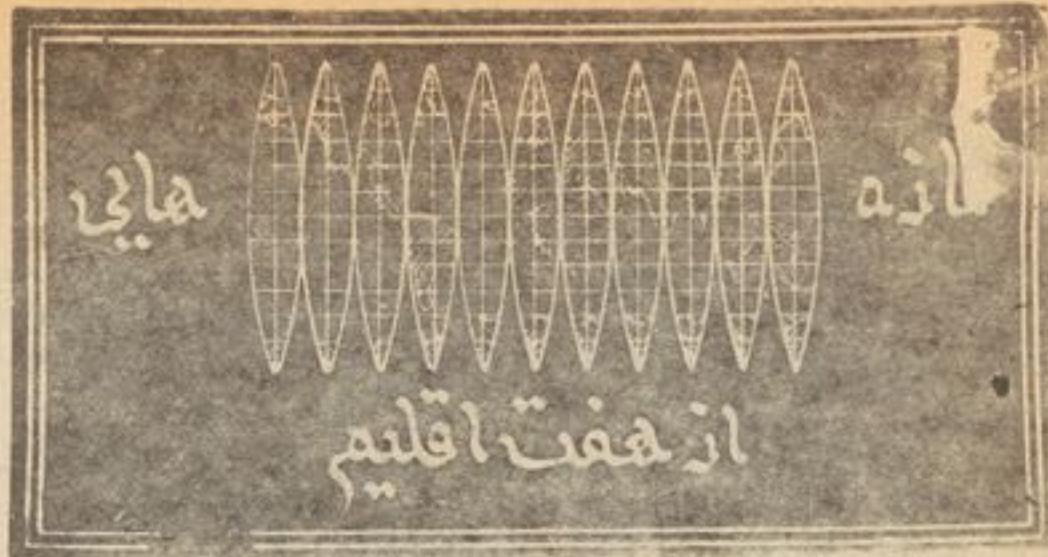
بر علاوه مسکو پایتخت کشور شورا ها، در لینگراد شهر معروف قهرمان، کیف (پایتخت او کراین)، مینسک (پایتخت بلو روسی یا روسیه سفید)، کشینو ف (پایتخت جمهوریت ملداوی شوروی) و مرکز جمهوریت های حوزه بال تیک سور وی (لیتوانی استونی، لتونی) و اکثر شهر های بزرگ و پایتخت های جما هیر شوروی منطقه فنلان (آذربایجان، گرجستان، ارمنستان) هنر بالات نیز باشیوه های موزون آن الکتا ف و گستر شن یا فنه و در هر جمهوریت دسته های ملی هنر رقص و بالات تشکیل گردیده است. چه این دسته ها در جمهوریتها ی اروپا یا ایس آن سر زمین یا جمهوریتها ی آسیا یی، همه و همه از کیفیت واهیت این هنر دوستداشتی بر خوردارند و هوا خواها نش نیز روز افزون میباشد. چنان توجه همین اکتو ن در اتحاد شوروی چهل تیا تریات و وزده هنر سنا ن باله کار میکنند واردی عظیمی از شر کت کنند گان در گروه های رقص باله وجود دارند که برای اینها ت تذکرات این بحث، بسر اخ برخی با لتها ی جمهوریت های آسیا یی آن نیز میروند و برد سنا ورد های میم آن مختصر

برای خلق لاوس بوده واهیت فوق العاده دجهانی آن همانا همیستگی برادرانه و رفیقانه فیرو های متفرق و کشور های سوسیالیستی میباشد. رسیدن بدین پیروزی است در ۲۶ دسمبر سال مژبور میان سران اتحاد شوروی و لاوس در مورد بروبلم های خلق لاوس، نلاش های مخمر برای اعصار سوسیالیزم در حالیکه عناصر ضد انقلاب که توسعه قوه های ارتجاع بین المللی تحت الحایه قرار داشته، مباحثات صورت کرفت. رهبران دولتی و حزب کمپوجیا و بلغاریا نیز پنونه خود در مورد نحوه همکاری که مولر قریباً داشد، به لاوس و مردم آن من اندیشیدند. پیروزی کمپوجیا بر فیرو های امیریالیستی واهیمنی، برای هر لاوسی الهام بخش بوده و اثر گذاشت. گرجستان بلغاریا از لاوس هزاران کیلو متر فاصله دارد اما لاوس باعث شدن به مبارزه بلغاریا ها در می یابد که آنکشور در اثر بستوانه وحایه بیدریغه اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی چکو نه برا مسلمانات اقتصادی چیره میشود. مباحثات شخصیت های بر جسته دولتی لاوس باشوروی، کمپوجیا و بلغاریا در عرصه های سیاست، اقتصاد، علم و کلتور آنکشور مرحله نوی ایجاد میدارد. چه روحیه این همکاری بر مفکرها انتقام رسانی اسلامی بین المللی دستاوری کامل حقوق استوار میباشد. معبایه دیگر همیستگی کشور های سوسیالیستی خود به متزله یک قوه برگزی است که در برقراری صلح گیش معجزه میکند و برای رفع عقبات اقتصادی و محو کامل مناسبات فتووالی کوشیده و به تابودی استعمار کران منجر میشود. در سال های ۱۹۷۵-۱۹۷۹ بمحض قرار داد ها و موقافت هاییکه در عرصه های اقتصادی، کار های مشترک علمی و تحقیک لاؤس با اتحاد شوروی جمهوریت سوسیالیستی ویتمام و جمهوریت دوکراتیک آلمان بعمل آمد، چهار اقتصادی و سیاسی لاوس را بکلی تغییر داد و بیکن نظریه پلان سه ساله (۱۹۸۰-۱۹۸۸) چهار اقتصادی لاؤس بکلی عوض خواهد شد و از یک اقتصاد پیشرفتی برخوردار خواهد گردید. برای استخراج معدن نفت، اعاء کار خانه های ترمیم موتو، آجرینی، کارهای ساختمانی بدل ها و اعداد سرکها، باشتابنایی، قریبیه جیولوژیست ها، ماختن وسایل ترانسپورت، تجهیز مواد کار خانه ها، کار های سودمندی صورت گرفته است.

در ماه اکتبر ۱۹۷۶ با امضا موقتاً های در زمینه های اقتصادی، کلتوری، علمی و تحقیک لاؤس با ویتمام انجام یافته و معرفت مسلماً استخراج ذخایر طبیعی و ساخت اتیک صنعتی و پروردهای ساختمانی، گشیدن راه های ترانسپورتی کارهای قابل توجهی در لاوس انجام می یابد. صدها مختصین ویتنامی امروز در لاوس باحدیت کار مینمایند. از آنجاییکه لاوس یک کشور زراعتی است برای مودرنیزه ساختن زراعت نلاش های همه جانبه انجام یافته جمهوریست کیوبا و مکوکا میباشد. از آنجاییکه لاوس کمک میکند ناسطع مالداری درینجا رشد باید کیوبا و مکوکا اخیراً فارم های موادی برای لاوس ساخته اند و این بلغاریا است که برای خلق لاوس میو و سیزیجات مورد تیاز را

متخصصین لابراتوار (بیوآکوستیک) را عقیده بن ایشت: جهان دالفن ها جهان تسخیر ناشدنی است همانسانیکه مشکلت جهان ماهی را در یک فرصت کوتاه ارزیابی کرد و شناخت بنظری ممکنست بروزی وی بتراوید به نحوه زبان ماهی ها دالفن های بزرده و مقصد شان را از لابلای کلمات شان درک و در حدود امکان حتی با آنان مکالمه نماید. مغز دالفن های از محیط های مختلف زیست از هم متفاوت میباشد. «یفکنن رومانتک» عقیده اش را در مورد این موجود بحری چنین وانمود گردانید: با وصف اینهمه نظریات مبتدا حکم کرد که ساختان فریبکی مغز دالفن ساده ترین نوع ساختمان است که دیده شده. دکتور (آ. تومیلین) اخیراً کتابی را نام (دالفن های انسان کیک میکنند) نوشته که باره از فعالیت دالفن ها، سخن کوئی وغیره خاصیت های موجودات بحری را تغییر و معرفی میکند. موصوف در میان کتاب مینماید:

در بحر نمایشان انجام می یابد که در واقع دایر کش و گردانند این نمایشانه ها همانا دالفن هاست چون قیز هوش و حرفرنی را خوب بلد است. اگر دقيق نگریسته شود حرکات موزون حیوان، جشن در سطح بالای آب درهوا، همه وهمه متوجه شده است که به کمال بالایش صورت می یابد.



نظم و ترجمة: میرحسام الدین برومند

## دالفن پر حرف توین وزرنگ توین موجودات بحری



چند دالفن از طرف یک بیولوژست در حال مطالعه دیده میشود.

## همیستگی نیروهای متمری جهان با لاوس

داخلی لاوس، شدت یافت و این نیرو های همه از همیستگی نیرو های متفرق جهان با مترقب جهان بود که به میهن پرستان فرست مخفیده تا بیشتر برای خشن شناخت استعمار کران بر زمینه. پیروزی انقلاب لاوس در دسمبر ۱۹۷۵ کردید که فعالیت های استعمار کران اجنبی و امیریالیستان امریکایی همراه با ارتقای ملی، استحکام صلح و تقویه بنیه اقتصادی

در لاوس همه اتفاق اعم از بیرو جوان همه از همیستگی نیرو های متفرق جهان با کشور خویش قدرهایی مینمایند. این میهن همیستگی های خصوصاً در مرحله با لادس اعلام کله رد و بدل میدارند. هرگاه دو دالفن با همدهیک حرف بزنند وقتی صدای آدمی درین میان بلند شود دالفنین بر حرکات مخصوص

ماهی هایی موجودات بحری که بظاهر آرام مینماید علی الرغم مقادی که از نکام کوشت آن به انسانها میرسد، مقاد دیگری نیز دارند. ماہی های حیاترین موجودات بحری لقب یافته اند. البته این لقب را اخیراً عده از محققین که درین زمینه درست های نموده اند به این موجودات قایل گشته اند.

باید گفت: ماہی های همانسانیکه بظاهر ساکت و بیقدا معلوم نمیشوند، موجودات کنک بیوده، برخلاف ازیک میستم مکالماتی خاص برخورداراند چنان میگذرد که برای انسان غیر قابل مسمع است. تحقیقات تازه نشانداد که ماهیان ناله و روزه میکنند، آم بر می آورند، جریح و غدد مینمایند، بر حرفی میدارند، چیزی بر من آورند، بسان گوشنند بع بع مینمایند البته این اصول در حالات مخصوص مثلاً باشندیدن صدای مرغ ویا کذشن گوشنندی از ساحل بحر ....

این تحقیقات در استیتوت لابراتوار های (بیوکورنیک)، برای هفلو سیون و زیون و زیولوژی انجام یافته است. کوش های ماہیان بعدی حسماً است که حتی از تحت اراضی ها و از جنگلات دور صدای را شنیده و نت میدارد. دالفن ها که از جمله موجودات بزرگ بحری اند، بمحض گزارش یک بیولوژست امریکایی موسوم به (اق. فود)، موجودات شکرک، قیز هوش و با فرامش اند. این حیوان هر گاه صدای را که در پانزده ماه قبل از قوام دور از بحر شنیده باشد به خوبی چنان آنرا زمزمه مینماید که از صدای اصلی هیچ فرق نمیشود، پس در قسمت مقلد تر از طوطی اند. وازان آن سبقت جسته اند. بیولوژست ورزیده بتازگی هاگزارش داد که توانسته (۸۰۰) نوع ذیکمال مخصوص را از بحر تیت و بردارد که توسط دالفن های تولید میگردد. این امریست قابل تعجب و نایابوری. هر دالفن حداقل روز ۵۰۰-۷۰۰ کله رد و بدل میدارند. هرگاه دو دالفن با همدهیک حرف بزنند وقتی صدای آدمی درین میان بلند شود دالفنین بر حرکات مخصوص



یک از نمایشات جالب سرگمی

در کنی و امریکای لاتین دعوت و هنر نمایی کردند معاصر مکون و المیشنا سند، از خرافات و معتقدین سبک های مخصوص سرگمی مجال می بینند و واقعاً هترشان هنر است در اتحاد نفاذی بیشتر یافته است آرتیست های اسپیت سال فعالیت سوروی آرتیست های اسپیت سال فعالیت زندگی شان گزین میکردند چه آرتیست های واقع آرتیست های اند که باروش و میتودهای جدید ظاهر گردیده و طبعاً فعالیت هایشان به مکلف به فراگیری اساسات نمایشات سرگمی، مذاق دوستان شان برآورده است و بنی جهت روزی سوری مذکور، صحنه سازی دست یافته، سرگمی های امروزی در کار هایشان وارد و نیست که (اناتولی لو ناتشاتزکی) اینهمه شهرت یافت و (مولک یوپوف) جایزه اسکار را باخته درخشش نیک خود در سرگمی دریافت داشت تمايل بازیگران سرگمی به نمایشات دراماتیکی ندرتاً تقدیم کنندگان تیاتر، سینما و غیره مخالف روز تاریخ بیشتر شده میروند در جریان سال هنری از سرگمی های انتخاب میگردند تا گذشته (و.و.تشانسکی) در برزیل بحیث مقابل نمایشگر بدرخشند، نه به عنوان یک سینما و تئاتر میارت و استادی در فن عضلات سینما پیشوند دیبلوم و یک مدال طلا بدست از پترویک دارند واقعاً نمایشات را که اورزی و رهبری آورند واقعاً نمایشات را که اورزی و رهبری میکند همه دراماتیکی گفته شده است سرگمی یقیناً امروز یک صنعت است سرگمی های

رام فرستد، اثبات ناشی از استعمال ساعت یا تین تکیداشتن سطح سواد و بیسوادی گردیده که بزودی این برویم نیز در لوس مر قیوع محصل در مالک سوسیالیستی تحقیق مینمایند است همه آنایکه میان سال ۱۹۸۰-۱۹۸۵ (۴۵) ساله فرار دارند خواندن و نوشتن تمام افراد گیرند، برای تحقق بخشیدن برنامه های عمرانی و انتشاری لوس به کمک کشور های سوسیالیستی آزمیجگونه مسامی ابا نیورزند، این فقط نمونه های جنداز همیشگی نیرو های متفرقی و کشورهای سوسیالیستی با خلق لوس است که آموزش ارای فرا گیری علوم دریک بروز ۶۰۰۰ نفری درساخته باستانشناسی، انرژی و معدن کار ادامه دارد، فرار است در سال ۱۹۸۵-۱۹۸۰ بیشتر از ۲۰۰۰ مخلص در مکان تسبیح گردیدند

نمایشگر اتحاد شوروی تحصیل

## بازیگران سرگمی اکنون دیپلوم مدال طلا و جایزه اسکار میگیرند

نمایشات سرگمی یکی از مصروفیت های موجود نموده و نمایشگران داشته اند، نمایش سرگم کنده است که در مارکیت های مزدحم، در کان های چوبی و پیسی مکان های دیگر اجرا نمیگردند که دایر کنندگان سرگمی هارا معمولاً انسان های جایك، زیمان بازها، خلاصه انتخابی میسازد که با قیافه های عجیب و مضحك و کار روابی های شکر خود میتوانند برای تماشای افرین باشند، بازی سرگمی میتوان سکه گرفتیها و اصلی است که هر قدر یکه از عمر آن یکندز جلایش و میقبل آن فروی می یابد همین امروز تنها در اتحاد شوروی نمایشگران سرگمی به ۷۵ میلیون میرسد که بین ناسی مشود شمار نمایشگران سرگمی هارا در سایر نقاط جهان محدود نمیگردند از این میزان امروز تنها در اندیشه از اتحاد شوروی در پیش سال قبل اجرا میشود اگرچه تاریخ این بازی های سرگم کنده برگردید سرگمی افتتاح گردید، کارگران سرگمی هارا درین میانمی که سرگمی های هزاران سال قبل عرض روی بازار، از دگرانه ای فعالیت خوبشان آغاز و نامروز گروی می هامگان های مخصوص سرگمی با جهیزیات خاص اجراء میگردد و نمایشگر مغلق و سینما علمی را نیز شامل میگردد همراه با مجرای، اینکت های بکر و نازد هسلما راه پر فراز و نشیب را بینوده است نایشگران سرگمی امروزی درآمده است در ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۹ بود که در مسکو سرگمی دولتی که در واقع اولین سرگمی دولتی جهان میباشد، افتتاح گردید، لکن امروز فعالیت سرگمی های در اتحاد شوروی منحصر به یک سرگمی نمائده بلکه در ۶۶ مکان مخصوص شام های جراغ های مخصوص سرگمی روش و فعالیت های سرگمی های از سرگمی های مخصوص شام های جراغ های مخصوص سرگمی روش و فعالیت های سرگمی های از سرگمی های دولتی نمایشات سالانه به ۴۰۰۰ نوع نمایش رسیده و ۵۰۰۰ آرتیست تنها در مسکو در سرگمی های دولتی فعالیت مینماید، نمایشات سرگمی روی یعنی سرگمی بالای آب زیاد نمایشی و ممیج است تنها در سال ۱۹۷۹ (۱۲۰۰) آرتیست سرگمی شوروی در کشور های چون ایتالیا، بلژیک، جایان، هندوسایر کشور های اروپا و آسیا اسلحه متحده امریکا، افریقا



نمایشگر یکی از سرگمی های

# نوي نقلیه و سیله چی دیرولبرو

## نوي نقلیه و سیله چی دیرولبرو تیلو و ته ار تیالاری

د دنه گئندی موثر ندیور جي به اصل کي  
کله جي نومویی موثر خو موده دمخته  
دفرانک المان له اتباعو خخه دی او «فرانک»  
مايره نومیزی د روغتیا لو د لکبنت به بريخه  
واپونو کی تجربه کولو ته ویالدی شو تابه  
کی خبلو لظر یاتو د خرگند ولو به ترخ کي  
شوه جي د مصوبت له لظره دنه نوي گئندی  
ویلی دی جي د انزوی د نیویوال بحران ده  
نظر کی نیولو سره دنیا. دیلو گئندیسو  
به پرتله به سلو کی ینغوس زیات مطعن  
او د چاد ویدی. خرنکه چی دسرورت به  
مواردوکی ددهه نوي گئندی موثر انجن خپلی  
یعفری. به آتمات یول ینخیله چارجوی نو  
خکه به هرو دریو کلنو او حتی خلوروکللونو  
کس یوازی یو محلی دی که ایتا لیدله کییی  
چی ددهه نوي موثر بیطری. تجدید شی. دا  
خبره د یادلو ویده چی دمرسدن دفاریکی  
دوثر جیولو دطراحالو او الجینرالو دنه  
نوي ایتکاری نقلیه و سیله خیس نیمکر تیا.  
وی هم لری دمثال به توگه دلنده بل به  
مقابل کی قریبات وخت پوری چینکار نهش  
شی. دنخنیکی جویبست له نظر ددهه نوی  
او دیک کولو به وخت کی ندیورله سخت  
نکان ورکوی. ددهه طرحی خخه ورسنه چایانی  
کیلو متنه واتن کی یوازی یوه لیتر ته تعديل  
موثر جیولو وکو او انجینرافو اعلام و که جی  
اورابسته کیدای شی. ددهه بخش او محاسبی  
هفوی هم دنویو اقتصادی اویه مصرفو موثر ون  
نه مخ ددهه موثر د روغتیا د لکبنت اندازه  
دانکشاف او جیولو یوه یوانی یوه گلین  
به هرو (۵۰۰۰) میلو کی یوانی یوه گلین  
نه رسیری.

سانی متنه برای خوال (آوره) دری متنه اوره  
د روشنیا تو پیر لی مصرف کونکی گئندی  
دوای، شبته سانی متنه لوی والی او (۴۹)  
کیلو گرامه درود و الی لری د دریو ارابو  
موثر به یوه ساعت کی ۵ (۱۲۸۴) کیلو متنه  
وانم به طریکه کولو سره یوازی یوه گلین  
به در لودلو سره به توله نوی کی لومین  
دیزل لکولی دی. دنه گئندی موثر جی ۳۷  
گئندی موتوره خاجی دیرین روشیات معروفی.



## تداوی از طریق خطوط

### ساحه مقناطیسی

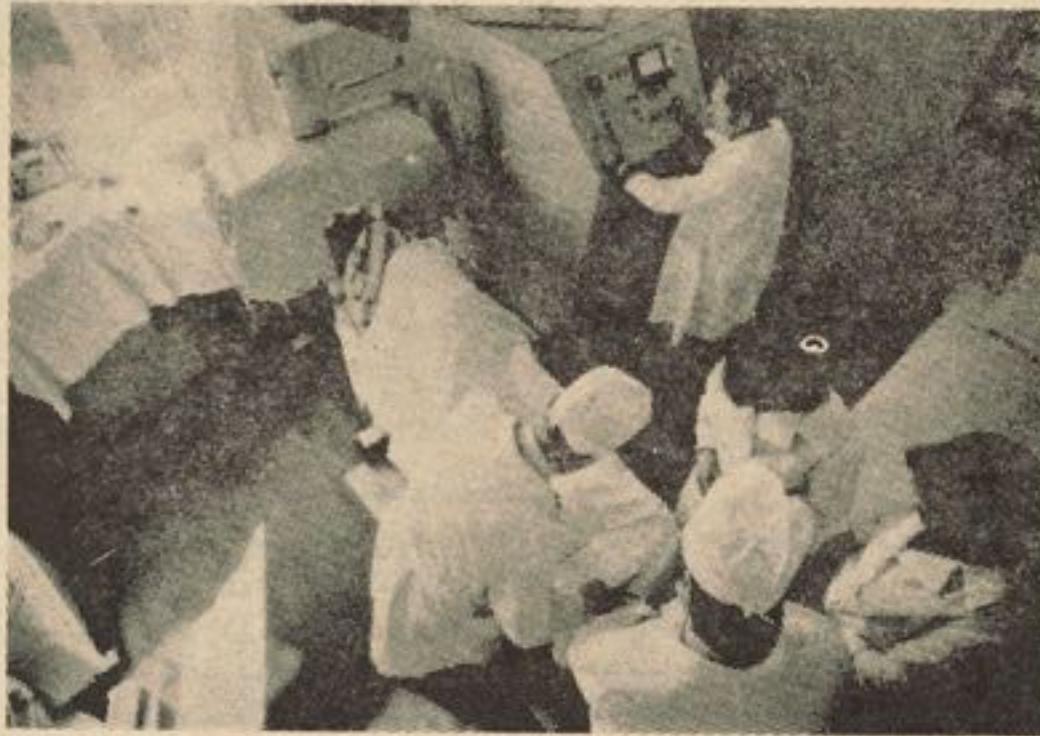
تجارب ییشاری درکشورهای مختلف را نمیتواند حفظ بدارد. مریض میسازد. بطور  
قطع دریسی موارد استثنایی شفایخش و درمان  
سور تکریته که نشان میدهد، خاطرط  
ساحة مقناطیسی بطور موثر وفعال درارگانیزم  
کننده نیز است. باقرار دادن مریض درساحه  
مقناطیسی با خاصیت شگرف خود در مریضی  
موجودات زنده اثرباری بگذارد و دریسی موارد  
نفوذ نموده و با عنانگناوی کثیر آکسیجن در وجود  
بحاری کم کرده، مریض را از هلاکت و ارهازد.  
مریض گردیده و در اطراف سیستم سرکزی  
هر چند بعض اتفاق افتیده که توسانات ساحة  
درکشرون وجود کمک بسزایی مینمایند. بعباره  
مقناطیسی زمین، وضع مریض مبتلا به مریض  
دیگر در مواردیکه بنابر حکم دکتور معالج  
وزیزده ایجاد بدارد، قرار دادن مریض در  
ساحة مقناطیسی خود تنظیم کننده سیستم  
موضوع نمیتواند باشد. مشاهدات و تجربیات  
مرکزی وجود مریض یعنی درتواسی قلب و دماغ  
در کلینیک هادرسالیان اخیر بطور واضح نشانده  
میباشد. نتایج حاصله از تداوی خطوط ساحة  
همچنانیکه زمین و قوه کشش و جاذبه بعضی هارا  
مقناطیسی زیاد دلجب بوده که از طرف  
که از نگاه ساختمان غریبی موژنه وجود خوش  
متخصصین باجدیدت بررسی گردیده گذر حال

نوي نقلیه و سیله

صفحه ۲۴

میگردد . بعلاوه تداوی موسوم به ساخته مقناتیسی از طریق ساخته الکترو نیکی که در اثر تردید ساخته های پریش با قطب اندودورت میگیرد . از خونریزی جلو گیری بعمل آمده عینوالد یعنی باید طب خصی مدبوون علیم فریاد مدن باشد که بدون آنکه کامنه سر جها ساخته شود و با قلب بیرون آورده شود، جلو پریش تکرته میشود . این مختصین مقناتیسی های جدید طبی میسانند و مدل های جدید تجربه آنرا به مرضیان متذکره با نظر داشت نکات خاص تجویز مینمایند تا باشد که وضعیت پریش کنترول و حتی از خونریزی ها و وکتری فعالیت قلب و دماغ جلو کبری یدارد . در سال ۱۹۷۳ ابتداء این تحریه بکار گرفته شد . به کمال یک الة جدید الکترو مقناتیسی بنام (مولتا) که قازمه ساخته شده از پروژو دست دادن حالت به پریش که وضع اش را متقلب گرداند ، جلو گیری مینماید . پریش آنابه سر دردی شدید مبتلا و حواسش را ازدست میدهد و وضع مراجی و صحتش نایمه کنند میگردد . هرچند اشتعه ایکس نیز میتواند پریش را کم کند اما نه به اندازه تداوی مقناتیسی .

تداوی مقناتیسی مسؤولیت دکتوران رایشترساخته و آنباره تالش فراوانتر و امیدارد.



یکی از مشهور ترین و معروف ترین سرعت در کام ازدها فرو می برد و خون سرخ از کام او جریان می یابد بازی های بی ای است که بصور ت واقعی آن در آلمان فدرال هنوز هم مروج که ازدها ای خون آشام یکبار به زمین می افتد غریب شادی و نعره هسا از هر گوشش بالا می شود هلهله بسی از افتاده همه جا را فرا می گیرد . این مانند همچنان که زمان به دیدن این جشنواره عالمی چیان به دیدن این دیدار میگردد .



منظرة از جشنواره کشتن ازدها

حاضر توسط دکتوران و درینه و اسخاص سپه طبی در استیتوت های علمی (تراوماتولوژی) و اورتوپیدی واقع در (زیکا) و مجنان معاصر عملیات های جراحی استیتوت مسیبور از مقناتیسی کارگرفته و مرضیان تداوی میگردند که در تداوی مرضیان البته که مجزء میکند . به اساس طبایت جدید، تداوی مقناتیسی معاصر مرضی های مبتلا به فشار خون، دیز شدید که گردد و مفر را که فرار است متلاشی و فلاح وعلیل گرداند بایکار بست میدو طرق تداوی مقناتیسی که از طریق بکار گرفتن وسائل مغلق مقناتیسی تداوی میگردد . پریش راحتی از مرگ که حتمی میرهاند . پتر تیکیه از هر سی نفر مبتلا به مرض بست نفر آن از مرگ نجات یافته جانش زندگی دوباره می یابد .

البته بعض دوازه نرسیدن مواد لازم در جدار بعزم مبتلا جدارها سائیده شده و بخلاف عیسد که به یک بردۀ فازک مبدل و بعداً کثار این جدار عا پاره گشته و خون را خودش در داخل بعزم میرساند . خونریزی و فزوونی سرعت حرکت خون بسوی مغز بایث میگردد که پریش در یک جسم بهم زدن، حواس خودرا از دست داده ولکن باعث ذیان و فلنج شدن نیز سراغ پریش میباشد . لکن باعث آن هم خونریزی شدید که باعث بیه خوردن سیستم فعالیت قلب و دماغ

## جشنواره قربانی ازدها

در هریکی از کشورهای جشنواره هاو یلان نامدار آلمان با آزاد هاست در خصوصی به هنر سبکی از خصوصی به هنر قدمات خیلی تاریخی داشته و اولین تابلوی مذکور در سال ۱۴۳۱ رسماً گردیده است . هم چنان این تابلو صورت میگیرد که این جشنواره ها کیفیت های بخصوص دارد چنان نجه بازی مشهور اسپا نیا همان جنگ طلب بهامی به خالک آلمان سر از یک گردیده حین سرا زیر شدن عسا کر مذکور جنک وزد و خوردده های خون نین بوقوع پیوست . دهاقین و کار گران بیش از ایکه مال و ثروت و غنا یم شان به تاراج رود خون ریزی و قتل صورت گیرد و همه طعمه حلقوم ازدها بی شرم و سبیعی گردند فرار نمودند .

عدد زیاد دیوارهای بلند و استندا دی برای حفاظت شان بوجود آورده هم عده بی به این نظر بودند که برای نجات شان حاضر به هر نوع قربانی گردیده بودند . اما در آخر شخصی بنام او دو از حصار برآمد معمشو قه اش را به آغوش گرفته به جنگ علیه اهریمن بر داشت .

از همین روایت ها است که مردم و با شند گان شهر مذکور افسا نهرا باز گو میکنند که این افسانه قدمات پنجصد ساله را دارد . است از سال ۱۸۸۶ به این طرف است که جشنواره کشتی ازدها هر روز یکشنبه در ماه آگسٹ صورت می گیرد و تعداد زیاد مردم به این جشنواره ها و یامه رگان ماه حضور بیه می رسانند .

تابلوی که نما یا نگر مبارزه هرگز بل نا مور سناش را چنان به

## سوزن دوزی یا این ...

شان زیاد ساخته شود ، تا برای زنان بیکار خرید آن میگردند درین قسمت چه تجویزی و نیازمند یا توسعه فعالیت کار پیدا شود .

مادر نظرداریم لایحه جدید اجرت های مادر و فروشات مناسب با قدرت خرید

مردم را با تغییر سیستم کار مجدد طرح و تنظیم کنیم . البته ناجایی که به عوایض مدهم

آنند، چون کلیه تولیدات مایا استند های

بین المللی مرادف هستند و هیچگونه نقص ارزگاه فن و تفاوت در آن مضر نیست . لذا

جانس فروش و دریافت بازار های خارجی میسر است . ثبت به دریافت بازار های

مساعدت وزارت تجارت تولید مادر بیشتر و

زنان را جانس این خواهد داد تا در تقویه

صنایع ملی و اقتصاد ملی سویم شوند . تربیه

کنار وسیع فن که در بالا مذکور شدیم

ایجاد میکاریم . هدف باید رفع نیازمندی مردم

عمل بیاوریم . هدف باید رفع نیازمندی مردم

ماشینهای اقتصاد و فرهنگ کشود میباشد .

دوزی های نایاب اصلی و باستانی ماست که

وقتاً فرقنا باید انجام شود .

در ضمن با چند تن از میان زنان سوزندوز

مساجیه به عمل آوردهم تا قدمیم خوانندگان

محترم زنندون نماییم :

من متروع را برای هزاران نفر زن و دختر مبارز دارم . مثلاً در رشته دوخت های

کلامیک و مدنون قند هاری دوزی ، کرافت دوزی

وطنی . دوخت های «گوبن» چشمک دوزی و

خامک دوزی ، تار شماری (دوخت فوق العاده مشکل و مقبول مناطق مرکزی افغانستان است)

بخیه دوزی و پرنک دوزی ، سوراخه وورک دوزی ، که هر قرد کارگران دایی می دیریک

ازین رشته ها مبارز کامل و عالی دارد .

آیا این ساخته های مطابق با نور و استند

است یا جطور ؟

- سر میزی های زیبا و منحصر به فردی

را که این کارگران تولید می کنند همه

مطابق با نور و استند بوده و کنترین نقشی

در آنها مشاهده نمی شود . این تولیدات

ابنکاری در کلکسیون موزیم صنایع سوزندوزی

موجود است که روز به روز ازش هر یک

آن بالا نمی رود . همه بدون عیب از پارچه

های مقاوم کنان بارسلک بخته و دنس یا سند

اصل کار شده است که از تکاه مقاومت

مالهای طولانی حفظ شده من تواند . در هر

روی میزی سه مترا پنجاه سانتی متر یک

مترا و هشتاد عرض تکه در حدود چهار صد

الی سه صد و پنجاه الجدد متر هشت مترا

شش تار متر الی نوزده تار متر دمی در آن

صرف میگردد ، هر روی میزی به صورت

اوسع بیست الی پنجاه هزار تک سوزن میخورد .

کارگران سوزندوزی ما آنقدر به هنر های

زیبا و اصیل خود علاقه دارند که حتی در روز

های تعطیل و بعضی کسالت های که عاید

حالشان بوده است ، حتی با وجود مانع و

جلوگیری ، همه در بستر هر یکی تا کمی به تکمیل

کار های هنری خود پرداخته اند . و میگویند :

برای ماینکار یک نوع سر گرمی است ، نه

خشنه کنند !

برای صحبت و سلامت کارگران قان تجویزی

گرفته اید و یا خیر ؟

- از لحاظ اهمیت صحی و ارزش کار این

کارگران ، ما دقیقاً متوجه صحبت و سلامت

غوفنا کارگران ما به موسسات صحی برای

مزایه های مختلف صحی معرفی می شوند

عنیک های مخصوص کار برای بعض از آنها

که ضرورت احساس میگردد تهیه کرده ایم ،

با پیدید آمدن مرحله غوین انقلاب تور زمینه

نشروق و دلچسپی کامل برای کارگران میگیرد

کنند .

در مورد شعبات دیگر این ریاست

ملوکیاتی از اینه نمایید .

- تولیدات زنان طبلانه و بافت یک دیگر

از شعبات این موسسه است اما بصورت کوچک

و ابتدائی . در شعبه مذکور شش نفر کارگر

مصروف کار اند که برای نوزاد البسه و جاگت

و جای خواب تهیه می کنند .

مدیریت فرمایش و قرارداد هاست که این

شعبه فعال و عایداتی بوده زمینه کار و در یافت



ظرافتکاریهای زنان زحمتکش ما در صنایع دستی نمایانگر تیارات و تحمل شان در کار است.

اولین صحبت با سابقه دار ترین سوزندوز

بود ، از وی خواستم تا در باره کارش و نوع

سوزندوزی هاییست گفتی های خود را باما در

میان بگذارند : نام ماهره است و ۲۷ سال

است که درین جاسوزندوزی میگردید . در اول

به صورت اجوره بی کار من کرد بعد از آن

وقت پدرم فوت کرد مجبور شدم تا خرج

فامیل را تهیه کنم همان بود که به شعبه

سوزندوزی شامل گردیدم واز همان وقت تا

حال بیست و هفت سال من گذرد . از طرف

دیگر چون علاقه زیاد به سوزندوزی داشتم

خواستم تا درین موسسه کارهایم تنظیم

شود واز روی کلکل و رهمنا خسوبت بنویم

- عموماً دست دوزی های این موسسه قیمت

گزاف دارند که هموطن های ما کمتر قا دو به

گفت : به تمام سوزندوزی های آشنایی دارم

اینست که شعبات مذکور مسخر نمایند تولید

صنایع بی نظیر و مقبول مایه مرور زمان ازین

بروود و حتی صنایع مرده نیز احیا و ترویج

شود . البته برای این کار تبلیغ وسیع این

شعبت باستانی است . اما با خصوصیات عصر

در صورت امکان در کله و سایل ارتقاط جمع

در شعبه مذکور ترویج سوزندوزی

ها و تشویق کارگران ماهر سوزندوزیه تقاضای

ماحتنی و ضروری است . البته با معرفی چهره

چنانچه این مردم با در نظر داشت کیفیت

اصل کار و تغییر کیفیت کار مطرح و عملی شد

است . در شعبات خیاطی طبلانه و قرارداد و فرمایش

ما فعالیت های وجود دارد اما تحولی که

باید مطابق با روحیه انقلاب به عمل بیاوریم

عینک های مخصوص کار برای بعض از آنها

که ضرورت احساس میگردد تهیه کرده ایم ،

با پیدید آمدن مرحله غوین انقلاب تور زمینه

نشروق و دلچسپی کامل برای کارگران میگیرد

کنند .

در مورد شعبات دیگر این ریاست

ملوکیاتی از اینه نمایید .

- تولیدات زنان طبلانه و بافت یک دیگر

از شعبات این موسسه است اما بصورت کوچک

و ابتدائی . در شعبه مذکور شش نفر کارگر

مصروف کار اند که برای نوزاد البسه و جاگت

و جای خواب تهیه می کنند .

مدیریت فرمایش و قرارداد هاست که این

شعبه فعال و عایداتی بوده زمینه کار و در یافت

به مناسبت روز بین‌المللی زن

# «وزنان کشور ما دیگر مطمئن

## و آزاد اند»

بیاد بیاوریم زمانی را که سیاهی بر سپیدی اول تعداد زیادی و فربی به اتفاق مردان زنجیر شکن در زنجیر امین دست و پامی زدن و تانی چهاره بود ناحق بر حق من چرید و صدای های حق خواهی و حقیقت گویی در گلو خفه ساخته اینکه بی مورد هاو کینه ورزی های امین و دارو دسته اش عرصه مبارزه را بر مردان وطن پرسه می شد. امین این مبتذل ترین و سفاک ترین فرد تاریخ معاصر کشور متکبرانه بر اینکه قدرت می بین مان تنگ و تکتر ساخته بود این زنان و تکیه زده بودو در تاریکی اعمال سیاه خویش هیچ صدایی جز گوش و بلی گویی را تحمل بر قدر امین را که در عین حال مبارزه بر ضد نداشت و هر چه بودو هر کاری بود باید در ارتاج و امیرالیزم و در دراس امیرالیزم امریکا بود بادلیری و شهامت بین نظری بلند چیز خدمت گذاری و ستایش خودش صورت نگذاشتند و در حقیقت اهر جای خالی وطن می گرفت و زنه با برخورد سیاه آنسیاهکار که برستانی را که باز بر تبع امین جاسوس شدید ارواحش نارام باد، با برخورد دزخیمانه بانداو.

باش و بداخلاقش مواجه می گشت امین این چاکر شده بودند و یاد ر باستیل امین در پلچرخی کوش بفرمان وزرخون امیرالیزم از جانب بادار و سایر شکنجه گاهها بسر می بردند از طرف خود مأموریت داشت که مردم بلا کشیده بی میان وطن برستان یعنی زنان و دختران فرمان مارا بعدی بیازارد و رنج و شکنجه دهد که مردم وطن پرشد.

مردم و تجدیددهی افغانستان که با پروردی اصل صدای حق طلبی و حق گویی برای همیش انقلاب زنجیر شکن تور بالای شان باز شد در گلوبی شان بخشک و حنی فراموش و راه راهیں کامل و همه جانیه خود را بسوی شان شود؟

روشنایی های آتی یعنی راهیان از چنگال ظلم ولی همانطور یکه می دانیم مردم، احساس، سرستگی، بیکاری، و بنی دوایر رادر شعور و خواست های وظیرستانه غیر قابل زوال اند و مرجعيین وظالمان هر قدر ناشیانه از در چیز مخالفت بان عمل نمایند به همان اندازه و برس قدرت رسیدن امین این همه امیدهایه زود تر خود نیست و ناید می شوند.

اما در گیر و دار حکمرانی امین و بانجحای تکارش همانطوریکه می دانیم زن این نیم از بیکر زن وطن مایه معنی کلی کلمه از همه بیشتر تولید نقش عمده و بازدارند در بیاده ساختن همه آرمانهای انسانی نیز سبب مساوی باهرد دارد و از انحراف و دیگر گونی سیر انقلاب تور به اندازه ای مردان کشود و حتی بیشتر از آنها می هاند نه زیرا هیچ جایی و هیچ کسی از یورش متأثر شدند (زیرا زنان فطرتا حساس و لطفی طبیعت اند از ناسامانی و انحراف زود تر متأثر می شوند). زنان گشتو راهی نیکی دیدند که نه همراهان صدای پای دزخیمان امین رادر گوچه و سرک می شنیدند برخود می لرزیدند زیرا این ادم کشان و ادم خواران جزانه برای گرفتن و بردن طعمه ای بیانند دیگر هدفی نداشتند.

زن هموطن ها می دانست که کوچکترین اشتباہ و حقیقت سبب می شد تا زنان را اندارم اینی از در و دیوار بریزند و بعداز به اصطلاح تفتیش خانه که جز ویران گردن خانه چیزی نبود هر چه هر دوچویان در خانه می بود با خود می بردند و در تاریخ افغانستان برای اولین بار در دوره سیاه امین محبوبین زیاد سیاسی را اطفال صغیر کمتر از هفت سال تشکیل می داده مصووبیت می فرمایند: «هموطنان رنج گشیده و عذاب دیده و قانونیت و عدالت فرمایشی و میان تهی امین این هردم فریب نامدار و دروغگوی سفاک و انسان انتقام ملی و دموکرا تیک مردم افغانستان آغاز کش دون همت.

ولی با وجود این عمه سفاگی و برحی وطن برستان واقعی از پائتشستند و نسبت اینکه گفته در صفحه ۵۸

اما به کارش باعث گردیده که خیلی ماهرانه دارم، پرسیدم: درجه مدت یک سرمهزی بادوازده دستمال آنرا تکمیل می نماید؟ در جواب گفت: نظریه تعداد گل و زینه کاری های آن فرق می کند که اینه کاری به هشت ماه تنظیم می گند، برخلافه دوخت، انتخاب رنگ دمن و طرز کاری که او می کند قابل ستایش است از دمی های رنگه برای کل ها و برگها قسمی می گیرد، ماهره از درجه یازده شروع بکار نموده و فعلا درجه شش است سرمهزی که سرمه داشت واقعا با خیلی مهارت و لیاقت کار نموده بود.

فاطمه یکی دیگر از زنان سوزن دوز است که او هم مدت بیست سال عمر خود را به میز داشت فره باغ بود و دیگری لباس عروس منگل، در ضمن تشریع درباره لباس عروس منگل یکی از خاطرات خود را قصه نمود: خیلی مریض بودم و شامل بستر گردیدم و قرار بود عملیات شوم، قبل از عملیات مدت شش روزی مقامات مسؤول بدهست آورده است.

نوع کار فاطمه توربخیه و تار شماری است، کرچه چشمایش ضعیف است اما با آنهم نظریه ذوق و علاقه اش به این هنر و همچنان وفاداری که به مدیریت صنایع دست دوزی دارد بعضا به کارهای کاری که دیگر میکند داشته باشد مشغول می شود. چنانچه وقتی با وصفت می نمودم، بیرون یشه می دوری روی دستش قرار داشت که بادقت و حوصله مندی زیاد قسمت زیادی از دوخت آنرا تکمیل نموده بود.

درین این همه زنان هنرمند، دختر آرام و مشغول سوزن دوزی دیده می شد، هر یک از زنان سخنای درمورد کارهای شان و نوع کارهایشان ازایه نمودند اما او با تیسم و تکان

سرمه سخنان آنها گوش میداد، خواستم نابا او هم صحبت نمایم، امامت اسفلانه معلوم شد که او هم گشته بود، کاری که این دوحس بیچ کم و کاستی به مهارت و استعداد او بسیار باوره بود و خیلی ماهرانه، چشمک دوزی را و از نهادهای را به روی سرمهزی و دستمال های آن انجام میداد، مدت چهار سال است که شامل مدیریت صنایع سوزن شده بود و کارش را با علاقمندی زیاد دنبال می نماید، بسیار خواندن ارجمند: در پیشی شعبه سوزن دوزی این میداد، شخاستم نابا

و باشد که یک تنعاد معرفت دوختن البسه طبلانه و عده هم مصروف باقی جاگت می باشند، بداخل شعبه چند خانم دور یک میز که بالای آن چند پایه ماشین بافت گذاشتند مصروف باقی جاگت هستند، بعد از هردو ویاشه دقیقه که تارهای هون را از دندانه های ماشین میگذارند یکی به روی دیگر نگاه می کنند و با یکی هایی بسیار نازک دو بازه مشغول کار خود می شوند مصروف کارهایش که یک آخلال گر (من) نزدیک میز میشوم و می صحبت رایا بشان آغاز میکنم می درنگ

می گویم، مخبر نگار مجله زندگان استم و مخصوص از فعالیت و چگونگی کارشما معلوماتی مختصری به خوانند گان مجله تقديم نمایم، من هم پشت میز کار می شیم و صحبت رایا طبیه کارگر سابقه دار باقی دیگر شروع می کارش با او صحبت کنم، اونموده می ازدست

دوزی اش را نشان داد که واقعا از دیدن آن و از طرز کارش که با چه مهارتی و لیاقت هنر ش را بدیج این درجه ۱۷ این شعبه قبول شدم و معاشرم ۳۳۰ افغانی بود به ناجار مدت چند سالی را با این معاش ناجیز گذشتندم تا

اینکه قریعه فال به نام اصابت نمود و بکوید درجه گرفتم، یعنی شدم درجه ۱۶ و معاشرم یک بیالا رفت خلاصه اینکه ۱۸ سال از کارم وی خود را سیماکفت و از دست ۱۸ سال است که به سوزن دوزی مشغول می باشد، علاوه بر این

اما، این مبارزات، این اعتراض‌ها، عصیان‌های متمکل، یگانه وهم پسته نبوده، زن در درازنای تاریخ بروای آزادی، بسیاری رهایی وبرای سبیم گیری در دوند تکامل اجتماعی مبارزه کرده است. صدای خودرا از چار دیوار های خانه بلند کرده است. اما صدای او خاموش گشته و تلاش‌ها وکوشش هایش بی نتیجه مانده است، چون مبارزه به گونه‌ی چهادگانی توائد هموار و دشوار وناهیجار. زن می‌گاه توفيق نکرده است، چون کاروان بشریت درینک پذیر نیست، چون کایانات در حرکت است، اگر حرکت زن کند وبلی بوده است، بزری گناه او توائد بود. او را نگذاشته اند، آن راه اتحاد بود، هم پیوستگی وهم بستگی. وابن کام را برای نخستین بار زن آزاده و امache دانشمندانی که در هوای آسوده انقلابی که به خانواده‌ی بزرگ زنان می‌-

نظام های ارتقای نفس می‌کشند و قلم را در اندیشه و سرفتوشت همی زنان جهان دل خدمت سیاهی قرار داده اند وبا سازمان سکوت و خاموشی فراموشی اند. این واقعیت را از یاد من برند، گپ هایی از مریسی - سودالیتی می‌زند. زن را متهم به نادانی، راز دانگاهداری و ناتوانی کرده اند. درسته های اخیر که خرافات، باطل پرستی و مناسبات فرقوت اجتماعی در پیاری از گوشه‌های جهان جای خودرا به داشت، حقیقت جزوی و نظام های مترقب اجتماعی داده است و زن داشت.

روزی که در سراسر جهان سرومهقاومت زن در بنابر بیداد و استثمار سرداده شود، همهی زنان نفرت خویش را از جنگ های تغیری و غارتگرانه اعلام بدارند، همهی زنان

باری زن در درازنای تاریخ بر ضمانتهای مبارزات خویش را پر ضد ارتیاع و امین بالسم و تبعیض نژادی پسیج نمایند، ودر راه بدست فرسوده‌ی اجتماعی، کاستی‌ها و ناراستی‌ها مبارزه کرده است و درین آن بوده که از قفس تنگ رابطه‌ها و ضابطه‌های توان شکن و طاقت سوز اجتماعی، به سوی فضاعا و افق هاییکرانی آزادی ورهایی پرواز کند، اما باسداران و کمانداران نظام های انسان شکن طبقات، به قیش زده اند، بال شکن و -

راکه «کلارازتکین» در این راه بنشست و نخستین فریادی راکه کرد رهگان و فریاد گران بیشاری اقدام اورا بامسخر مثبت و بایسته دادند. چون همهی زنان تحت استثمار که در شرایط توان شکن و ملالت باری زندگی به سرمی برند. منتظر چنین لحظه‌ی بودند، در انتظار روزی که هم بستگی و اتحاد آنان را اعلام بدارند و آنان در یک صفت مشترک درخشند. چون های ظالمانه رهایی یابد. پوییدگی و کنگرهای رادرهم شکند واز میان بردارد.

توتف و اسارت باشد. زن روز های سخت و تداده اند که به آزادگی آواز بخوان. پرواز کند، اماز، نا امید نکشته است از راهی که دریش داشته بربکشته، عقب گرایی نکرده به پیش تاخته تابه اوج آزادی و شکنگی برسد. تا پیواید هرمه ۱۰ مرد در امر سازندگی و بیازندگی اجتماعی سبیس هستی آفرین بکنند از چارچوب ضایعه ها و رابطه های ظالمانه رهایی یابد. پوییدگی و کنگرهای رادرهم شکند واز میان بردارد.



## روز همبستگی زنان

# سراسرو جهان براي رسيدن به آزادی هاي بيشتر

از چشم انداز شبه فلیسوغان وامنه به جهان سرمایه داری که فرود انسان را درهم منشکند واز اومجال هر شکفتی را می‌کیرد زن عنصری کم بهای تعریف شده است که گویا نمی‌تواند در سازندگی وبرازندگی اجتماعات سبیمی درختان داشته باشد. این طرز تفکری طاغون زده و بیمار است. زن فرصت درخشیدن اگر بباید توانایی آن را دارد که همکام وبرابر با مرد شالوده‌ی جهان دیگر را ببرند، جهانی بتر وپیش. قادر بین جوامع انسانی به صراحت نشان داده است که در نظام های منحط اجتماعی که بسیارهای ظالمانه ای استوار است و مناسباتی بوسیله بر آن حکم می‌رانده زن مجال ظهور رانیانه است. فرصت آواز وپرواز را از او گرفته‌اند در چار دیوار خانه اش زندانی کرده اند و بندیسان نیز از بیکر چامعه رادر تاریکی و نازایی فرو گذاشته اند.

باری از آنجایی که کاروان بشرمت درینک پذیر نیست و لحظه های زندگی توف نمی‌کند و انسان قامرز مرگ در بیکار و تلاشی و جستجو بهم می‌برد. زن نیز که نیمی از پیکر بشریت است نمی‌تواند بیای همیشه سدایش را در قفس سینه اسیر بسدارد. نمی‌تواند برای همیشه محکوم به سکوت و

گوشی از همیگی بمناسبت تجلیل بزرگداشت از روز بین المللی همیگی زن از طرف کارگنان مطابع دولتی در تالار سینمای آنراست دایر گردیده بود.

ها و ایستادگی های سامانی ساز و همین‌ها را و هفتماد مال پیش ازین روزی تعین شده است که زنان با مبارزات خوبیش قیصریده بیشتر نمایند. در میان ما که دارای صنعت افتخار و فرهنگ گرایانه است زنان ما همینه در برآور سنت بارگاه ها و نو روابط ها مقاومت کردند آنها آنکه در زیر شکجه و آزار قرار داشته اند، متوجه نبودند و آزادی خود را خواسته اند. اوکار نامه های زنانه مانند، ملائی و زنونه و زهراء در خور یاد آوری است اما این مبارزات بین به گونه‌های مشکل و برآگنده صورت گرفته است. منعلم و سیمیج شده بوده است. در یافزده سال پیش ازین که حزب زنجیر شکن و مبارز دموکراتیک خلق افغانستان بنیاد گذاشته شد پسورد این هم احسان گردید که زنان مبارز دولت پرست فیض مستکل شوند. مبارز و محیانها و اعتراض های شان سامانی بیاند. یک مشت محکم و بولادین گردند زین دهان هرچه نایکاری و نا هنگاری است بگویند باری هم زمان باید گذاری حزب خارجی دموکراتیک خلق افغانستان، به پیش‌باشی یکانه زن فرزانه و مبارز افغانستان دکتور افاهنا سنهان دموکراتیک زنان افغانستان بین بنیاد گذاشته شد که کوشش های خدمتکاری نایدین و تلاش های سازنده و بیکار جوانانه ای او در راه مستکل و سازمان دهن هنچه بیشتر زنان افغانستان در خور سایش رفعیش است. دکتور افاهنا که مبارزات دلرانه و برخانش های سازنده او در جهت رهایی راستین زنان حقیقتی افتابی است بگارو بیکار انقلابی توائیست که زنان انقلابی، دختران مبارز و مصانی را در صفو واحد و سازمانی مشکل دهن می‌نمایند و به تپروی شکفت و مادی مدل نهاینودر راه به دست اوردن حقوق پایمال گذشتی زنان افغانستان مبارزه و می‌سیم و گستردگی انجام یافت از پانزده سال به ایمه و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بیرونی های بزرگ کی نایل آمد و صدای خنه در گذشتی زنان تحت ستم افغانستان رادر هر شرایطی آنکارس داده است. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان از پشتیانی می‌دریغ سازمان های متفرق زنان جهان بر خوردار است و همچنان با بیکار بیان و پرشور خوشی های آزادی نهایی زنان در عالم شان از قبیح می‌غیره ستم های طبقات و جنسی مبارزه من کند. روشنگری این سازمان ویلاش آن در بلند بردن سطح آگاهی سیاسی و ثبات اجتماعی زنان و دختران افغانستان در خور امتنان و باد آوری فراوان است. به پیش به سوی آزادی های نهایی زن در افغانستان. پایدار باد روز همبستگی بین‌المللی زنان در سراسر جهان.

زیبایی ها و درختندگی هاست و همچنان بیوندگی او که از خشنی مایه می‌گردید این هی قوائد اورا میمایی اوجمند و بیوقوع قدره، زاله که از زنان آزادی خواه و مبارز زمان

مانت و شعر های او محیان زن است در برآور بیداد و تا هنگاری های اجتماع و یخداد کردند آنها آنکه در زیر شکجه و آزار قرار داشته اند، متوجه نبودند و آزادی خود را خواسته اند. اوکار نامه های زنانه مانند، ملائی و زنونه و زهراء در خور یاد آوری است اما این مبارزات بین به گونه‌های مشکل و برآگنده صورت گرفته است. منعلم و سیمیج شده بوده است. در یافزده سال پیش ازین که حزب زنجیر شکن و مبارز دموکراتیک خلق افغانستان بنیاد گذاشته شد پسورد این هم احسان گردید که زنان مبارز دولت پرست فیض مستکل شوند. مبارز و محیانها و اعتراض های شان سامانی بیاند. یک مشت محکم و بولادین گردند زین دهان هرچه نایکاری و نا هنگاری است بگویند باری هم زمان باید گذاری حزب خارجی دموکراتیک خلق افغانستان، به پیش‌باشی یکانه زن فرزانه و مبارز افغانستان دکتور افاهنا سنهان دموکراتیک زنان افغانستان بین بنیاد گذاشته شد که کوشش های خدمتکاری نایدین و تلاش های سازنده و بیکار جوانانه ای او در راه مستکل و سازمان دهن هنچه بیشتر زنان افغانستان در خور سایش رفعیش است. دکтор افاهنا که مبارزات دلرانه و برخانش های سازنده او در جهت رهایی راستین زنان حقیقتی افتابی است بگارو بیکار انقلابی توائیست که زنان انقلابی، دختران مبارز و مصانی را در صفو واحد و سازمانی مشکل دهن می‌نمایند و به تپروی شکفت و مادی مدل نهاینودر راه به دست اوردن حقوق پایمال گذشتی زنان افغانستان مبارزه و می‌سیم و گستردگی انجام یافت از پانزده سال به ایمه و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بیرونی های بزرگ کی نایل آمد و صدای خنه در گذشتی زنان تحت ستم افغانستان رادر هر شرایطی آنکارس داده است. سازمان دموکراتیک

زیبایی های اندراگاندی که در محیه می‌سیامت جهانی خوش درخشیده است و همچنان ملش چارصد و بیهده ملوفی را به عینه دارد، افکار نماید. مگر جمله بیانش آن فخر

باشتمت الجزایری بر عین نارواهی ها و نا هنگاری و جهانخواری های استعمار نا آفرین قطعه های خون خود مبارزه نکرد و درین آزادی و آزادگی رادر اهتزاز نداشت و حسنه نیافرید؟ لیل خالد را به یاد آوریم، آن درختن دارد و من توافق سر منع پاشدیری زنان آزادی سراسر جهان، والتبیان شکو رانه یاد آوریم که سینه‌ی کیهان را شکاف و در بزم ستارگان رام یافت و میمان ماهان کردند. باری سده های اخیر که سراسری زن اندک مجال درخشیدن داد مامی نگیرید که زن شایستگی دارد، لیاقت و توانایی دارد در همی زمینه های اجتماعی، و من توافق خوش بتأبد و خنایی را که دور از مناسبات فرموده ایان گذار باشد بیافریند، هدست و هم

های طاغوتی روا داشته اند اعتراض تعابند. حق های قالب شده ولکد کوب گشته‌ی حق بیش را باز نمایند. باری صدای «کلاراز تکین» را همی زنان درد رسیده در اسارت نگاه داشته شده باری گردید. ویدینسان بود که مبارزات پراگندم و دیرین زنان جهان وارد می‌میں معین مبارزه مشترک در سطح جهانی گردید.

این فقط یک آغاز بود. هم پیوسه کشتن زنان در یک صفحه به مقیاس جهانی. کار زن دختر قبیمان دیگر هر باره کار نامه‌ی داشتند و با اعلام هم بستگی به پایان نمی‌رسد. باید او علاوه بر یکجا در یک صفحه داده همراه با مردان در قصه مبارزه طبقات را در دست گیرد، و بزی بست آوردن آخرین آزویان خویش نلاش نماید. آزادی اجتماعی و سایر زن وقتی من توافق به طور کلی تضمین شود که آزادی اقتصادی یافته باشد در روند پیش از اجتماعی سهمی گرفته باشد. که در نظام های نا هنگار و لکام گیخته‌ی سرمایه داری که بیاند و خنایی را که دور از مناسبات فرموده ایان گذار باشد بیافریند، هدست و هم گفته‌ی یک از داشتماندان فلسفه‌ی نویسن

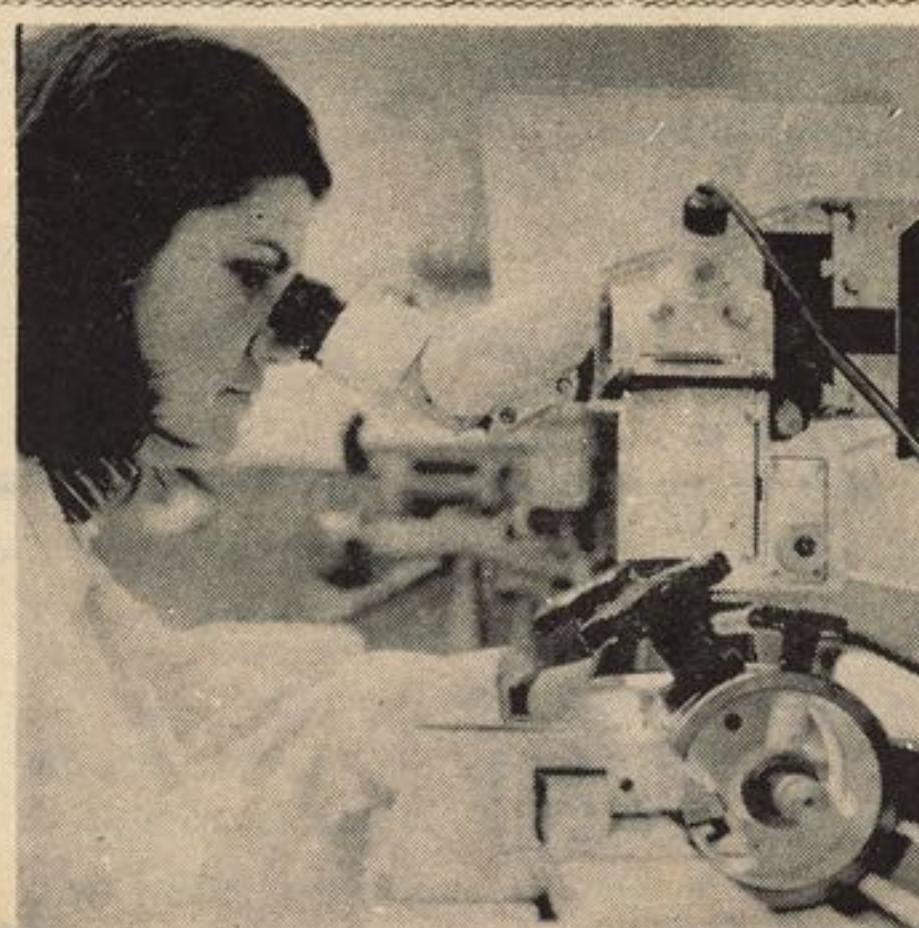
آزادی نهایی زن وقتی میسر است که: «تفاوتها و طبقات اجتماعی از میان رفته بیشتر» در کشور های سرمایه داری این فضاده زن اوج خود رسیده است، و ازین روز است که زن نمی‌تواند، آزادی کامل داشته باشد. اگر از سر تفکن و یا ظاهر در اداره‌ای کارمیکند و بیه جایی که اشته می‌شود هنوز نتواند امید که در هواییان سالم و صاف نفس بکشد، محکوم

است، آزادی واقعی و راستین نداده، دور مانند بازوجه ای با او برخورد من شود. تبریزی سازندگی اورا به همچ می‌انگارند. در کشور های دارای اضامی های منحط اجتماعی هنوز زن به آزادی های نهایی خویش فرمیده است. در چار چوب مناسبات فرموده خانوادگی و اجتماعی امیر است. فرمان من برد و تحقیر من شود.

محکوم به سکوت است و خاموشی، نمی‌تواند آنچه را حس من گند بیان نماید. آزادی هایی را که کشور های دارای رژیم های مسما سوداگریه ب زن من دهد، آزادی هایی ملابی و نیم بند است. نه آزادی های انسانی و انسانی، در کشور هایی چنین است که مبارزه‌ی زن به پایان فرمیده است و فقا اظهار یاری و هم بستگی او به جنیش رخایی- بخش جهانی کافی و سند نیست. او باید

عملانگیک به دوست بگیرد و در سفیدران مبارز پایستاد صدای خود را از دیواره های مسماه استبداد هرچه رسانیده بگند نماید. بنیاد های کمین را فرو زیند قابه رهایی و آزادی نهایی برسد. باری فقط اعلام همیشگی کافی نیست. باید مبارزه شود، مبارزه‌ی بر شور و آگاهانه با ایمان راستین و خداوند. سده های آخر که بیهودگی و باطل بوسن اهلیات تبه فیلموفان و ایسته به کشور های دارای نظام های سوداگریه را ثابت کرد.

وزن دوامت که دست به اختیارات شکفت بزند. به ماهتاب دست باید، باری آزادی ملتی به با خاسته مبارزه نماید. رهبری کشوری رایه دوش گیرد. کی من توائد از



زن امروز این توانایی را دارد که مانند رامور تولید و کارهای پشت مانی سهیم فعال داشته باشد.

درود ای زن! بیکار صادقه و شکرمه -

برای حفظ میهن،

سرکوی بلند ایستاده

شب تا صبح بیداری .

سلام ای زن!

درود ای زن!

شکوفان یانش و جلوان.

زن به مقیامی جهانی از قدیم ترین روز

گاران به اینست در اسارت و عسرت و بدبخت

نگاهداشته شده است و مورد پیغمبه کشش و

استعمار قرار گرفته، برای آزادی از ستم

طبقات او مقاومت را بساید. زن سرجند،

آفرین نماید. بیاد سروده بی از زاله من افتم که خود زن فرزانه و شاعری بیکارجو و انقلابی است، زن خشم و عشق را بیکجا در خود دارد. من توائد با عشق خود، با محبت های بین دریغ خویش و خشم خود سازنده باشد. زن ما عشق که به کودک دارد را و دامی بروزد و مرد میدانش من نماید از جنده ترین کار هارا انجام بیدهد. او با گذشته‌ی ای این کارهای بزرگ که بیهودگی و باطل بوسن اهلیات تبه فیلموفان و ایسته به کشور های دارای نظام های سوداگریه را ثابت کرد. وزن دوامت که دست به اختیارات شکفت بزند. به ماهتاب دست باید، باری آزادی ملتی به با خاسته مبارزه نماید. رهبری کشوری رایه دوش گیرد. کی من توائد از

## و اپسین سرود

ای دختر هوس !  
دیگر هر آله بستر شب‌های خود مخواه  
دیگر هر ای سچ امید آرزو مده  
دیگر لبان شعر هرا در سکوت شام  
با آب اشناق لبت شسته مده  
دیگر ازین بعد هرا آشناخ خود مخوان



ای دختر هوس !  
دیگر نکاه لذت جا دونز هرا  
در پیکر سبید نت خانمان مده  
وان خنده های مستدل انگیز خود دگر  
در تکن فضای شهم آشیان مده

آری دگر زیاغ تیش های سبه ات  
جون مرغ بیر بال فسی دلیه میر ؟

واز گو نه های سرخ به آتش کشیده ات  
دانش به سرزمهن خزان خورده میرم

شهدی زمن به کوره کندوی زند گفت  
تاراج کرده ای )  
بادست هرمرین خوش باک کرده است .

فریاد توده هاکه «دردون ساز» زند گست  
در بستر مواج رگم ریخت آتش  
دور از سردار توکه ازان دختر سبو  
ای آفتاب عشق ؟ نجید ست خوش ای  
در آه من دمید دم شور سر کشش

ای داس به نیز ؟  
دیگر به لرزه های سر انگشت بیر مرد  
- گز آش درون وی اگون پنهان ای -  
از برقه های نیع لبت خنده ها مریز  
بر آنکه سرخ وی از پست خوشها  
دیگر نکاه شو خ بلند بر خود میر

زیرا ازین به بعد درآغوش بینجه هاش  
دستان بروز شعله من لفتش من زند  
و آن بال لرزه هاکه «نیان تاب برنجهاست  
دیگر میان مت گره خوره» من خند

ای چرخ کارگاه :  
بر جهود غمین کس کز دو دست خویش  
آتش به حلله های خموشت کشیده است  
وزاقت سکون که سخن گوی مرگ تست  
مادر صفت هیش بدشت کشیده است  
بن لحظه از ورای نقا بت نظر بدوز  
بنگر جسان جسان هرا میره به بیش

آری ازین به بعد جها نه جسان اوست  
وین شعر بروز درد که همکام راهم است  
ذین بس نمای رفع وی و مغلکان اوست.  
نارس - جبارم برج دسا میر ۱۹۷۸

## د از میبنت بهی

به بقی که داز میبنت من سول به کاردی  
پیش شوی مس لانه دی چاندیوالی  
لاخا مس زما به لوبه کس ده باتی  
لامس گوابس پینتو نوالی بسر کنوالی  
امش سکنجه خای - ۱۳۵۷-۱۱۱۸

## توبه

کمدگنام خیری  
به منشل مردوکو پاگنداي  
نو اویس به :  
بعد شا تو میچ وای ۱۱۱  
خرخ زلان ۱۳۶۸-۷-۸

## پیهیبی

به توبه بینو  
نه وینا زده کیدی  
لوله کار ...  
کمه :  
زروانی بهیل زیور نه وای  
او تریزو بهیل کار بکر ۱۱۱  
خرخ زنان ۱۳۶۸-۷-۲۸

## انسان دوستی

نه به جنگ دوست کی ده  
و نه به بیه دوست کی ...  
که نه ،  
نازیان به قاتیست کیدی نه  
اویبودان به صیبو نیست کیدای نه ۱۱۱  
۱۳۶۸-۷-۱۶

## پوهه اند او پیلسه و ب

نه له نشو خبر و خخه جوی بیزی  
اویه له نشو جرقو نو ...  
که نه ،  
لوقی به هم بوها ند وای  
او بیلسه خ به هم بیلسه ب ۱۱۱  
دوکنور زیار ۱۱۱-۸-۱۲

# سرهای بی شهر

تواز سردی بی همیر زمستان  
چه میدانی که سر گرم از شرابی  
به فرش را حت و در گامه ای  
دو بالا نشهازبیو کپایی

\*\*\*

خوبوتند باد مردم آزاد  
کسی داند که اندر روی جاده  
بیا ز صبح ناشام غربیان  
بهمید اب نانی ستاده

\*\*\*

تن لرzan چو برگ بید بی بو  
به فرق سر نسبی را نهاده  
به رگها خود اورا بخ گرفته  
زبانش از سخن گفتن فناده

\*\*\*

چسان دعوت نهاید مشتری  
ندارد قوه نقط و پیانی  
بیان آخرین نیم نانی است  
بود گر در تن اونیم جانی

\*\*\*

باين خوردی واين برگ و باری  
تن او لحظه ای راحت ندیده  
تب اندرخانه نهانک خفته  
به فرش بوریا این و تجدیده

\*\*\*

کمال خسکی آرد بخوابش  
و گزنه منزل راحت ندارد  
بروز و شب بغیر از زنجوزحمدت  
تن اسایی بخود عادت ندارد

\*\*\*

بعای (تونل) وبالین راحت  
بنزین سرفید بایوش وجاهه  
لعاوی نیست اورا اندرانحال  
بغیر از تکه مملع (عمده)

\*\*\*

سرگه پیشتر از همیر زدش  
زمخت خانه تاریک و نهانک  
براید بی شکست آه سینه  
ذجانش دور باد احشم افلک

\*\*\*

فلک بر همت و بر طافت او  
هزاران آفرین از رشک خواند  
بدست وبازوی کارآفرینش  
ملک هابو سه نودی فشاند

\*\*\*

جین عزوجنین حرمت که دارد  
بزیر آسمان لا جوردی  
شرافت موج خیز از دست و پایش  
نسبش جوهر ذاتی مردی

\*\*\*

بدنی شادی ای مرد آزاد  
که قاب زیر دستی رانداری  
مکش نازمه و میر و ستاره  
گه خوی تن برستی رانداری

\*\*\*

حیدری بنجتسری

# رسما خیز

از من سلام بر تو

از هاسلام بر تو

ما در فصول این کتاب

- با عم ساختیم

تو جون خط درست

بادست بر توان و بستی بسی کران

بر سانه های سبیر کوهیشه

- حک شدی

در فا همت رساله ی رسست

من ، از آنها که تو

- تاراج می بردی

- بر کام تلح شب

ای هاندار شدم

ای هان من به تست

من ، اینک روای شب را

نابودی کنم

باتو سرود زیستن

باتو نوری هالدن

آوخ چه خوش صداست

تواز تبار نور

پنیر «سخاوزر زراب»

# ای وطن

ای وطن ! کوهستانه

منظري می آیشارونه

دایشا درگز تابه

ای زمود سکل همداده

کافن یون دی ملعونه

\*\*\*

مینه مینه می بودل

ستا دیشکل سیپی زم کی

زم عاشق یم ستایه غرونو

زم عاشق ستا یه سیندو

ستا چها اوس بودانی دی

انقلابی دی اسنانی دی

یه سر و بندودی کیمه ای زماگران . محظی

مانه زدم دی غیر قوته

دبیل و نو بادگارونه

ددبیمن به ککریو

مودک کری خند کوله

بیخی نه ید ویریدلی

نه دچانه شرمیدلی

زمهنه زانگر کن لوی بیچن لومتل می غیر قوته

\*\*\*

مادرزه دیشن بر جله

ددبیمن تو ریونخونه

ددوی تو ری تارا کونه

دانواهه بر غلوته

بو بیاکل زیار کیانو یه سر و نور و غیر بخود و نه

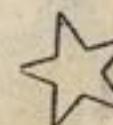
سنگروال «نیمگوی»

از

# گلستان

## بر چهد

ایم



# دم فرو بستن به وقت گفت

کس از متعلقان منش بر حسب واقعه مطلع گردانید که فلاں عزم کرده است و نیت جزم که  
بیعت عمر متفک نشیند و خاموشی کزیند . توییز اگر توانی ، سر خویش کیم و راه معجانت  
بروز و شب بغیر از زنجوزحمدت بیش .

گفت : هیئت عظیم و صحبت قدیم کدم بر نیارم و قدم بر نارم مکسر آنکه که سخن گفته  
سود بعادت مالوف و طریق معروف که آزرندن دوستان جبلت و گلارت یعنی سبل و خلاف  
راه مسواست و نفس رای اولو الالاب . ذواللقاء علی در نام وزبان سعدی در کام .

زبان دردهان ای خردمند جست ؟  
کلد در گنج صاحب هنر  
جودربسته باشد چه داند کس  
که جو هر فرو نست با بیله ور  
بوق مصلحت آن به که در سخن گوشی  
اگر چه بیش خردمند خاموشی ادبست  
دوچیز طبره عقلست ، دم فرو بستن  
بوق سخن و سخن بوق خاموشی

# سیم دغل

جون بمقام خوش آمد . سفره خواست تا ناولی کند . پسری صاحب فراست داشت

گفت : ای بدر ، باری به مجلس سلطان در طعام نخوردی ؟ گفت : در نظری ایشان جزوی  
نخوردم که بکار آید . گفت : نهاد راهم فضائی که جیزی نکردی که بکار آید .

عبدیا بر گرفته زیر بغل  
ای هنر ها گرفته بر گفت دست  
دو ز در مانندگی بیم دغل  
تاجه خواهی خردمند ای هفروع

سعدی

به شکل رسامی انعکاس می‌دهند  
بطور مثال یک دختر دوازده ساله  
مکتب سکنه لینکر ادزمان محاصره شهر  
خود را رسم نموده گرچه خود او  
دیر بعد بد نیا آمده و مزه‌های تلحیح  
زمان محاصره لینکر را نه چشیده  
وزحما نی فراوانی را متحمل نشده  
است. در اینجا سوال طرح می‌شود  
که پس جطور می‌توانند این خاطرات  
را رسم می‌کنند؟

علت این است که او را جمع به  
شهر و محاصره آن تو سطح فاشیست  
ها، مطالعه کرده و بعضی از حوادت  
را از بزرگ سالان شنیده است.  
مثال در یکی از رسایی‌های  
خود ما در را با طفل اش که ما نند  
عندلیب برها یعنی را راست می‌  
کند نشان داده شده است. اطاق  
خالی و سرد است. مواد سوخت تمام  
شده. فکر می‌شود که حتی دیوارها  
منجمد شده‌اند. اطفال رسایی‌های  
بدون تشكل اند اما برای اینکه در  
بزرگ سالان اشخاص با سواد  
بار آیند کوشش شود که از سن



از سیو تئیک

ترجمه: عبدالله سعیدی

## استعدادهای اطفال در قسمت رسایی و نقاشی

نه می‌در خشد مثل اینکه نمایشات در مقابله با این مورد معنی رسایی اطفال از آن برخوردار می‌باشند. بطور مثال آفتاب را بعضی از او نیست باشد. اگر بر سر انحراف بکند. این نکته پشمی‌ها نند گل فاصله‌یا غارنی‌یا بادسته‌های زیاد می‌کند که ما در شیوه از طفول فکر می‌کنند که ما در شیوه از همه خوبتر و مهر بان تر است. همه اطفال در مورد هادر خود این نظر یل‌مانند انسان سفینه تصور کرده و آنرا در روی کاغذ رسم می‌کنند. شیاع آفتاب، برفهای سفید، ایجار نیلگون، ریکهای زرد، چنگلی‌ای درخشان می‌نمایند و همه جا از آن مستقید می‌شوند. بصورت عموم در تمام زبانها یک لغت گرا نیمای برای اطفال بطور مشابه طینان اند از می‌باشد این لغت (مادر است). بعضی اطفال بر سر ری‌ها در را بشکل رنگ و قشنگ رسم می‌کنند. ما در تا از برادر خود دور نمایند و سعی می‌کنند خود ورقا یعنی رسم نمایند که جمعاً با هم بازی می‌برند، سواد به ایشان می‌آموزند، گاوها کنند و در تحت آن می‌نویسند: «این من وایند دوستم».

البته در رسایی‌های شان نقاچیں عجیب و غریب وجود دارد بطور بصورت عموم در بعضی موارد مثال سرها در نظر بشه تنہ بسیار می‌باشد اینکه اکادمی رسایی‌ها در نهایت ساده اطفال به قله اد بیان بزرگ، دست راست نظر به چیز سیا سی واجتماعی نزدیک می‌شود. نمایشات زیاد دایر می‌شود اما کو تا، یک چشم نظر به چشم که بخاطر می‌بینند خود می‌جنگند وغیره در هیچ نقطه آن به این اندزاده آفتاب دیگر بلندتر رسم شده است. اما عننتات ملی خود را در کاغذ



طفل معصوم که هنوز از یک تا ده حساب کرده می‌تواند بسیار ذوق و علاوه به کمک بررسی های در دست داشته با لای برف، تو سطح تباشیز با لای اسفلات و تو سطح پنسیل در کاغذ رسم می‌کند. گرچه رنتم کوچک هنوز قانون دور تمازیکی از قانون نهای (رسایی) را نمی‌داند، انسان را نظر بیک تعمیر بلند بزرگتر رسم می‌کند و در رسایی‌ها یعنی تفاوت بین خروش و گرگ نمی‌باشد اما در هر یکی از آنها برواز آزاد فا نتاز، احسا می‌شود که وحیقتی را منعکس می‌سازد که بصورت عموم قصه‌های خوب از آن برخوردار می‌باشند. نکته عده در اینجا این است که اطفال بکمک رسایی از برتری های هنر رسایی بهره مند می‌شوند. کدام چیزها را اطفال رسایی می‌کنند؟

در اتحاد شو روی هر سال در صالو نهای اکادمی رسایی می‌باشد کو تا، دست راست نظر به چیز سیا سی واجتماعی نزدیک می‌شود. نمایشات زیاد دایر می‌شود اما در هیچ نقطه آن به این اندزاده آفتاب دیگر بلندتر رسم شده است. اما عننتات ملی خود را در کاغذ

استعداد رسمی را نداشتند.  
بعد از دو سال همچنان در شهر

تبليس پا یتخت گر جستان شوروی  
نما یشگاه نقا شی اطفال بر گزار  
شد که بعد از آن مردم در شهر  
کیشنوف پا یتخت جمهور یست  
مو لداوی مردم از نما یشگاه استعداد  
دله زمانی خود را نمود نه

در این زودی ها مو زیم هنر  
اطفال سرا سر اتحاد شو روی نیز  
دایر خوا هد نشد . به این ترتیب  
در سینین بز رگ آنها نه تنها  
با فن رسما می مهار رت خواهند داشت  
بلکه زیبای شناسی در آنها هر چه  
بیشتر نیرو هند تر میشود .

آر گن شروع کرد که بیزحمت میشد گو است . لیا به مهار رت خاصی  
قا مت کو چک اورا از پشت آر گن جاز بند مینوا زد واو را میتوان روح  
آر کستره خوا ند . زمان اجری آهنگ هنوزهم کم حرف و سا کت است . اما  
کو هنوردان پاهای او خود بخود می  
بر عکس جاز بند نواز گروه که لیا  
رقصدند .

۵۲ صفحه در نقشه



نمایی ازیک کنسرت گروه هنری دختران خود را سال

بروان دایر شد. در دو هفته اول  
کصد و بیست هزار نفر از آن دیدن  
عمل آور دند. در حال حاضر تقریباً  
همه اطفال فن رسم می‌راهنگی آموختند  
دران و پدران همیشه در این  
مورد با دیگران گفتگو می‌کنند که  
خطور باید شود تا اطفال شان هر

جه خو بتر وسر یعتر این فن را بیا-  
موزند.

نکته جا لب و عمدہ این است که  
این تأثیرات بالای بز رگ سالان  
نیز اولر گذاشت و حال اشخاصی  
به این فن علاقه مند شده اند  
که سایه، فکر می، شود آنها اصلاح

دو سا لکی با آنها در این مورد کمک های همه جا نبه شود . بطور مثال در اتحاد شو روی اطفال فن رسا می را ازسن دو سا لکی می آمو زند . محافل رسا می به اندازه است که حتی شمار آنها مشکل است . با اطفال اشخاص ما هر ومحرب کمک زیبا شنا سی هر چه نیرو مندتر شود . بنا همه بدون امتحان وآزمایی

می کنند . بطور مثال در یکی از قسمت های مسکو ستد یوی اطفال معتقد به این که اطفال بی استعداد وجود هبجهده سال قبل افتتاح گردیده که ندارد هدف ما فقط تقویه رو حسی رسا می وزیبا شنا از سن سهالی تا حال در آنجا اطفال از سن سهالی پنج سالگی فن رسا می را می آمو- زند . یکی از رسام های مشهور او لین نما یشگاه رسا می ونقا- شی اطفال در اتحاد شوروی در ریچنسکی در این مورد میگوید :

ترجمہ :- ع، س

## گروه هنری دختران خور دسال

این گروه بنام مژ یوری یاد همه به هنرمو سیقی و آواز خوانی میشود و زمانی به اوج شهرت تا اندازه دستور سن داشته و در مکان رسیدند که همیسا لان این هنرمندان تبمو سیقی درسن می خوانندند. هنوز به بازی های زمان طفو لیست بعد از ختم دوره استراحت همه چون ریسمان بازی ودو ختن آنها به شمول چار نفر دیگر در قصر اطفال شهر تبلیس آمدند. همه لباس گدی های شان مشغول اینها در حدود سن هشت سالگی بودند.

در یکی از روز های تا بستا نی بودند. رهبران با اعضا به مشوره به استراحت گاه اطفال بنام «مزیا» پرداختند تا نام گروه را انتخاب نتی، که به لسان گر جی معنی شهر کشند. یکی از دختران به یاد روزهای آفتاب را میدهد دو تن ناشنا سس خوش استراحت نام «مز یوزی» با گیتارهای شان آمدند اطفال استراحت را پیشنهاد کرد که از طرف دیگران به گاه از آنها با شور و هلبله یذ رای، سیار خوش تائید شد.

کرده و فر یاد میکشیدند :  
 «بالاخره زمانی فرا رسید که  
 هنرمندان ما خوش آمدید!». گروه هنری مزیو ری او لین کنسرت  
 هنوز این دو تن قصد اجرای کنسرت خود را اجرا کرد. او لین آهنگ راندا شتند به جمیع اطفال پیوستند را که بنام «نژد مادر کلان به قریب و در بازی ها و سرگرمی ها حضور  
 میرویم» یاد میشند تو سط ستاره آینده این گروه ما یا زای بوا سروده  
 که یکی گورام جاتا نی و دیگری سخیر شد در تمام اتحاد شو روی پخشش گردید و با استقبال بی نظیر شنو-  
 ند گان مواجه گردید .

حتگاه هدف آمدن خود را به اینجا  
چنین اعلام کردند: در شهر تبليس  
در قصر اطفال گروه هنری استراد  
تشکیل میشود و تنها دختر ان خورد  
سال در آن جذب شده میتوانند.  
کسا نیکه خواهش شمول را درین  
گروه داشته باشد میتوانند چنانی  
آنرا میکنند؟ اما نمیدانست چقدر  
بعد از ختم اعلان شا نزده نفر  
ثبت نام کردند. این شا نزده نفر  
اوی که با کف زدن های متعدد  
تماشا چیان مواجه گردید از مایا  
تقاضای اجرای دو باره آهنگ را  
گردند مایا در عقب پرده ستیج  
به مادرش چنین گفت: آنقدر خراب  
میخوانم که از من تقاضای تکرار  
خود را بیاز ما یند.



و سخنان عزیز !  
با معاشره نانیه

شعر، داستان و مطالب پچش  
و نویانی بفرستید

## نوید

نویسنده: فاروق (علی)

یک داستان کوتاه

## دو دها

شاد زی

شاد زی ای کارگر ای رنجبر  
شاد زی ای بینه دوز ای بتهه گر  
شاد زی ای نونهال این وطن  
شاد زی بیروجوان ای مرد و زن  
شاد زی ای باردهقان خوشه چین  
شاد زی ای مرد صحراء بعد از این  
شاد زی ای باغبان ای بزگر  
شاد زی ای توده بی سیم و زر  
ذائقه صلح و یکدلی بیمان نست  
صد نوید امروز در فرمان نست  
از: خوشه چین

## سرو گند

به شرق والای مردم  
به نیروی توانایی کارگر  
به کار دهقان ستمکش  
به آوارگان کوه پایه ها  
ناگشت ترا - زمین ترا  
به ارعان های انسان رنجبر  
مرا سوگند است ای وطن  
تا دشت است ای وطن  
دامن ترا سازم جو گلشن  
به سوز قلب های سوزان  
به اشک دود بار جنم بیمان  
به آه سینه پاک عادران  
به رنگ افسرده پدران  
به آرزوی برباد رفته تو عروسان  
به یاد عزای بزرگ شهدان  
به هزار خونین فربانیان  
مرا سوگند است ای وطن  
دامن ترا پاک سازم از وجود دشمن  
به کوه پایه های بلند تو  
به رود های بر غریبو

به همت فرزندان ارجمند تو  
به زندگی گذشته و آینده  
به کار و پیکار اردوی بیروزمند تو  
مرا سوگند است ای وطن  
آباد خواهی شد ای خاله مشترک و کن  
فیروز کوه

تف سب عای تابستان همه را از خانه ها رانده بود . بیشتر مردم روی تخت بام شان غرق در آزو های گوربه پهتای آسمان می نگریستند و با خواب های نلخ و شیرین می دیدند . ستاره های خیلی زیاد بودند و بدون اینکه خسته شوند چشمک می زدند . هفتگاه یکه و شبانه رخش را جلوه گر ساخته بود . گاه گاهی بادخنکی از لای درختان می آمد .  
جهفر غم گردی ناتکمیل ماه را نگاه می گردید . شاید صورت بیچینه به چادر کسی را در آن می جست او هفتگاه را در میان دود هامی دید . دود عای که خلق می شدند ، می رفتند اما بر نهی نگشته . وقتی از دیدن آن ها دلش تنگ می شد ، نی چلم را به طرف دهانش بردو بعد تنفس داشت به طرف سینه اش کش کرد و پس از چند لحظه بی حلقه آڑا از دهانش بیرون گشید . دودها باز هم بالامی رفتند و بعد نایدیده شدند . جهفر مثل گوگ خسته بی نالید : ( دودها گجا می زین ) آنکه هه آدم بدی هستم ؟ از آسمان چه دیدین ، او شماره در دون خود غرق می کند لاکن باور کنیں ، هه چرسی نبودم ، هره غم ها ، درد عای دلم چرسی ساخت ، هره دنج ها گفت که شما ها رایه گلویم داخل کنم و بعد به طرف آسمان یاف نان کنم .  
هادرش سرشن را از ملاق ارسی بیرون گردید . آرام صدا گرد : ( جهفر بچشم ) همراهی چرس همه زندگیت از دست رفت ، تر به جستالی جات قسم ، بس کو .

حروف های هادرش اسب اندیشه او را از طویله سرو خالش بیرون راند . خودش رایه طرف ملاق ها کمی خم کرد و گفت : نه ! هر کس جای همی بود دیوانه می شد ، سربه صحراء بیان می زد . اگه دود هاغم هایمه نسوزانه دلم همی تر کداینبا برای یک لحظه دوست هستند اما همدم خوبی برایم هستند .

شکست سگرت همه جا را سحر گرد . جهفر درباره غرق اندیشه هایش شد . هنل هر شب می خواست خیال هایش ایجاد گر خاطره های آتروز گردد . روزی که آفتاب جهفر غروب و روی هفتگان را ابر ها گرفت .

باز هم لیانش رایه نی چلم تکیه داده قلقل چلم بلند شد . لحظه های بعد تر دودها حلقه از دهان جهفر بیرون شدند . قبر هانان خیال او همین حلقه های دود بودند او در میان دودها صورت روشنتر از صورت امام گلنار راهی دید . درست مثل همان روز از میان دودها صدای گلنار را می شنید که با بغض گفت : ( جهفر ! سوغاتی خوده بکی ویرای کسی دیگری بیبر ) . جهفر وقتی سرشن را بلند کرد چشمان اشک الود گلنار را دید ، چشمانش را بزمین دوخت و گفت ( جرا ! عبدوقولت چهست ) . گله اش هم چرخید چشمانش دو دهای را مقابله دیدند . دود های حلقه حلقه ، دود های که مثل درخت های ناجو بودند وبالآخره دودهایی که بدون سکل از جلوش می گذشتند اما گلنار با حق هق گریه اش اورایه دنیای چار طرفش آورد و آرام گفت : ( به خدا گنایم نیس ، کاراز گاریش شده بود ) .

جهرا که فندو دستمال داده بودند .

پاهای جهفر پیش نمی رفتند اما برای اینکه صدای گریه گلنار را نشود در پیج و خرم کوچه ها بیچید نمی دانست کجا می رود و چه می کند . از آنروز به بعد صورتش را تراشید . چشمانش به درون فرورفتند وزردی چهره اش بیشتر می شد .

باقید در صفحه ۹۶

## در باستیل امین

در حصار دیوار های سنگ

بلک ها ،

این جایگاه زنده بگوران

جون مرده های بس از جنگ

بهره ای هم خواهید اند .

در میان این لانه ها

دریس میله ها و بیجهره ها

اسیران ؟

این دلاوران زمان ،

این پرخاشگران و مستیزه جویان ،

این ره آورده گان یک شب لذتبار ،

این قربانیان خرد و بیداد ،

ذین محکومین به نیستی

با یکسر های بی توان

انجحان می نمودند .

که تو گوینده مرده اند .

\* \* \*

سیاهی شب بوسیلی روزگیره شد

الب هادرسینه آدمیان تبید

فقل ها باز شد

ناله درهای آهین برخاست

صدای چکمه ها ، در دل دهليز های بیجید

در نگاه های این موجودات بی بناء ،

هزاران امید با هزار خواست انسان

دچ میزد .

جلدان هکر و سیدند

هر کس خود را از دید میو خسیان ،

نهان می کرد .

سر انجام

از میان سه تن را بگزیدند .

یکی پسر ،

دیگری پدر ،

و آن دیگری چند صاحب ،

از شب زفاف خود را بگزیدند .

بس از اندک زمان

روح هر سه در آسمان

سرگردان شد .

اهر بستان خنده دیدند .

فرشتنگان اشک ریختند .

( شاهین )

را از سر بگیرم میگویند، نامم نیست  
مشکوری است و مدت هشت ماه من شود  
درین موسمه کار می کنم که در ابتدای  
در چه ۱۷۰ حال درجه هشت من باشم ،  
هفت ماه از عروسی ام گذشته بود که همسرم  
فوت شد چون طفلن در راه داشتم بسیار  
انتظار شدم بودم که دختری به دنیا آوردم  
وزندگی را با دخترم از من گرفتم ، چون  
عاید دیگری نداشتم لباس زنانه و طفلانه  
من دوختم واژ اجر توش گذاشته زندگی خود را  
میگردم تا اینکه درین موسمه شما میل  
کورس خاطری شم و دوختن لباس را

خوب به غیر از دریشی حساب کنید  
که دیگر همه امیاب مورد ضرورت خانه  
قیمت قراست البته این نظر من است دیگر  
اعلی بدست آوردم و دوباره من را جمه کار  
را درین موسمه نمودم با وجود دیگر  
قصد یق درجه اعلی بدست داشتم به محبت  
احیر درجه ۱۷ پذیرفته شدم .

چون نخواستم همسر دیگری بگیرم  
به همان درجه قناعت و به کار خود ادامه  
دادم .

خوب «ختر شما چه شد؟

دخترن بی پدر را تر بیه نمودم : ب  
مکت شاپلش کردم که اکنون صاف دهم  
لیسه سازمان مسلکی زنان من باشد ، بخاطر  
اینکه خودم در همین موسمه کار می کنم  
دخترم را هم نزدیک خود شامل مکتب  
ساختم تا کاه ناگاه از دیدارش سیراب  
باشم .

البته مادری فهر مانی استید که بخاطر  
تر بیه دختر خود دیگر همسر نگرفتند  
باشد همه مادران در تر بیه اطفال شان

تا پایی جان بیکو شند چرا همین مادران  
اند که آینده وطن بدست اطفال شان من  
باشد حال بر مادران است که چه قسم

اولاد تربیه می کنند خوب و بادا

خوب روزانه چند دست کالای طفلانه  
من دوزید؟

اگر کار کالا ساده باشد روزا به یک  
و یادگاره اگر فیله کاری و فرمایشان  
گوی ناگوی باشد کمتر از آن - نامنود

افزود : لباس هایی که سوزن دوزی دارد

باید بیکو بیم که از زندگی راضی بوده  
ماشون دوزها بی داریم که کالا را بشه

خانه هایشان می بینند بعد از سوزن دوزی آن برس

و دو خته من شود که تو لیدا ت ما در

غرفه فروش خود موسسه به فروش می  
رسد .

من گوییم شما که زندگی را وقف دختر

خود کرده اید خدا کند دختر شما در آینده

خدت شما را هم بکنند . در همین لحظه  
که دخترش بلقیس هم حاضر استم می

گوید ! مادرم که زندگی خود را وقف من

کرده است این بر من است که چکو نه  
خدت مادر خود و در بیلوی آن از همه

ما دران رونم را بینا میم .

مو قیمت فضیب تا ن باه

- چرا مگر دریشی مردانه نسبت به زنانه  
ارزا نیست است؟

- نخیر ، به نظر من اکثر مرد ها اگر یاک  
در یشی می سازند تا کهنه نمود از همان  
در یشی استفاده می کنند اما زنان اگر  
در ما یاک بینا هن ، جا کت ، بوت ،  
و غیره بدست فیا رند مثلیکه کذا شده باشند  
نان شان در ... قر است .

این خود دلیل شده نمیتواند بـ نظر من  
دریشی مردانه نسبت به بینا هن زنانه  
میگردم تا اینکه درین موسمه شما میل

خوب به غیر از دریشی حساب کنید  
که دیگر همه امیاب مورد ضرورت خانه  
قیمت قراست البته این نظر من است دیگر  
شما من دانید .

بر خورد آمرین و کار کنان موسسه  
با کار گران چطور است؟

- طبیه که زیاد خوش صحبت است  
چیز های می گوید و همه کله شور میں

دهند اما می گوید شما رایه خدا دروغ  
گفتم که نوشه نه کنید ، باید بگوییم

آمرین ما همان آمرین ساقه استنداما

بیرونی انقلاب شکوهمند تور که یارو مدد  
کار کار گران من باشد بالای رویه

آنها تا آنی می عیق گذاشته و حالت  
بر خورد ها انسانی و قابل قدر است هنوز

هم به انتظار خوبی های دیگر نیز می  
باشیم بخصوص من که حفیظ الله (جلاد) و بناد

کامن های پیش نیست و نایبود شده و به گویان  
تاریخ سینه شده اند .

معاشر را که از موسسه بدست من  
آرید کنایت شما و فامیل تاریم کند ؟

طبیه می گوید بیک خود هستم و  
برادر زاده ام که باهن زندگی می کند .

چرا شما خود طفل ندارید ؟

- بنا مکر مه هنکارش هر دو من گویند  
از ابتدای تا حال دچار چار و چنانچه

خانوادگی نه شده ایم و همسر نه گرفته  
ایم .

البته جریح روز کار مارا به دام مسخر چنده  
نهزده و یا بخت ...

باید بیکو بیم که از زندگی راضی بوده  
و با بردن خود زندگی می کنم .

خوب از انواع بافت سخنی نه گفتید ؟

باید من گفتم اما چون بافت ماشینی  
است هون را به ماشین من اندازیم و جاکت حاصل .

اما قسمی که قبل گفتم نظریه فرمایش  
کل ویر گک دار باشد با سیم و دست کار

من گفتم که جالی با فی - جو قی با فی -  
خشست یافی و غیره من باشد .

خانم دیگری آنطرف می بافت عقب میز دیگری  
قرار دارد ماشین خاطری را پیش روی

ماشنه و لباس طفانه می بوزد از بن مصروف

است گر گر ماشین فضای اتاق را بسدا

آورده مزاحم کارش می شوم و صحبت



زینتگوری : برهمه مادران وطن است تا در اعمار جامعه خود سبب فعال داشته باشند .

## سوزن دوزی یا ۱۰۰۰ دین

گذشته و حالا من باشم درجه هفت و معانش  
منه هم ۱۶ صد افغان شده البته با کوبون  
بنجاه افغان اجرت دارد و مردانه یکصد و پنجاه  
کوپرانیف .

از سیما پیش چنین معلوم می شود  
افغانی و آنهم نظریه ساده بودن و غیر ساده

که جریخ روز گاریا و ساز گاری سکرده  
من گوید : تلخ های بی عدالتی و ظلم دوران  
حکمرانی ای رژیم - داد و بالاخره می غصب شاه

اجرت زیادتر گرفته می شود در قسمت فروش  
باید بگوییم که عموما برای فروش جاکت  
های طفانه ، بینا های مفلانه و خرسک های  
و گلدار که بادست و سینه کار می شود

امین را چشیده رفته که کام مارا چنان تلخ  
کردد و آزرده است که سالیانه

کار است تا این تلخی هاشترین شود . حال  
چند مدیت می شود که قطره های شریش بکن  
بی دیگر به کام مامی ریزد . گفتی ها زیاد  
بافت یکصد و هفتاد و یکصد و هشتاد ا فنا نس  
من باشد .

- کار های تولیدی شما به بازار عرضه  
می شود و یا چطور ؟

- نخیر خود موسسه غرفه فردشات دارد  
که کار تولیدی مادر آنجا به فروش می رسد  
من برسم جراحت جاکت های زنانه نسبت  
به مردانه زیاد تر است .

- بخاطر اینکه جاکت های مردانه آسان  
کند من گوید : من هم مدت هیجده میلادی  
می شود درین موسسه مصروف کار هستم باید  
بگوییم که شمعه ما اصل شمعه بافت برای  
اطفال است اگر بعضی فرمایشات به اذاره  
مداده که می شود جاکت های مردانه و زنانه هم  
می بافیم .

قسمی که دیگریکه خود را (مکرمه) معرفی می  
شود این توانید .

است جاکت را هم در بیلوی هم نموده بیان

حساب کنید به غیر از خورا که (!)

## یهیم

ملیو نری سوار تکسی شد وقت  
پیاده شدن بیست افغانی بیه تکی-  
ران داد. تکسیران گفت: اما دیروز  
دختر تان که سوار تکسی شد، بمن  
سی افغانی داد.  
ملیو نر گفت: آخر او پدر دارد  
ولی من بیت هستم.



## چرا قرت کرد ۱۵ ید؟

روزی احمد از مادرش برسید:  
مادرجان علت بلند شکم شما چست؟  
مادرش جواب داد:  
- درشکم من یک طفل است.  
- مادر جان آیا اورا دوست دارید؟  
بلی، جرا دوست ندارم.  
- چند او را دوست دارید؟  
مادرش گفت  
- مثلی که ترا دوست دارم.  
احمد باز سوال کرد:  
- پس جرا او را قرت کرده اید؟

جرایه بیلر تنظیفات اندازم از این طریق  
سبلتر است

## سوال

کریم روزی نزد مادرش آمد و گفت:  
- مادر جان، برادرم محمود را دیدم که  
روی دختر کاکایم را بوسید.  
مادرش گفت:  
- فرقی نمیکند او نامزدش میباشد. و خند  
روز بعد باهم ازدواج مینایند.  
کریم گفت:  
- پس بددم جو وقت بازن همایه ازدواج  
میکند؟  
ارسالی روح الامین (همدم) متعلم صنف بازدهم  
بغلان صنعتی



بدون شرح

ذونبدون



## میمون برای بازی

دختر یکه تازه شوهر گرده بود که بیت زندگانی ساخته بود که برای شوهر خوش نقل نموده و میگفت:  
از جمله حیوانات که من در خانه پرداختم یکی هم میمون بود که خوب بازی میکرد و مرد هم بسیار سرگرم نگهیمیدا شد. ولی انسو- سین که بسیار عمری نکردو بمرد. شوهر گفت: اگر حالا هم میل داشته باشی ممکن است من یک شادی قشنگی را برای تو بخرم.  
زن جواب داد: نه لازم نیست زیرا حالا که ترا دارم به میمون احتیاجی ندارم.



## زن و درویش

زن دور یشی بخانه همسایه  
اشن که بر او مصیبته وارد شده بود  
میرفت. درویش به زن خود  
گفت: کجا میروی؟ زنش جواب داد:  
برای تعزیت و ابراز تسلیت بخانه  
همسایه میروم.

درویش گفت: در خانه برای  
اطفال خوراک چیزی ساخته ای؟  
زن گفت: در خانه نه آرداست و نه  
نمک و نه هیزم، چه بسازم؟

درویش گفت: پس مصیبیت  
حقیقی در خانه ما است، تسویه  
کجا میروم؟

## سلمانی و هر کب

مرد دهانی میخواست سری را برآورد و لی درده خودشان سلمانی نبود، ناچالار بسواری خرخود بده مجاور خودرفت و افسار خرخود را برداشت بسته گرد و وزیر دست سلمانی نشست و لی مرد سلمانی موقع تراشیدن سراو هرتبه سری را خون میکرد و دهانی بیچاره ازشدت سوزش، اشک در چشم حلقه زده بود: در این اثناء خرم کرد و افسار خود را کند و سرمه بیان زد.

سلمانی باشدگی از دهانی برسید: جرالاغ سما رم گرد و فرار نمود؟

مرد دهانی جواب داد بیچاره خیل کرد که شما بعد از من میخواهید سرمه براهم بترانید!

# ملک ۵۵

## اشتباه در مشک است

در گذشته‌امک دهی بسواری اسب از صحراء  
بی میگذشت، یعنی از باشندگان ده را دیده  
باود دست خود گوساله را که گریخته بود چیزی  
وکشان کشان جانب ده می‌اورده. ملک از برادر  
او گذشت و چون دید آن دعاتی با عنایت نکرد  
روبر گردانیده و با خشوت تکلف که: ای بی‌ادب  
چرا بابا لا کردن دستت بمن سلام ندادی؟  
جوان دعاتی باشامت گفت: حاضرم اینکار را  
بکنم اما شما مرحمت فرموده واز اسب پیاده  
شوید و گوساله مرانگاه دارید تا من به تکلیف  
خود رفتار نمایم.

در زمانه‌های قدیم شخصی می‌خواست تادر شپری فاضی مفرد شود، ولی میدانست  
تاریش و بروت وزیر هریوطه را چوب نگنده به آزوی خود نخواهد رسید. پس مشک یاخیکی  
را پرا زمام است کرد دهان آنرا با تکه کهنه محکم بست و قدری رونق روی آن نکه کهنه مالید و  
بخانه وزیر مورد نظرش فرستاد. وزیر وقت دستور داد تا فوراً فرمان تقدیران هر دهان صادر  
گردد باو بدھند.

فاضی به محل مأموریت خود رفت و مشغول کارد. هنگامیکه خانواده وزیر خواستند تا از  
مشک رونق استفاده کنند و ذخیره رونگهای قبلی‌شان به اعتماد رسیده بود، دیدند که مشک از  
مام است گندیده بر است. وزیر به فاضی نوشت که در فرمان تقدیر قضاوت شما اشتباهی رخداده  
است لذا فوراً آنرا بفرست تا اصلاح شود!!

فاضی زود متوجه اصل واقعیت موضوع شده‌وجواب داد که: خدا سایه بندگان عاجزرا از  
سر جان نشار تان کم و کوتاه نکند، در ابلاغ حکم هیچ‌گونه غلطی و اشتباهی رخ نداده، بلکه  
اگر اشتباهی باشد در مشک است.



دروغ بردازان امیر بالیزم

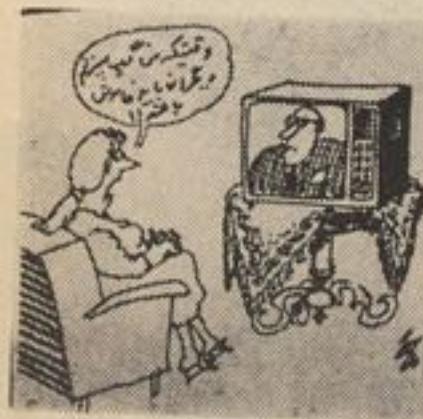
## وصیت پینه‌دوز

در یکی از دهات اروپای غربی بیرون مردمی که  
بسیار متمول بود بسیار دن وصیت‌مرد. زن  
که چشم طاعان را به تمام مال او داشت، تدبیری  
با خاطر راه داد که توسط آن تمام اموال هیرانی  
باو برسد. لذا قبل از آنکه مردم خبر فوت  
شوهرش را بشنوند بیرون مردمی را که در همسایگی  
اش دکان بینه دوزی داشته و به شوهرش بسیار  
شباهت داشت نزد خود خواند و فرار برآورد داد  
تا آن پیرونده در بستر نزع بخواهد و بطور یکه  
مقصوداً وست وصیت نماید یعنی تمام اموال  
و دارایی را بزن عبه گند و بخشند.

وقتیکه شاهد وکیلش برای شنیدن آخرین  
کلمات حاضر شدند، بینه دوز در بستر هرگز  
بعود بیجید و آهی از جکر کشیده و با صدای  
نحیفی گفت: چون زنم را بسیار دوست دارم  
و عمه وقت کمال رضایت را از او داشته و دارم،  
لپذا نصف دولتم را به او عهده کرده و بخشیدم  
نصف دیگر را به آن مرد بینه دوز بدهید که در  
همسایگی ماست و خیلی نانخور و اولاد دارد و  
چیزی هم ندارد. این دوست که خداوند از این  
وصیت من خشنود شده و هم را بی‌امرزد. درین حال  
تاجر متمولیکه فقط یک دختر داشت و او را بعثوهر داده بود تمام مایملک و دارایی خود را  
از روی تبت وسیاهه بدختر خود بخشید. دختر و داماد چون از این رهگذر آسوده خاطر  
شده با آن پیرونده بنای بدسلوکی را گذاشتند و او اعتمان نمی‌گردند. درین میان تاجر تدبیری  
ستجدید و برای هدت کمی مبلغ زیاد پول را ازیکی از دوستان خود به صورت خفیه و محترمانه  
امانت گرفت و در اتاق خواب خویش مشغول شمردن آن پول هابود گه دخترش از سوراخ  
کلید دروازه منظره رانگاه کرد. آنگاه داماد و دختر نزدیک او و آمده برسیدند که این پولها  
چقدر است و متعلق به کیست؟ پدر گفت: این صندوق آهش گه در گوش اتاق از این پولها مطلع



نمیخواهد جان تودرست داستان فلم رانه‌بی‌مدی، خیر بنشو گه از سر برایت گشته کنم.



## وارث‌ها

میباشد و این مبالغ را در عهده نامه وسیاهه خویش درج نکرده ام و برای روز میادا ذخیره نموده‌ام  
از آن‌روز بعد دختر و داماد بر احترامات پدر افزودند و گذشته از خوش آمدها بکمال جانشانی  
یقدمت گذاری اش همیز داختند تا وقیکه هر دواز دنیا بر فلت. چون پس از مرگ صندوقش  
را گشودند دیدند که برآز سنگ و جفله است و در روی آن سنگها یادداشتی به این  
مضمون نوشته و گذشته شده است: این سنگها برای سنجسار کردن کسانی است که  
ب احتیاطی کرده و قبل از هرگز، دارایی و علایملک خود را بدهیگران می‌بخشند.

شاعر مهملا گویی قصیده نا  
بر بوطدور از مفهوم و قوا عدش عربی  
ساخته و برای رفیقش خواهد وازاو  
رسید که: چکو نه است؟ رفیقش  
گفت که: بسیار بی مزه و  
آن ربط ساخته ای!

در ینو قت شاعر به خشم شده  
ورا دشنام داد.

رفیقش مودبانه گفت: الحق که  
نثر بمراتب از شعرت بهتر  
نمی‌ست!؟

انتخاب وار سالی احمد طارق

## آرزوهای بشر

چهار نفر دوست در گوشی بی نشسته بودند  
و عر کدام شان از آرزو های خوددم می‌زندند  
و سخنانی می‌گفتند. تا گهیان یکی از آنها گفت:  
اگر فرار شود، امشب هر فرد بشری هر چه  
میخواست به آن نایل آید هر یک از شما چه  
خواهید خواست؟؟ اولی گفت: بول نقد بقدر  
سازگان آسمان!

دومی گفت: خمی از مشروب کهنه که  
سیچگاه تمام نشود!

سومی گفت: حرمسرا بی هانند حرمسرا بی  
غارون الرشید!

چهارمی خاموش بود، اما وقتی از او برسیدند  
که توجه آرزویی داری؟ وی جواب داد:

آرزو دارم که همه تان چشم از دنیا بپوشید  
زمن وارث (قصیبیت زده) هر سه نفر تان باشم.

ورزشکار اینیکه خوب درختیدند که های قهرمانی سال انعام دادکه از جمله ۱۲ کسب ورزشی در آن انفرادی یعنی برای ورزشکاران یک در مسابقات الیکتریک اشتراک نموده بودند توزیع

عبدالحبيب غفوری مدیر فنی تربیت بدنی  
همچنان افزود : از جمله تیم های منتخب وزارت  
علم و تربیت مسابقات آزادیکه از طرف دیاست  
نان در مسابقات آزادیکه از طرف دیاست  
مالی و وزش به منظور انتخاب تیم ملی در جمنازیوم  
بوهنتون کابل دایر گردیده بود شرکت نموده  
که در مسابقات مذکور نتیجه خوبی بدست  
وردلند و در نتیجه هشت قرآن عضویت تیم ملی  
کمایی گردند . حال سر صحبت را با کلالی  
کیتان تیم لیسه عایشه درانی باز می کنیم  
که اعضا تیم خودرا چنین معرفی می کنند .  
ویدی از لیسه عایشه درانی ، زهره از لیسه  
رغونه ، عماورا حل از لیسه ملالی فروزان از  
بیه سوریا و همچنان آناهیتا از لیسه عایشه  
درانی عضویت این تیم را نصیب شده اند گه در  
لین مسابقات آزاد والیال اشتراک نموده و

پایان ششمین غصه آیه مسکونی داده است که در اینجا معرفی شد.

تمرينات مداوم ، خوراک خوب ، تشویق و تر-  
میب علاقمندان و موجودیت ترینران ورزیده و چیز  
نم باعث رشد استعدادهای ورزشی میگردد .  
خانجہ بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند تور  
پیران ورزیده ایکه از انتستیتوت تربیت بدنی  
رغ گردیده وهمه مسلکی اند همکار هامی باشند  
خصوص درین اوآخر که ترینران ورزیده و با  
کشیده دوست اتحاد شوندگان نمایند

مقدمه سیور یوست آندر سورزی پیر  
بل آمد و در تعریفات با ماهیت کاری من نمایند.  
اوری عضو دیگر تیم میگوید: بعد از پیر و ذی  
حله نوبن انقلاب شکوهمند تور افکار همه  
جمعیت گردید و دیگر از تعقیب و شکنجه گام  
ی امین خلاصی یافته، آزادو دشاد به تعریفات  
داده امیدهیم و حاضر و آماده ایم که به مسابقه  
ورزشکاران کشور های دیگر بپردازیم. وی  
گویند بازدید چنانی تکار امین حقی ورزشکاران را  
آرام نگذاشته بودند و در باستیل بلچرخی  
اخته بودند.

در جریان مسابقاتیکه در جمنازیوم یوهنتون  
ستاندید کدام یک از ورزشکاران به نظرشما  
بودند؟

پلیرانیکه که خوب مسابقه دادند و قابل پایش می باشند عبارت اند از رنا از پوهنخ شهریات پلوشه از تربیه معلم ترینا، هیوش و فقه از تیم کاپورا . باید گفت که اعضای تیم ورا در جریان مسابقات نسبت به همه ورزیده نند دو همین اثنا اویی عضو تیم می گویند که هم بگویند چرامگر من ورزیده نیستم ؟ درباره تسپیلاتیکه وزارت تعلیم و تربیه برای رشکاران تیم عای هنتغلب فراهم آورده چیزی



عدد بی از ورزشکاران تیم  
منتخب اذاث تعلیم و تربیه به  
تیم ملی والیبال برگزیده شدند

وین مسابقات چه بود، چیزی نکنست:

هدف از دایر نمودن همچو مسابقات اکتشاف  
برچه بیتر ورزش در جامعه مامی باشد و  
هم چنان آمادگی در تحقیک و تکنیک های جدید  
وز بین ورزش کاران ذکور و اثاث می باشد در  
بلوی آن هدف عدمه انتخاب حیره های برآنده

درزشی و تیم های منتخب ورزشی می باشد که اول از انقلاب شکوهمند تور تورنمنت ها صرف خاطر معلوم نمودن بردو یاخت واستعداد های ساگردان بود اما بعداز پیروزی انقلاب نسود ای اولین بار تیم های منتخب فوتبال، والبال اسکتبال بوجود آمده که درین تیم ها ساگردانیکه هر دو دور مسابقات بباری و خزانی خوب خشیدند انتخاب و در تیم منتخب به تمرینات فرمودند خانجه همه معلوم و هر یاد

ست که تیم هنتخب فوتبال تعلیم و تربیه در مسابقات آزادیکه از طرف ریاست عالی ورزش گزد گردید خودرا درصد ر جدول مسابقات زدند که ریاست توریست بدست وزارت تعلیم ریشه بعد از ختم مسابقات به عنوان تیم ها و

علاقمندان محترم ورزش! خبرنگار مجله جهت آگاهی بیشتر و تشویق زیادتر ورزشگان را معلومات مختصری را که در باره نتیجه ارزاری تورنمنت های ورزشی تعلیم و تربیه در طول سال چاری از مسئولین ریاست تربیت بدنی تبیه نموده بدست حاب هی سیاریم . سپس مصاحبه داریم با تیم منتخب والبال در گروه ألف والبال وهم چنان ۸ لیمادر تعلیم و تربیه که در مسابقات آخری که طور گروه ألف با سگتبال مقابل هم صفاتایی در نمودند . از در جمنازیوم بوهنتون برگزار گردید و در

نتیجه آن اعضا تیم ملی والیبال انان انتخاب در بیلهوی سران، لیسه های دختران نیز اس سرگفت داشتند که درین مسابقات ۱۰ تیم در مجموع داشته باشند.

A black and white photograph of a group of seven young women, likely members of a military or paramilitary organization. They are arranged in two rows: four women are seated on a high ledge in the back row, and three women are seated on a lower ledge in the front row. All individuals are wearing matching uniforms consisting of dark, long-sleeved shirts with collars and dark trousers. The woman in the center of the back row has her hands clasped in front of her. The woman on the far left of the front row also has her hands clasped. The woman on the far right of the front row is wearing a dark beret. The background is a light-colored, textured wall.

با ایندی به تمرینات مداوم و به کاربردن تکنیک‌های خوب در جریان مسابقه پا بعث شد تا عضویت تیم منتخب را حاصل نهاییم

میگرددند گروه بندی نمایند . و پس بازی سکاش قرنیه بیشتر آسیب در مان و مدا وای آن بپردازند . تحقیق زیر در یکی از استیتوت های علمی دست اند کار مسا میل به عمل جراحت دارد . در را کت بال باعسل را کت طرف مقابله در بازی های راکتی، (تینس ، بدمنتن، سکاش، ریکت بال) که جه عواقبی در قبال دارند صورت گرفته است .

اهنگ وازیم پتوانید عفوز که دیر نشده و فصل بهار وور زشن در پیش است ازین تحقیق استفاده بپرید . درین پژو هش که تقریباً وقت یکسال را در بر گرفته است بیش از هشتاد در صد جراحت ناشی از خشو نت در ور زشن ها خصوصاً تینس ضبط شده است .

\*\*\*

در تینس با مو قعیت با زیکن در میدان جراحت عادی و یا جدی می توانند بیمان آید . مو قعیت های چون نزدیک بودن به جال و قرار گرفتن در کورت و یا خط اخیر میدان متفاوت میباشد .

امروز بازی های نظیر تینس پیش فت زیادی کرده و در کشور مانیز قدم های ابتدایی اشن را می ور زشن را کتی بدرو گروه تقسیم ییماید و بزو دی این ور زشن همه گیر خواهد شد . اما تینس باز جوان از خطرات ناشی از آن که زیاده چشم میدان ورزش بوسیله جال نصف میشود گروه دو می که باز یکننان در یک میدان مقابله هم می استند ، بزند ، و امداد اولی توانند ید ترین جراحت نظر با توپ ورا کت به چشم شان صدمه می بینند اما جراحت وارده گفته میشود که به سن و مها رت آقایان نسبت به خانمها جدی تر و بیشتر با توپ ورا کت به چشم شان زیادتر میباشد .

در بازی های چهار نفری خطر این حادثه زیکن از تباطه ندارد . پس باستی در جریان بازی تینس باید از جسم راکت و تما س بدنی با زیکن کن در یک آمار سال ۱۹۷۶، ۳۲۰ حادثه بیشتر میباشد . اگر باز یکن حود جراحت چشم در طول یکسال ضبط هارا باوسا یلی چون عینک حفاظ شده است . اما خسر به ناشی از بازی بدمنتن ویا روش های در نو عیت بازی پدیدید آید که خطراین تما س ها را کاهش بدهد . همراه با آن ور زشکار باید یزد در اطاقک جلویی چشم) را بیمان میاورد و شدت این جراحت در چشم گیری کند . چه خشو نت و عیجان بیش از حد در جریان ور زشن باعث ترا و شن زیاد اور نا لین شده و قایع جراحت در هر دو بازی دو نفری و چهار نفری دیده میشود اما بیشتر در بازی های چهار نفری می باشد زیرا در یک ساختمان خود را بازی در جریان بازی باید خود را بازی دارند .

نفر به مبارزه می پردازند . در ضمن حادثات بالا حلقة های طبی برای همچنان اضافه توپ و رگبار حملات در جریان بازی روی میدان بازیکن تحقیق بیشتر ، سن ، جنسیت و سطح مهارت باز یکن را تشییت را می آزاد . و باعث یک جراحت گرم میگردد . حادثات بالا در تینس بازی که عینک به چشم می زندگی میباشد ، در تینس بار گیار میگردد . بدین روای عدیسه های توپ زیان وارده در قریب چشم بوده



اعضای تیم منتخب هیکویند: حاضر هستیم با تیم های ورزشی کشور عای دوست مسابقه دهم واژ تکنیک های ورزش آنها نیز استفاده میکردند ورزیده شویم

در جواب باید بگوییم که همه بروگرام ها از وعلاوه میکنند که تسبیلانی درحمل و نقل طرف دیاست تربیت بدنی به صورت درست ورزشکاران واسیاب و وسایل سبورتی مدنظر ترتیب گردیده و منظم میباشد و در پهلوی گرفته سود ناورزشکاران از مشکلات ناشی از کام های وسیعی برای انتشار ورزش برداشت ازین وسائل مصنوع وتر امان باشد به صورت عموم رول ورزشی و ورزشکاران سده است .

آیا بعداز ختم تمرینات ورزشی عصریه هم رادر جامعه چکوته توجیه میکنند ؟ به صورت عموم کسانیکه ورزش میگذارند و رایانه داده میشود ؟ در عین این ترتیب تیم که از ریاست تربیت دارای صحت کامل بوده واژ جاروجنجال دوا بدنی میباشد میگوید بلی . ولی ساگردان و دکتور بدور میباشند در پهلوی آن ورزشکاران با تکاههای استفهام آمیز بیکدیگر میگذرند و در وباصحت خوب بهتر زندگی میگذرند .

تنظيم و برگردا نی از نصیرابوی

## آیا ورزش با آنچه مفید نیست زیانی

### هم دارد

آیا هیچگر کرده اید که ورزش دانشمندان طب امروز زی قادر گشته اند سری زیانها و صدمه های که از در پهلوی آنچه مفید نیست و سازندگی اثر خشو نت در ورزش یدیدار اش نقص های داشته باشد .

# مُعْدَى رُونَدِي

ڙان لفایت

لای شو ، کیسی خواهه گرخو . دور و ستر  
ور خخه تیربزو او عمومی وات تیربزو  
هها غه وات دی جی یو کال مخکی به  
خغا سنه ور باندی تیر شوی وو .

ن دواه یارمخت و او وده برهنه دهمور پرمخت  
خو او داردو گاه توره خیره له وزایه بشکاری  
فر خو چی ستر گل لیدلای شی سپین او  
ستر بیدیا موبه «خ کی بشکاری ». خو دانی  
افی خیل بربند خان د آسمان خوانه نیو لی  
ی . دیو وات به خنله کی، کو چنی کوروونه  
تیره با مونو سره ولاپدی ، دالنوب لکه  
زی اوسین خط به خیرله و دایه بشکاری  
زی بدلیس جلا، که ج دنداده خود و خنجه

و دوات دیچجو می خخه تیر یزو، او یه  
جیرا نیا سره هفو مناظرو ته جی ائزی  
رونکی هزی اوی زمود دلیدلو خندهنش  
کید لای، گورو، نه به واپی جی دهوا خوری  
و قدم و هللو لیباره راغلی یو، زه هفه خای  
تی د «ریموند» بکس می واخیسته، بیتر نم  
عنی هفه سیمه جی لویی فرانسوی هلتنه  
د شو، تیر یا دونه را ژوندی کیزی.

ویلی ستر گئی نور پیر شیان لیدلی دی .  
دھے یوہ ونه راتھ بینیں جی دھفی لاندی  
دی کسہ نور وزل شوی و . خو دغشی  
ولی خا طری مو ڈ تھے پیری لیری اولمرخونی  
پیس ، پداسی یوہ ورخ کی جی بلدوری بخشی  
او پرک کوی او دلمع مخبنکاره کوی ،  
مو کولای دغه وات جی وربا ندی روان یو  
بر ٹک دوات په تو گه و پیڑنو ، بر سیرہ  
ردی اوسم موند دمگتاردو گاهاتھے  
ولی بواویہ پادھزپه مخ به ورلاندی خسو  
وسنے د ھفے خھ خخھ جی موترا اوسم پوری  
سلی دی لہ بلی هری بینی سره ھم مقابلہ  
لای شو :

یه بسار کن دنه زه هماغی مغازه، و ترینونه  
کورونه گورم . دیوی میخانی علا منه  
د بیر یو گیلاس دی یه خوشحالی  
ره گورم ، ته به واپس چی همدایرون لنه  
دی لای نه تیر شوی وم . هفه سها هی  
د خبیلی نا عزدی سره لاس په لاس -

خیده جیرنه دی ایسا یه شوی وی ؟  
ک به بی اختای سرمه هودنه گوری  
ک هرو هرو دومره کار لری جو زمۇن  
دسر نوشت پەھلە سوجىنىشى كولاي

بری او دتل بهشان یو خل بیا شمیری  
شمیر یو شمیر زیبات زایه خلک ولاپهی.  
بل ، جی تل ملنیی وھی یو نوبه سیی  
اشاره کوی او واپس .  
آها ، دغه یسو په «اوستر لیز»  
مرو «ایلو لیڈلی وی .  
یو ن خواب ور کوی .

غیر دی ورو که، دوی د ۱۸۷۰ کا ل  
گیری وروستی کسان دی.  
مو قرن آب.

با خیل مخ شانه گر خوم او «روبر» دلاس  
اشاری سره زما سره خدای یاما نس  
نوی اوزه دهنه موسکا دوروستی خل لپاره  
اورم .

اویس مویز یه «آبل بلاز» یعنی داردو گاه  
حاضری یه سترانگر کی یسو . زمود لیک  
کالی بر ینخلو ساخته ان ته مخانغ دریزی  
او «ویلی» دده ساخته ان که کیو نه  
ورو جی بنایی توئی هله و گو رو، خسو  
یخو ک هله نه بستکاری .

بد پرون شیه ونشو کیرای چی دملکرو  
ره خدای یاما نی وکرو . ما یواش وکیرای  
و جی خیل دوست «سربر» سره و گورم،  
خیل نوی یطلون می ورته ورکه او دهنه  
نه یطلون می واخیست . نور کسان یاویده وو  
با زمود نگ خخه خبر نمودو، اویس هم بنایی  
ن خیلو کارونو ته تللی وی له هندی امله  
در دخو بیگانه کسانو خخه بر تهچی  
نه گهود نه، هخه، نه و نه .

نور میموده و بیو  
فاسخان یو آشنا غیر زما غوچه نبردی  
گیزیری ، اووه «شارلوده» دی نن کان ته  
تسلی دا خکه چی دطی کتری له دنگ  
بلمه رستاخیستی و اوسره له دی چی  
ده وینشت هنروکه بی زخمی دی خان یسی  
نه دخداي پامانی پاره رسولی دی، زه  
راو یه شیرگی نیسم او بیکلو ۲  
خدای پامان شارلو ، زده ور واوسه.  
جرت دی همخرا بوه ، زه به مقاومت  
دم . مانه دتا سو تک خواشینی کوونکی  
دیبا لیدلو یه هله ، ملگو !

تشارلو به شنو سترگوکي دومره مينه  
ستي ده جي زبه هي خو بشتل هفه له خانه  
ه يو سم خودنه کار شم کولاي بنائي  
به داوى جي همانه باشي شى ،  
ددى لپاره جي هفه يو خل بيا و گورم  
منځ ګرخوم او هفه به موسکا سره زموږ  
وان نه گوري . ويلى به غور کي مس  
خو لې هي بورته کړه!  
فرمان نه هتوجه شوي نه ومه ، دهفو  
آس ډلولو لپاره جي دروازى به دواړو  
کي ولاد دي به بيهه سره خيل خو لې  
خو پير خنډ شوي دي اویله همدنه  
کي يو دروند سوک خوله ته مس  
هه کېږي ، دیوړۍ خنډه هي ویني بهښري  
سر بورته نیسم او هغه دروازې ته چې  
خ ته هي پرا نستي ده، گورم .

همانه عادی چال چلنده دی چې دجل خانی  
خه دخینو کسانو دویستلو لپاره سرتەرسیده  
ه هم په همدنه ډله کن و م .  
د بى دشپن ۱۸۵ نمبر بلاک دفتریته برخى  
بوتلو . آندره ، سیمون ، پل ، زول ، یتی

بی او ویلی هم هلت وو .  
ویلی « یویو گوسلاوی خوان دی چی په  
ی کلنسی کی فرانسی ته راگلی دی اودخیل  
ر به خیریں دلمه نی زده کپری خخه وروسته  
کانو کی په کار بیل وکر . دی او ټولنی به  
وخت او یوخاری نیول شوی دی . « ویلی »  
لس کلن وو او او س دیخوانیو بند یانو خخه  
کیبری . دیر بنه فرانسوی غربیزی او  
دانسی هم په نورو سلاوی ټبو . په آلمانی  
هم غربیدلای شی . زله دغه خوان سره دتیز  
کان کی آشنا شوم اوله هماغی ورخی نه ورته  
همند شوم داخکه جی دیر محظوظ او محظوظ  
او همدارتگه دنورو سره تل مرسته کوله  
مینه له عقه سره زمادعفه مینی په اندازه  
جي د « شارلو » او « ټونی » سره بی لرم .

بل «هم زما دگشز و درود به خیردي .  
توله شيه هیخوک و یده نهشول . خسواری  
سری و تیول شو زمهور سرونه بین و خربل . فوی  
سی راوسنل تر خو چی نوی نهری و رباندی  
بیوی پدی ترخ کی روسانو او هسیانو بیانو  
ویلی . هور هم بدلى و ویلی . بشري  
شت همداسی ده . خفه کسان چی به یوسر  
ت مهدکوم دی . کله ج

بیوی نامعلومه خواته خن دهري جا می  
خیل گس چس وی، بدلی واپس دغی  
دزی هفوی دیو نواختن خخه باسی کله  
خومره بدنه راتلونک دهفوی به انتشار  
وی . دنه سکان که دهرگ که لورهه  
ن وی، د «زولا» دسر تیرو به خیر چیزه  
نا معلومه اور گلابی کی بیوی نا معلومه  
نه تلل ، ستدری به ووابی .

انهورخی کبیری چیزه دروغتون خخه و تلى  
یم . به جمل خانه کی میذانی ملکری بیاولید  
۱۷۲ بلاک یغوانی فرنطینه ملکری دخیل فرنطین  
دوره بی تیر کپری دی او اوس هفوی تسلیم  
تیرویه کان کنی کار کوی .  
دیت سازمان دیباودتیا او بد بیر خخهدهر ستو  
لهامله . دفرانسوی بند یانو وضع چی ورخ یه  
ورخ بیر بیری لب بته شوی دی . زمهود ختن  
مینه وال بنسی دندی بی تر لاسه کپری دی .  
زه بیرنه کان نه ستون شوی وم او دتیرو  
در اسولویه کوهاندو کنی می کار کوله . «کایبو»  
امیل چی یو آلمانی کمونیست وزه بی دساتی  
لاندی نیولی دم اویه دی توگه نور دلگدشتو او  
کوتکو گوابس نه وو . او دالوی نعمت وو . تونی  
راهه نوی کالی جویه کپری وو . او دغه تول امتیاز  
ونه دجل خانی بدسلسله مراتب کی زمام مقام  
بوه درجه چکه کپری وه . دغه سلسه مراتب  
به لاندی جول وو .

۱- دخو گسونه جویشوی یوه طبفه چی از دوگاه  
کن دنه مسؤولیتونه یی په غایه در لوده لکه  
داردوگاه ریس ، در از دوگاه هنثی ، دیخلنځی  
ریس او نور . دوی د جیل خانی پا داران او  
خاوندان دی او شمیر یی یویه زد و گسوکی وو .  
۲- هفه طبفه چی هیخ کاربی نه کول لکه  
دبلاک ریس ، دبللاک هنثی ، ډم ، یو شمیر  
کابو ګان او نور ، دغه ګسان خنی امتیازونه در -

۳- منځن طبله دهنو کسانو خخه تشکيليدل  
جي مسوو لیتونه بي درلودل او کار هم . کول .  
خن کايو گان . داکتران سندرغاپي او نور . دوي  
تل خوندي وواو شمير بي دري يا خلور به

۴-تین طبقه چی ده‌گران‌سو خخ  
شمیرل کیدل چی دخیتو ورودندوله له اهله  
کولای شوای چی ژوندی پاتی شی او دنورویه  
برتله زیانه خواهه تر لاسه کری دوی پهشانه  
عمالو معکوم وواو شمیر بی بو به لسوگی وو.  
۵-به مرگ معکوم بندیان ، دوی هریانو ته  
ورته و اود بندیانو ۵۸ به سلو کی وو.

خو برون سپه یوبه یو وضع بدله شوه دو یده  
کیدو یه وخت کن «شیر» کوتی ته راغی او خشی بر  
هری بی جی دیانو پر محظی کل شوی وی ولوستل سو

## خودانی لسیدل کیزی موزیم

دهن دهندو و دانیو په لور بیاپس.

ساخته ن ته دی خو داسی بکا ری جی  
مود نه بی انتظار ایستل . بلوك جی دوو  
سترو کو تو خفه عبارت دی ددری بوریزد  
چبر کتو تو خجنه دی دی نو بدی تو گه

مود هریو کولایشو جی به خا تکی تو گه  
دیو بود خجنه گهه تهه واخلو دا خبره دقو چه  
ووده او مون هم تو کو لای جی دنگه

مو نو ع باور کرو . دللاک رئیس جی بو  
بو لندی دی خبل خان مون نه مهر فی

کوی خو کو مه مترو که بی به لاس کس  
تشه او هن بی له دی چیزی بو غا ریووه  
خن بیزی او وا بی جیز که دنظام او دهلهین

مرا عات و کرو مون به خوک ونه و هس  
آندره بیه مو سکا سره ما نه وا بی .

سنه خو اصلادغی وضعی به هکله خنه بیهیرم  
یعنی با ید دمترو کیا واسطه درنه

وویل شی تر خو جی بود شی؟

شخلله اخو وضعه داسی حیرا نه نکی  
ده جی سوی حق لری تعجب و کیو .

آندره دیوی حیرا نیا خجنه بلی حیرا نیا  
سره مخاخنگیزی داخلکه جی دلتمودتنه

نوی فاش او بیچر را کوی او هر بوده نه  
بیوه کاسه آش راکوی جی دهبونز  
دورخنی آش خجنه تینکه او بنه هم ده .

کله جی آش خوبی بایه نه ورسید  
اردوگاه رئیس زون لید نه دا را خی دامیری  
یو غت او دارونکی سیری نه . سور دنک  
او دما شومانو به خیر بی سره هو سکی  
کیزی العانیان له دیرسورا وزودسره  
دهنه هر کلی کوی .

ماینوس ! ماینوس : وای گستز ؟  
(ماینوس، ماینوس خجنه بی ؟)

ماینوس « دخلو مینه والو سره لا من

وو کوی . دیو نه دیو بشنی به متن ایل کی  
به بسته زبه خواب ورکوی او هن در نه  
ستر سکی هم وهی . دنه سوال او خواه

ور سیلک . هو کی هدله دی بیا هم  
او به تیره بیاد ار دوگاهه دریس ستر کی  
تول حیرا ن کوی نه . « آندره » جی د تولو

خایلو خجنه بی خبر دی ، خو شیبی و روزته  
ماهه واپی سدلنه به بیه مود بنه تیرسته .

زه احسا س کو ۲ جی با ید همه دنگه  
بی خایه شور او زوز خجنه و با سه له هندي  
امله به تیره وازی به خوله کی بند بیان د

خشخاح لیزه مه ودی نه لید جی داردوگاهه  
رئیس خه وویل ؟

-نه

داسی وویل « دای دوچن سیندگوت هی

بر »

-یعنی خه ؟

-یعنی دنه بی آلمایانو باندی پنه

تیر شی .

(نوریما)

خوانه راغلی بیو . شکر کوم چی به تیرو

کی بیو دنگه مسافت داوه گیر بیو  
سا ختما ن ته دی خو داسی بکا ری جی  
مود نه بی انتظار ایستل . بلوك جی دوو

سترو کو تو خفه عبارت دی ددری بوریزد  
چبر کتو تو خجنه دی دی نو بدی تو گه

مود هریو کولایشو جی به خا تکی تو گه  
دیو بود خجنه گهه تهه واخلو دا خبره دقو چه  
ووده او مون هم تو کو لای جی دنگه

مو نو ع باور کرو . دللاک رئیس جی بو  
بو لندی دی خبل خان مون نه مهر فی

کوی خو کو مه مترو که بی به لاس کس  
تشه او هن بی له دی چیزی بو غا ریووه  
خن بیزی او وا بی جیز که دنظام او دهلهین

مرا عات و کرو مون به خوک ونه و هس  
آندره بیه مو سکا سره ما نه وا بی .

سنه خو اصلادغی وضعی به هکله خنه بیهیرم  
یعنی با ید دمترو کیا واسطه درنه

وویل شی تر خو جی بود شی؟

شخلله اخو وضعه داسی حیرا نه نکی  
ده جی سوی حق لری تعجب و کیو .

آندره دیوی حیرا نیا خجنه بلی حیرا نیا  
سره مخاخنگیزی داخلکه جی دلتمودتنه

نوی فاش او بیچر را کوی او هر بوده نه  
بیوه کاسه آش راکوی جی دهبونز  
دورخنی آش خجنه تینکه او بنه هم ده .

کله جی آش خوبی بایه نه ورسید  
اردوگاهه رئیس زون لید نه دا را خی دامیری  
یو غت او دارونکی سیری نه . سور دنک  
او دما شومانو به خیر بی سره هو سکی  
کیزی العانیان له دیرسورا وزودسره  
دهنه هر کلی کوی .

ماینوس ! ماینوس : وای گستز ؟  
(ماینوس، ماینوس خجنه بی ؟)

ماینوس « دخلو مینه والو سره لا من

وو کوی . دیو نه دیو بشنی به متن ایل کی  
به بسته زبه خواب ورکوی او هن در نه  
ستر سکی هم وهی . دنه سوال او خواه

ور سیلک . هو کی هدله دی بیا هم  
او به تیره بیاد ار دوگاهه دریس ستر کی  
تول حیرا ن کوی نه . « آندره » جی د تولو

خایلو خجنه بی خبر دی ، خو شیبی و روزته  
ماهه واپی سدلنه به بیه مود بنه تیرسته .

زه احسا س کو ۲ جی با ید همه دنگه  
بی خایه شور او زوز خجنه و با سه له هندي  
امله به تیره وازی به خوله کی بند بیان د

خشخاح لیزه مه ودی نه لید جی داردوگاهه  
رئیس خه وویل ؟

-نه

داسی وویل « دای دوچن سیندگوت هی

بر »

-یعنی خه ؟

-یعنی دنه بی آلمایانو باندی پنه

تیر شی .

دکاج دونوسره پت شوی دی او دیر لسیری

سنه ته یو شی لرم

سخه شی ؟

یو دانه سکرت .

ساده خومره بنه .

داندره خیره بریتی او واپس .

سخه فائنه لری ، مون نه خود سکرت

خکلو اجازه نه را کوی .

سولی نه ، و موره چی زمود بنه خنک کی

یو روی سکرت خکوی او هیخو که ورته

خه نه واپی .

بنه ده ، تو شروع و کیو .

« ولی » یو پیشنهاد کوی .

حصبره کپری زه داسی عقیده لرم چس

لومهی با ید یو خه و خورو .

یه حیرا نیا سره ورته گورم . دا سنه ده

جه نه مبا نه مونه هموده اوسو میس

چبره را کپری وو . خودگه خوابه اوسنلا

دو خه هضم شوی ده ، سره نه دی « ولی »

یو خوراک هدا سی خوابه دخیل جیب خجنه

را با سی .

و گورم . دادی له گومه ۴۰۰۰.

داد یو یو گو سلاوی ملکری بر خه ده

جه برون شه بی ما نه را کپری ده . یویخ

جاقوله خیل جیب خدراباسی او ده چو ده

یوی به دریومساوی برخو دیشی . ده بی

توبی به آرام سره خورو او پس له هفته

زه او « آندره » دیسکرت نیما یی برخه

خکلو . « ولی » سکرت نه خکوی .

پرخه وخت که « ده » زما نه خوابی .

اویس به دیرنه وی مسود نه یوه

کسے و کیو .

بنه دی و به واپی .

دیری کیس کوو . وخت تیریزی دو

سان زمود بی خیره کوته کسی یونه چه

کو نکی سند ری واپی ، تاول به جرت کس

یو .

• • •

سبه را تیردی کپری . دیوی بر تیپن منظری

به ویاندی تیریزو . داور گا بی دیبلس

دیوی بیچومی خجنه وروسته یولوی سیند

زمور مخن ته راهی جی دیو لوی غر بیه

لن کی خبور شوی ده . دیوی تو نل خجنه

تیریزو او وروسته بیاد سیند به خنپوکی

لاروهه او دیستنده خجنه گرد چاپر مخو .

اور گاندی خیل گیر ندیتوب کمی او ورورسته

با ته کیزی . باید هدله ده وی ، هوابیخ

تاریکه شوی ده ، عوریویو دسا تو نکد

کی رونو به منع کی بسته کپری ، حاضری

اخستل کپری شمیر بوره ده ، بدا من

حال کری جی به تینکه سره زمو ده گرد

جا بیز بی نولی دی دنه خای خجنه خارج

کپریو سینون جی دلکو نو دز تیپ بیه

وخت کی بریالی شوی ده زمود دهی

سره بی خای شی واپی . « مورجنوب لوبیدیخی

تلخون هفه مزی جی بیورته بسته گردل .

ددنه یاد گار یادونه ما دخیل هیاد به فکر

اجوی او تیر یادونه را ژوندی کوی . خو

با ایزی دی داسی بی خواهی ورته بیه

سوچ ونکو . له نیکه هرمه ویل خیل

سر زما خو زده ته تیردی کوی او واپی .

دند فرمان مفو هرمه بی وختمه چس

ستندا مسو را خی . اویس اویس و فمه

دوهره خرابه نه ، دسل کپریو چلو مخصوص

اور گاندی نه بیورته کپریو باینیزیاروبابا

جن یو دبل خجنه بیل نه ، یو بل تیل

وهو ، دتو چه ویخبره داده جی موظف ماورین

جی و هیخ خو گونک نه وعی .

زمه دله هر راز چس و خیل تغیری داوبو

حده وایتل اویول به بو واگون کی مسو

خای ونیول . یو ایخ سینون او زول راخنه

برشیو . بیل شول ، دنوجه ورمه دا چس



را تکان داده و سال پشمین را باید خود پسگشاند  
درین ایضاً (اخیلکا) با خاریت شست بیدار شد و با  
خسب خخر کرد .  
نیکتا باریدن برف را از گلکین بی شیشه  
اطاق سردو تاریک می توانست هماناگند .  
او بالای چوکی خاموش نشسته بود ....  
نژدیک هادر خود آمد . هادر یاعجبت بسویش  
دینونیکتا را بطرف خود کش کرد و جین اورا  
بوسید .

«ایا وقت خوابت نیست؟»

او، نیم ساعت دیگر هم ، لفظاً جازه دهید .  
نیکتا دستش را بر شانه هادر خم کرد . در  
وسطی اطاق بازشده واسکا بشک نهایان گردید  
دش را بلند نگهداشتند بود، قیافه اش بیانگر  
عاجزی و خوبی وی بود . آنقدر به ترمی (میو)  
گردکه بشکل شنیده منش بدون اینکه از کادی  
چشمی را از کنارچه تیرین بردارد پرسید :  
وازیلی و ازیلیوچ، خودت به چه متنظر آمدی؟  
واسکا بسوی هادر فدم زدوبا چشم انداخت  
که نیمه باز بود بطرف هادر دید (میو) گرد .

خاریت شست دوباره خرزد، نیکتا تصویر کرد  
که واسکا از چیزی خبر بود و می خواست آن  
را بلوشان بگوید . در اطاق باشند چیز زد  
و بعد ازان آواز های ای سوت هاندوش به دوام  
دار تنهیم شده بگوش می رسید بعد صدای به  
تلیل شنیده شد، صدای کشیده، آهسته و پف  
هائند .

«آنها آمدند . او گفت .

- خدای بزرگ! هادر باهیجان گفت .  
یقیناً این انا بو لوسوفنا نخواهد بود؟ در این  
طوفان برق ...

چند لحظه بعد، نیکتا که در راه روانی استاده  
بود، دروازه بزرگ نمود بیوش را دید که  
باز شد، یاک ابر بخاریخ بداخل هجوم آورد  
به تعقیب آن یاک زن بلند قامت و تومندی  
که دو بوسنین و یاک شال بر تن داشت و کاملاً  
از برق پوشیده شده بود داخل شد، آن زن  
یاک بجه را که کرتی خاکی با تکمه های  
درخشنان بر تن و کلاه گوش پوششکری  
بر سر داشت با خود آورد . در عقب آنها،  
گا دی ران با دیش و بروت برفی و ابرو های  
سفید پندیده اش در حرکت بود و هر دم  
بوت های نعلی بخ زده خود را بر زمین می  
کوشت و تیز در بغل دختر کی را گرفته بود  
که از سیارش شیطنت و شوکی بنشاهد می  
رسید . آن دخترک سر را بر شانه گادی ران  
گذاشت و بخواب رفته بود .

زن قد دراز و قیکه بخانه داخل شد با آواز  
رعد مانند فریاد زد :

- «الکزاند رالیویتنا ، مهمات آمد!»

دستهایش را بالا کرد و بدور کردن شال

برداخت .

ناتمام

### تصحیح ویاد آوری

باعرض بوزش یاد اوری میشود که  
عنوان اصلی اثریکه تحقیق عنوان یاک صحیح  
افتایی نشر شده «فلولیت نیکتا» بوده  
و صحیح آفتایی هم عنوان یکی از عنوانین  
فرعی آن میباشد نه اصلی .

کبوتران دانه دهد چیز دیگری نمی کرد . چه  
خسته کن ، پدر او، پیشوای روحانی - کدام  
یا درین اطاق بالای یک چوکی نشسته خواهد  
بود و از خستگی نازه خواهد گشید، و همسایه  
چیز طوری نائل می گشید که کوپی دردهمده  
دارد . اوردر سرک بطرف پائین می رفت و همچنین  
نیشخند می زد و والبته لفکش فیرنی گرد،  
آسمان و نور افتاب به خاکی دنگ بنترهی رسید  
نیکتا نوک پستانش را همکدو در چهرا دختر  
پیشوای روحانی بروت رسم کرد . تصویر  
دیگر منقاره شیر بوزوگوک بود .

تصویر دیگر منقاره شهر «بوزوگوک» بود،  
یاک عربه شکسته در کنار جاده و در حوالی  
تلله های جویی یک گلیساي گوچ بینظری خورد  
و باران به صورت مایل ازهابهای تیره سرماز  
بیر می شد .

نیکتا فازه کشید «نیوا» را بست ، بر میز خم  
شد و گوش داد .

از اطاق بالا آواز های سوت هاندوش به دوام  
دار تنهیم شده بگوش می رسید بعد صدای به  
تلیل شنیده شد، صدای کشیده، آهسته و پف  
هائند .

بالای میز دور چرانی در زیریک شیت شیشه  
ای آویخته بود، کسی بطرقدیگر دیوار بینا نت  
قدیمی زده ۰۰۰۰ کله عامی بالای کتاب خم شده بود،

هوایش خاکستری نرم و زیبادو بالای شقیقه

ایش حلقة شده بود، وقتاً فوقتاً هادر بایک

سوزن بالفت ورق می زد - الماری کتاب مطالعه

بایا از جین کتاب ها بربود ، کتاب هایکه

بیوش نصواری داشتند و حاوی خبرهای اروپا

بودند . او هنچ بود که چطور بزدگان اینکونه

کتاب های خسته کن را دوست دارند .

اخیلکا در دامن هادر خوابیده بود خاریت شست

اهلی، بینی هر طوب خوک هاندش را بالای بینجه

ایش گذانسته بود . وقتیکه شب هنگام، مردم

به بستر می رفتند او خوابش را قبل تکمیل

نموده بود و تمام شب در اطراف خانه گردید

نموده بود، پایهایش را بزمین میکوشت .

در تمام گنج های خانه خر خرم گردوهن بیوسید

و سوراخ های موش را جستجو می نمود .

بطرف دیگر خانه ، تانک بخاری بایک دروازه

اهنی دیده می شد و آنها می دیدند که چطرباتش

را برآورخند . اطاق بیوی پلستر گرم شده وزمن

هر طوب را می داد . آنچه در اطاق بالا کسی اشیلاق

می زد .

هادر ! این گیست که سوت می زند؟

هادر ابروهایش را بالا زد اما نگاهش را از کتاب

برداشت سارکادی ایوانوچیک بود .

خط می کشید ، معلوم می شد انتظار همین سوال

راداشت .

وقیکه ما زیست یک چیز بیجان حرف می زنیم .

او با سرعتی که کسی چیزی را حفظ کرده باشد

گفت: شمیر «چه» را استفاده میکنیم .

بو - و - و - سو، صدای یوم از اطاق بالا

آمد .

مادر سرش را بالا کرد، گوش داد ، شانه هایش

نیکتا سرمه را فرود آورده و بطرف او مارش

نمود و با تمام قوی که داشت بر سینه اش گرفت

سیستویکا سرمه را تکان داد . کلاهش را انداخت

و بزدیوی برف نشست .

«اخ، اخ ، تو همین کافی است» او گفت .

پسران کونچان فوراً توفی گردند ، نیکتا

بظر ازها رفت و آنها فرار گردند ، نیکتا

بیوی و فریاد می زد . «هایرندایم ، بچه ها

بر دسته کونچان هاند دیوار ریختند .

نیکتا کونچان فرار گردند تا همه آنها تسليم شدند .

نیکتا دوباره باهیجان و حوارت بد خود رفت

و در چستجوی جنک باشخصل دیگری بود . کسی

اورا صفا زد - در عالم یک نوده کاه ، سیستویکا

ایستاده بود ، نیکتا بسوی او رفت و بینی

به او از سرمه گرد .

برایم یک جواب درست بده ، او گفت:

آیا بیخواهی رفیق داشته باشی؟

البته که می خواهم » نیکتا باعجله جواب

داد .

بچه ها یکی بیگر دیده می خندهند .

بیانید باهم چیزی عوض کنیم » نیکتا

گفت .

«بیانید»

نیکتا برای لعنه فکر گرد که چه چیزی خوبی

را به سیستویکا دیده بود .

را با چار تیغ باواهدا نمود - سیستویکا دستش

را به چیز برد و یک اتفاقی بود سرمه را بر

آورد :

«بیگر آنرا کنم نکنی ، بسیار قیمت دارد»

چطور یک شب تار باخ رسانید؟

دواین شب نیکتا نشست و بیدین تصاویر

و خواندن داستان های آن در مجله (نیوا) برداشت

و لی گفت مورد دلخیسی اش فرار گرفت .

یکی از آن تصویر هازنی را شاند میداد که

بریله دروازه ایستاده و باز و هایش تا آرنج

بر همه بود . گلی را به هایش خود زده بود .

شانه های دودور پایهایش کبوتران نشسته بودند .

مردی که تفکیک بر شانه داشت از عقب یک حصار

بسیار می خنده . چیزی بسیار خسته کن

راجع به تصویر این بود که او نمی دانست چرا

کشیده شده برای توضیحاتش چنین می گفت ،

«کدام یک از شما گبوتر های اهلی راندیده

«کدام یک از شما گبوتر های اهلی راندیده

است ، این رفیق های حقیقی انسان را؟» (نیکتا

قسمت یافی مانده رادر مورد کبوتران ناخوانده

گذاشت . «چه کسی لذت ازداختن دانه رادر

بعضی های افتدند . بعضی هایز ترس فرار

نمودند و با دواز کشیدند وی گفتند:

«شما کسی را که دراز کشیده باشد زده

نمی توانید»

نیکتا ایستاده شد . او از خجالت نزدیک

بود گریه گند . تمام شان نامرد بودند و از جنگ

هی ترسیدند . او ساخت ایستاده مشتش را گره

گردید بود و دید که سیستویکا آن بجه سک

بین و دهن گشاد که کلام بیوست گوستنده بود .

سر داشت بطرف اوی دید .

سال هادرش را بر سرداشت ، بطرف کونچان

یا ۶ نفر بجه دیگر نیز وجود داشتند .

هی ، شما ، یک بوزغا! آنها فریاد زدند ،

مانعک های تان را از بادان خواهیم برد .

نعل بندان خروس چشم ، موش ها رانعل

کشیده از طرف خود میشکا فریاد زد .

قورباغه گل ها ، قور باخه گل ها ،

در حدود چبل پسر بیرون دوطرف جمع شد

و زدنده اما هیچکس علاقه مند جنگ و مجادله

نمود .

نیکتا کونچ

از : داکتر کاهلت

ترجمه : صدف

# آب نیزه چشم هزار گی

آیا میدانستید که انسان روزانه به زیاد تر از دو لیتر آب ضرورت دارد ؟  
 یا اینکه جسم ما دو برسه از آب تشکیل شده است ؟  
 یا اینکه راه های ترانسپورتی که از آنها آب در خون حجره های جسم را تغذیه می کنند ۹۰۰۰ کیلو متر طول دارد (یعنی زیاد تر از دو مرتبه دور کره زمین را می پیماید) ؟  
 و یا اینکه بدون غذا انسان هفت‌ها می تواند زنده بماند و بدون آب صرف چند روز ؟

آب صرف برای شستن نیست، بلکه وظیفه اصلی آن زنده نگاه داشتن انسان است. آب نه تنفس فیصد آب مورد احتیاج خود را تأمین کند. بر علاوه تقریباً ۲۴ لیتر نظر قانون غذایی ما (از نقطه آب که یک انسان جوان ذریعه نوشیدن و خوردن بخود می گیرد، صورت عمومی مهمترین وسیله حیات ما را تشکیل میدهد، و اگر خوب بتر تشریح بد هیم مهمترین وسیله زندگی برای تمام موجودات و زندگی ها.

ما انسان ها زمان قبل از تولد خود را در آب بسر می برمی و همچنان در زندگی بعد از تولید که از ۶۰ الی ۸۰ سال دوام می کند به این ماده کیمیاگری بی رنگ و بویی عزه که از آکسیجن و هایدروژن تر کمی شده است و ما آن را (آب) می نامیم، نیاز مطلق داریم.

بدون غذا می توان نیم در صورت ضرورت تقریباً دو ماه بهر صورت زنده بدم. اما بدون آب و ما بیش از حد اقل تا یک هفته دیگر زنده نمی‌ستیم. یک انسان وقتی می‌میرد که زیاد تر از دوازده فیصد آب وجود خود را از دست بدهد. او برای زندگی به یک اندازه اقلی روزانه یک الی ۱۵ لیتر آب ضرورت دارد. اما یک انسان سالم و جوان باید روزانه حد اقل ۲ الی ۵ لیتر آب بخود بیکرد.

بعضی اشخاص شاید تعجب نمایند که هیچ وقت اینقدر آب نمی خورند. اما نباید تعجب کرد زیرا در آنصولت اگر ما روزانه ۲ الی ۴ پیاله چای و یا قهوه می نوشیم و یا بصورت وافر میوه میخوریم باز هم خوب تغذیه می‌شویم. میوه و سبزی جات چهل فیصد آب مورد ضرورت را در رای ما ایجاد

(بیست فیصد) تبخیر می کند. تا حرکت و فعالیت می آورد. این وظیفه آب را پسند بسیار برای ما بتصویر رت صحیح و واضح علاوه بر آن مواد غاییشه عبارت از ۶۰ فیصد آب است. اما زیاد ترین مقدار آب ذریعه ادرار از بین می رود، (۴۶ لیتر).

جسم ما ۶۵ فیصد از آب تشکیل شده است. این آب، دو برسه حصة آن در حجرات و یک برسه حصة آن خارج از حجرات وجود دارد و وظیفه های مختلف داردند.

- این آب ها مواد محلولی برای نمک، تیزاب ها و مواد غذا نیز می باشند. مواد مورد ضرورت جسم ما هنگامی که در آن حل شوند آنوقت مورد استفاده قرار گرفته و مفید می باشد.

## آب وسیله انتقال است:

تخیلات عجیب و یاد فرا موشی می سازد ده فیصد کم بودن آب خلل دوران خون را به وجود می آورد. اگر دوازده فیصد آب وجود انسان کم می شود، در آن وقت مسرگ بسراح ها می آید.

در صورت خطر کم شدن آب وجود که ذریعه عرق کردن مبالغه آمیز و یا کم گرفتن ما یعات و یا ذریعه مشکلات معده و یا روده که همواره دو چار استفراغ، تهوع و یا اسهال می گردد، غلظت نمک در خون زیاد می شود. در آن صورت مرکز قر می ندهی (مغز بقیه در صفحه ۵۳)



بدون آب ادامه حیات برای انسان و هر موجود جه غیر ممکن است

طراح میگردند.

برای عضویت خیلی ساده می‌گردد . زمانیکه الکول از طریق فمی - نماید تا استیک اسید را بعد از تبدلات کیمیا وی بدون آنکه به سمت ابتدایی امعا به بسیار سرعت جذب میکردد . و شخص در صمد لکول گرفته شده فقط در یک ساعت ول درین نواحی جهاز هضمی جذب میکردد . و بعد از مدت یک ساعت تمامی الکول گرفته شده جذب میکردد . البته بعد ازینکه الکول گرفته شده جذب کرد ید دا خل جریان خون می‌شود . و به اینتر تیپ در تما می‌نقاط عضویت تقسیم میکردد . مگر اینرا باید بخاطر داشت که در صورت وجود یت مواد غذا یی (بالخاصه سیر) در معده در میزان جذب الکول استحالت شحمی میشوند و تجمع اسید را در میان این مواد می‌نماید .

با یه گفت که نود در صند الکول  
جذب شده تو سط حجرات کبدی  
عضو یت که در حال عادی درین  
تخر یه میشود . وده در صد با—  
حجرات سا خته میشود میگردد  
قیمانده آن بدون کدام تغییر و به  
عذان الکار از این تواند که ا

حال اولی اش تو سط ادرار، عرق و تنفسن بخا رج اطراف میگردد. الکول هر گز در عضویت ذخیره شده واز همین باعث صرف مقدار زیاد الکول چون بار اضافی با لای کبد نهاد شته میشود.

اینرا هم باید دا نست که میزان امرا ضن کبدی تخر یب حجرات  
صعده فوری الكول درخون و تخریب عصبی و حجرات عضله قلبی را نیز

سریع ان نوست بد و اصراب ان باعت میشود .  
توسط ادرار ، عرق ، تنفس نظر به باید گفت که تخر یب حجرات  
شخا ص انفرا دی و گروه های کبدی از اثر اسید الدهیها یند  
اختلاف فرق میکنند چنان نچه در اثر استخراج شیر و خرسن و قن

حقیقاً تیکه در ینمورد صورت گرفته از اثر استخاله شحمی در یافت گردیده که عضو یتیک حجرات کبدی باعث سکته قاچ زده تند بـاطـاء

سیکیمو ق در به تعریف و اصرار  
نصف آنقدر الکولیست که عضویت  
درین عضو حیا تی (کبد) میگردد.  
ک شخص غیر اسکیمو قا در به  
و به اینتر تیب آهسته آهسته تخر.

نخرب افست . بیان نسجی و مر گ حجرات کبدی

شاید بزدن سوادی پیدا شود اکتشاف یافته تا بالا خره باشد  
که اکنون حکم قوه سلطنتی که متخلف است

لهم ادعوا چنین و موضعه بتدعو بحسبى منك شخص معتمد به الكول مسى

مراض کبdi مشود؟

هرما لیکول الکول به کاز ها- آنکه در صرف الکول سایر چندین

بدرוגن و یک ماده کیمیاوى دیگر شاند، اعراض منصب نزد -

له امید الدینها یهادنامیده می بدانند که تائمهات سنه ای: ماده

نحو د تجز یه میشود، نظر بمقام و مت عضو بت شخص و

عد اسید الدهیاٰ حاصله نظر بمقدار الکول که روزمره

یک تیزاب عضوی که استیک اسید تو سطح شخص گرفته میشود فرق

ام دارد مبدل میشود. بالاخره تیزاب میکند ولی حتمیست که دیر یازود

ضوی احیر به کار بین دای - اعراض مرضی نزد شان تظا هر

لسا يد واب مبدل می گردد : که کرده بلا بی دا بر سر ایشنان  
کار نه دای اکسما نه آب که

ببته ۵۰ بن دای استا ید واب نه خواهد آورد که چاره جز فناو  
حصه لات نیا در اند بالته بیت از

تسلیم بمرگ نخواهد داشتند.

گروه علمی روزگاری باستانی ایران

تاریخ علمی زاد

# الكتاب

همین حالا در ایالات متحده امر یکا در حدود هفت تا ده میلیون نفر مبتلا به الکو لیزم (استفاده از الکول در موقع معین بطوروا فر و به شکل اجباری) است. باید گفت که الکول بالای کلیه ساکن زندگی بالغه ارتباط اجتماعی، برخوردهای ذهنی، فعالیت‌های اجتماعی و هم‌وظایف عادی روزمره شخص معتقد به الکول تأثیرات بسیار دارد.

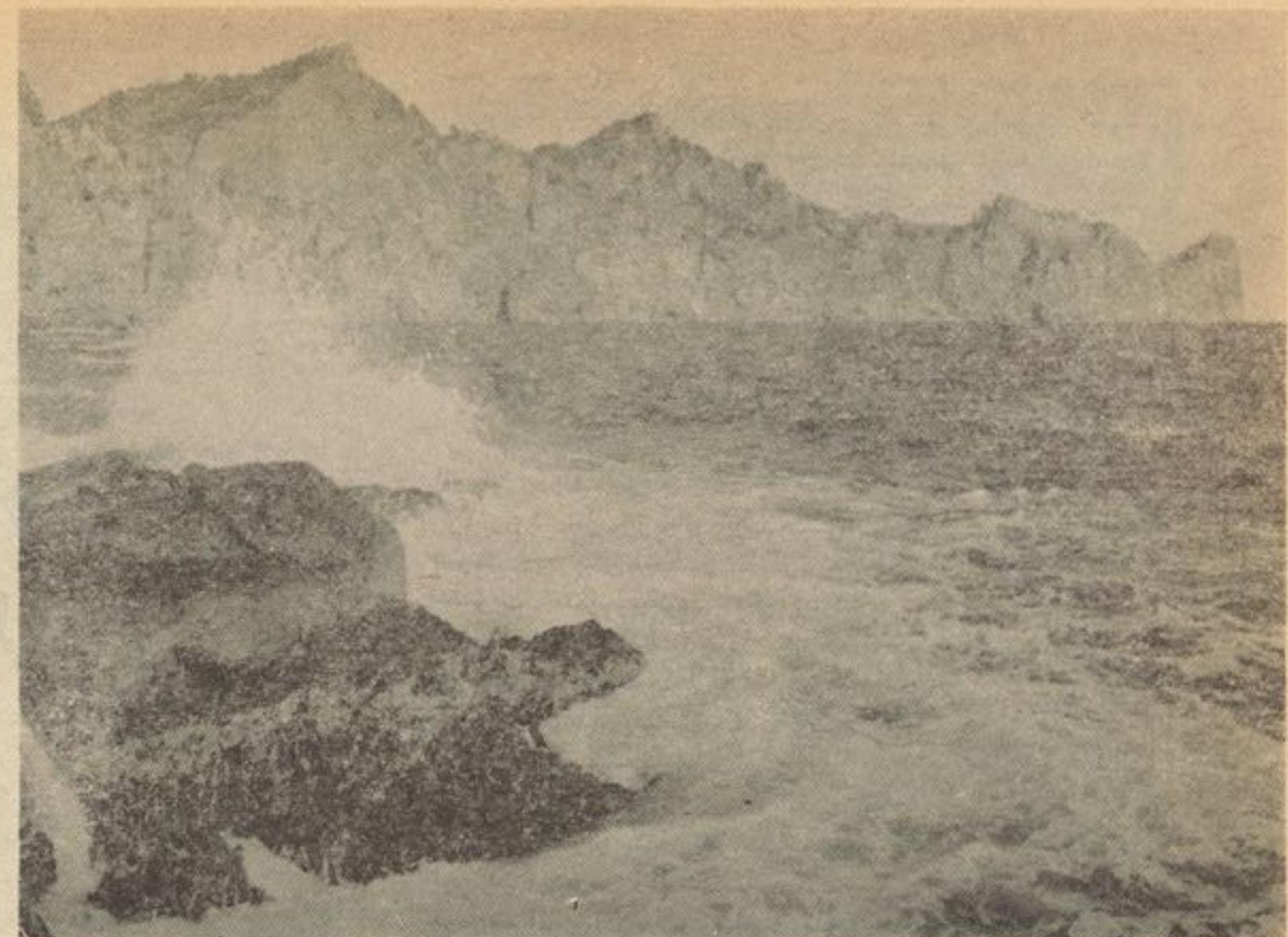
از زمانهای خیلی قدیم جهانیان به این حقیقت پی بردند که الکول بالای کلید تأثیرات سوادگاری شته و با عنصر ضمی شدن این عضو

باید گفت که الکول از نظر  
کیمیا و دارای انواع مختلف بوده  
مکر الکول که بطور مشروب رواج  
دارد عبارت از اینا یل الکول می  
باشد. وهم باید دانست که مشرب  
وبات الکولی به فیصد یهای مختلف  
تبیه و آما ده صرف میگردند. مگر  
نمودن از طریق فمی صورت می  
گیرد مگر میتوان تو سط انشاق  
بخارات آن نیز از آن استفاده نمود.  
چنانچه مرگ و میرها متعدد  
ناگهانی در فا بر یکات تو لیدی  
الکول از اثر انشاق آن نیز گزارش  
چهانیان پوشیده هائده بودودرین  
اوخر کشف گردیده عبارت از تأثیرات  
سوء الکول بالای آن عده اطفال نوزاد  
است که مادران شان در حین حاملگی  
مشروبات الکولی صرف می کنند.  
در طی تحقیقات اخیر دانشمندان طب  
۱۳۹۰، ۲۶ نهمین جلسه همایش  
علمی تدبیرهای پیشگیری از میگردد.

• عرض اجرا فرار دادند •

دیگر، زمین های خشک و باری، قلبه گردید  
راز آن هزارع سبز و پر حاصل بوجود آمد، غرس  
اسپیتار به سیمهانه زیاد صورت گرفت و از  
آبی های زیر زمین استفاده بمول آمد، جریان آب  
در راهها بیرون یافت، بندهای آب گردان و سند  
های ذخیره آب، جدیداً اعمار و احداث گردیدو  
ساحات وسیع اراضی تحت آبیاری فرار گرفت  
و حاصلات زراعتی رویا فرایش گذاشت •

در هفت سه تا چهار سال، بعداز آزادی  
کشور کوریا از نگاه مهاد خوراکه، هنگی بخود  
سد، اگرچه که قبل از آن مردم آن سرزمین  
مشکلات غذایی فراوانی داشتند • همچنان در  
دهان سالیانی نخست آزاد شدن کوریا از جنگی  
استعمال سطح زندگی مردم بلندرفت ویسمازی  
اکثر مردم گوریا را، شادی و سرور فرا گرفت،  
بعداز سال ۱۹۵۸ کار ساختمان طیعت به  
سرعت و به صورت موثر ترددی دست گرفتهشد  
و بکار گران و زحمتکشان، نسبت به کاری پر نمر  
و خلاق شان، ارج و ارزش فراوان گذاشت  
نمود و بدین صورت سوسیالیزم در آن کشور  
تفویه گردید •



کوه های زیبای سواحل چلچو

ترجمه: زهدی

نویسنده: آیون جی

## ۵۰ از طبیعت به نفع مردم

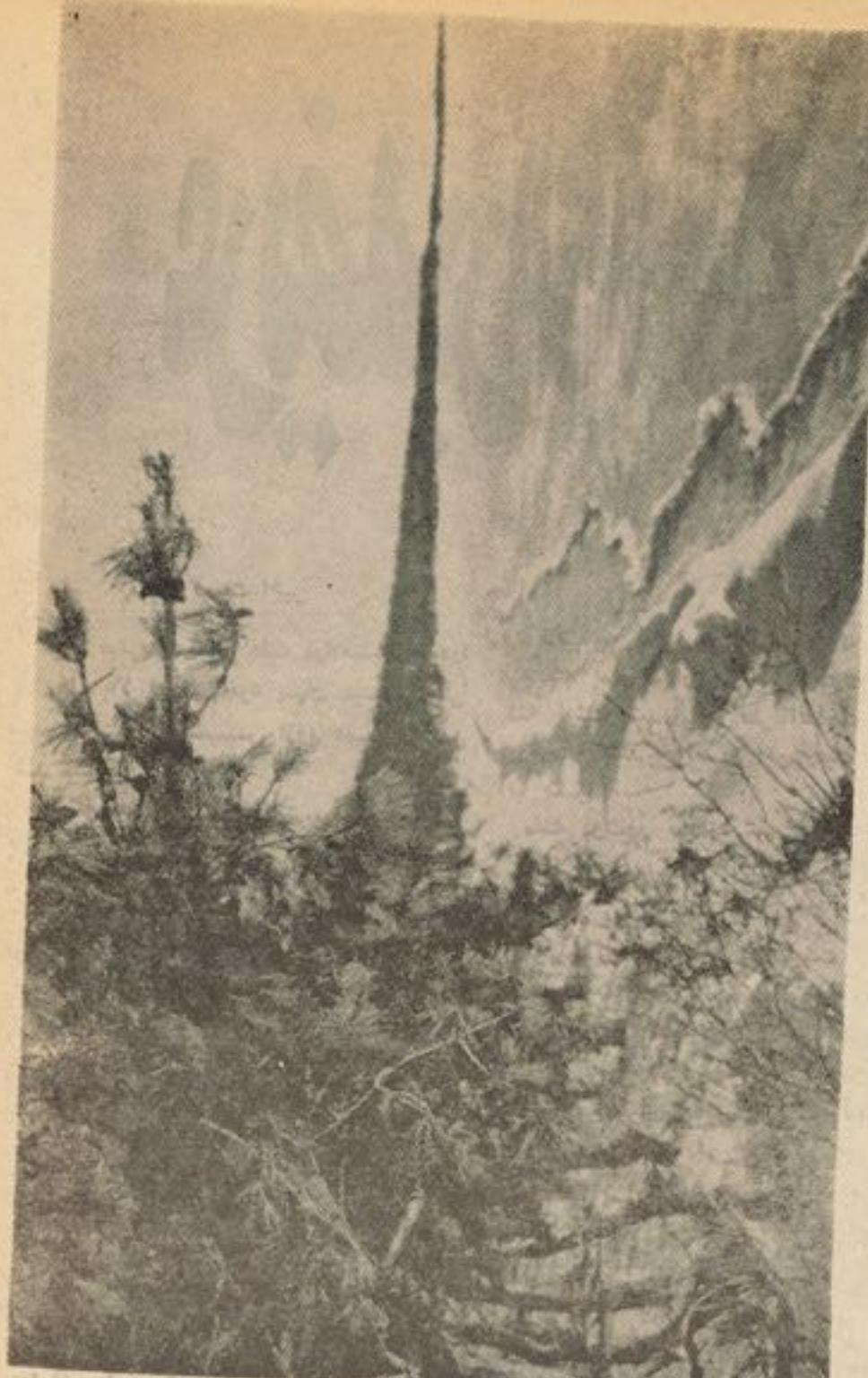


این یک نوع برنده زیباست و در کشور کوریا مورد حمایه قرار دارد زیرا از آن در تحقیقات علمی استفاده به عمل می آید •

طبیعت ذخایر و تروت های سراساری، به مجموعه جوکوریابی ها، از طرز استفاده از منابع زمین بود به گذاشته است. اما طبیعت نمیتواند طبیعی اطلاع نداشته باشد. کوه روت بیکران خود را، طبق میل و آرزوی مهاجمین جنگلات کوریا را قطع نمودند. کوه انسانها هفت و رایگان در اختیار آنان قرار گذاشتند. این هر بوط و متوط به شیوه اندیشه و معیار کار این هر راهی گردانیدند و اراضی مزرعی آنها را خاره و گزنش، انسانهاست که خطرو و گلکونه میتوانند و بنابراین حیوانات وحش و طور باقی نگذاشته از گنج های که در سیستان زمین نهفته است، استفاده نهایند. غر کاه ذخایر طبیعت به صورت صحیح و درست ناشدنی طبیعی در اکثر حصص آن کشور وجود چمایه و کنترول گردند بشر میتواند به تروت داشت ساکنان آن از بیوست درختان و ریشه های کران دست یابد و از آن استفاده نماید در جبویات استفاده می گرددند. استعمال چنان تروتمند، با استفاده زیاد، هنایع طبیعی، کوریابی هارا، تباہ گرددند، آنها بینهای جویی میکرندند که طبیعت را قابل استفاده می سازند اما حقیقت این بود که هنایع طبیعی را ازین برندند.



دیگر امکان پذیر نیست. مگر در کشور ویا بلی! سرزمینی که، در آن غریب در جهت بیرون شرکت کرده سبب روزه صروف خدمت گردیدند جمیعت و مردم مورد استفاده فرامیگیرد. بعداز آنکه کوریابی ها، استقلال شان را، از زیرا درک نموده بودند که نوسازی کشور شان ابریالست هایدست آوردند بیرون های ساختمان و استفاده بهتر و معاولا نه تر، از هنایع طبیعی بجدد استفاده نهایند تا برای مردم شان، معمول استفاده نهایند. باشند این آرمان، در حقیقت کشور شان شدن این آرمان، میتواند خودش بخوبی معرفی شوند و خوشبختی باز آورده باشند. این آرمان رفیق کیم ال سوتک طرح گردید راه بر تروت و قدرتمند می سازد و آنها را به خوشبختی



بدید اوردن اراضی مزرعی از ساحات تحت مد و چند توسط تکالویی جدیده آشین های  
عصری در کوریا صورت گیرد

کوهستانی باید به صورت مرتبه دار ساخته و ترتیب مواسی به صورت اساسی صورت گرفت  
شود و شالی کاری باید منظم و به شیوه نوین و با بدید آمدن صنایع هربوت بزرگت بسرعت  
صورت گیرد . زمین های که حاصل خوب نمیدهند پیشرفت گرد و کارهای شاکه از دوش زارغان  
اصلاح و تقویه شوند . جنگلات احداث و آب دور گردید .

هاز خبره گردد . کار های صورت گیرد که از مبارزه با طبیعت یکی از اهداف مهم کوریا بیان  
سیلاب ها و باران های شدید و خسارات آن هادر جبت ایجادیک جامعه مرغه و شادمانی باشد

جلو گیری بعمل آید .

وجای شک نیست که بگوئه ای که گور یا پیش از اراضی ساحلی ، به پیمانه گزیدی تحت زراعت  
هادر کار نوسازی کشور شان موفق شده اند درین آرزوی شان نیز پیروزی حاصل خواهند  
درین گزید . هر گاه این پالیسی جامه عمل بپوشد ، زیر بنای تولیدات زراعتی ما بپتر و  
نمود .

متوجهتر گردیده و توان کافی بیدا خواهد گرد که سالانه ده میلیون تن غله تولید گند و در عین  
طبیق شعار از دیاد حاصلات در سراسر خاک

حال از اسیب گزندسرهاده امان باید تازنده باشد .

هوای گوارای نشای کشور کوریا را ، فرانشیزه و در مزارع طلبانی ، که سراسر کوریا را ،  
شود .

این عمه فعالیت های معقول و هوی درجه است از ساحل غربی تا قسمت های شرقی ، فراگرفته  
تقویت و دگر گونی طبیعت ، مناظر کشور کوریا خوش های برجوز میوه های رسیده خیلی فراوان  
را نیز دل انگیز تر و شاداب تر گردانید و نهر ها نگریسته میشود .

و دریاها ، بدل انگیزی جریان بیدانمودند و تزیید حاصلات در شهر ها و دهات ، گسترش

خطوط آهن عبور و مرور گشتی های ما هیگیری  
با رویکار آمدن نظم و ترتیب درست و عملی

در کار زراعت ، در گلیه اراضی شالی کاری  
از ماشینی و مواد گیماوی استفاده بعمل آمد

که ناسی از خشک سالی و یا سیل از بر گردیدن  
سیلاب هاست مواجه میباشد . اما در کشور  
کوریا بر علاوه خشک سالی و سیلابها حتی از  
سرمهای شدید نیز موقوفه جلو گیری بعمل آمد  
که همه ساله حاصل فراوان بودست می آید .  
چنانچه در سال گذشته آن چنان پیروزی بزرگ  
در زراعت نصیب کوریا بین ها گردید که در  
نتیجه آن بیش از هشت میلیون تن حبوبات  
بدست آوردند .

باتر این نوع کارهای ثمر بخش و عرق دیزی  
های ارزنده ، وضع زندگانی مردمان کوریا ،  
بطور مستدام ببیند می باید و بیش از بیش حیات  
آنها با خوشی و آرامش توأم میگردد .

حزب و حکومت کوریا ، در گلیه فعالیت های  
شان در قسمت ببیند وضع زندگی مردم ارزش  
و اهمیت زیادی قابل می باشند . چنانچه درین  
اواخر پیروزه های زیادی را طرح دیزی نموده اند  
که تطبیق پروژه های مذکور بیش از بیش بمردم  
کوریا افتخار و سعادت خواهد بخشید .

رهبر بزرگ کوریا بیان ، کیم ال سونگ چنین  
اطیار میدارد :

(زراعت عموماً منحصر به طبیعت و موقعیت  
چغرا فایس است واقلم روی آن تائیر گلی دارد  
و این یکی از وظایف کمونیست ها می باشد که  
طبیعت را تحت کنترول خود در آورند و از آن  
در اثر روی کار آوردن اساسات معقول تولیدی  
که اقلیم نتواند آنرا متأثر سازد ، استفاده  
معقول و فراوان شماید و برای مردم همه شرایط  
مساعد زندگی را تامین نمایند .)

چا خرس گردید و سیستم آبیاری ، به شیوه

عصری و علمی به پایه تکمیل رسانیده شد و

هر کزی ماه اکتوبر ۱۹۷۶ پالیسی پنج فقره ای ،

سالی کاری آغاز گردید وزیر بنای مستخدم

استفاده معقول و همه جانبه از طبیعت را ، طرح

این کار هادر اطراف واکناف کوریا ، مناظر

ریزی و شیوه های رسیدن باین هدف را ، در

زیبا و دل فریب بوجود آمد و گلها و بوته ها و

آن تعیین نمود . طبق این طرح ، آب برای

زراعت در تمامی اراضی با بر وحش سطوح

اشجار فشنگ و زینتی روئیدند و قد افراشتند .

امروز اکثر کشورهای جهان ، در بحران غذایی هر نفع و کوه ها باید رسانیده شود . اراضی



باشه ای که به تن درخت نشسته است

درین مبارزه کار های دسته جمعی خیلی

سودمند واقع گردید و به چهانیان و آنود گردانید

که کوریا بیان ها ، از روح سرشار مبارزه جویی

و استفاده گردن طبیعت به نفع کشور و مردم خود

بر خوردار بوده اند .

در کشور کوریا ، در هدت خیلی کوتاهی ،

طبیعت شکل دیگری بخود گرفت و بند های آب

کردن جدید ، سدهای خرد و کوچک که شمار

سان به هزار ها میرسد . کانال های آبیاری

علو ده ها هزار کیلو متراً صد ها هزار ، اعماد

واحدات گردیدند و همراهی ساحات اراضی زراعی

تحت شبکه آبیاری فرار گرفت . در پهلوی این

ساخته ای آبیاری ، کارهای اصلاح در یا ها

به پیمانه و سیعی صورت گرفت و اشجاریکه ارزش

اقتصادی داشتند توسط اکثربت غرد ، در همه

جا خرس گردید و سیستم آبیاری ، به شیوه

حرب کارگر کوریا ، در جلسات عمومی گمته

مرکزی ماه اکتوبر ۱۹۷۶ پالیسی پنج فقره ای ،

تولیدات زراعی گذاشته شد . عزمان یانجام

ریزی و شیوه های رسیدن باین هدف را ، در

زیبا و دل فریب بوجود آمد و گلها و بوته ها و

آن تعیین نمود . طبق این طرح ، آب برای

زراعت در تمامی اراضی با بر وحش سطوح

اشجار فشنگ و زینتی روئیدند و قد افراشتند .

آهوهای کوه های چلیوسان کوریا که روز بروز بیشتر میشوند

# گلستانه برای امانت

قسمت اخیر

- به بادشاهه بزرگ!   
 - اگر وقت آب دادن است یا نیست شما  
 باید امر را اجرا نمایید مقصود زمین او آب  
 دهن کتاب به یک خنده استهزا آمیز  
 بخورد.  
 - بسیار خوب... اجرا میکنیم. ملک  
 یک چیز نمی راند و گفت: حالا یک جواب آمد و از طریق دفتر  
 سما همین حال بدشت کلان بیزد به  
 نائب الحکومتی.  
 - جواب عرضه من؟ از جانب شاه بزرگ  
 از خود حکمفرمایی نداشت. چه تو شنه؟  
 چیراً بچشم گفته بسرعت روان شد  
 برو و قدمیم را بیار.  
 - نو شنه که بر عیت او آب باید داد  
 بولیس پهلوی بخاری ایستاده بود. ملک  
 ذوالقدر کاتب و چهار میزد به ملک  
 زمینها بیرون رفند. رفند که زمین غارض  
 را آب بد هند. عریضه در تابستان یار  
 سوقش را تکفته. که در تابستان یار  
 شده بود و امر اجرای آن در زمستان رسید  
 و باید امر اجرای آن را زمستان رسید  
 - حالا از من چه میخواهید؟ خودم بفرمایش  
 استم و روی زمینم بر فراز افتد!  
 - میخواهیم امر بادشاهه را اطاعت کنیم  
 قدیم نزد ذوالقدر رفت و به کرامه  
 از او بر سید؟  
 - ملک صاحب... چه میخواهی?  
 آفتاب در سطح آسمان بود. بر فراز ای  
 روی زمین چنان میدر خشید که چشم از  
 روشش آن کور میشد. باد سرد زمستان  
 مثل کارد روی و دست آدم را می برد  
 ایشانی که روان بودند دست عای خود را  
 بد هن نزدیک گرفته و کف می کردند  
 هنوز از نهر دور بودند. ملک جانب زمین  
 های قدیم روان بود. به های بینه خشک  
 و بیزمرده از زیر لحاف بر فرمولون میشدند  
 یک کمی دور یک بیل زمین کو بیله شده  
 بود.  
 هر سه نفر ایستادند. گوش و بینی  
 شان از شدت باد سرد زمستان سرخ شده  
 بود. کاتب بیچاره از خنک دست های خود  
 را دندان میگرفت. ملک ذوالقدر به یک  
 چیراً امر کرد که آتش بکند. بیچاره  
 رفت و به های تر راجمع کرد و با هزار  
 دود و چف ویف آتش را در داد. اینطور معلوم  
 میشود که کاتب بیچاره از خنک زیاد  
 بود.  
 میخواهد در بین آتش درآید. هی میگفت  
 - حالا چه میخواهی؟ کجا میروی؟ چه  
 میگذری؟  
 - زهمنت را آب میدهم  
 - درین زمستان  
 - بلی... در همین زمستان. امر آن برای  
 ما همین حال را میمیده و در حکم تابستان  
 وزمستان ذکر نرفته.  
 قدیم به دست های خود تلف زد و  
 بیل را از زمین کشید و گفت:  
 - برای اینکه بر تو قب کرد با شهادت  
 در همین زمستان حائز هستم که زمین خود  
 زهمنش در آب غوطه میدهیم. همه همه...  
 و گفت: تو عجیب حیوانی هستی گما همی  
 میر آب میشوی و گناه ملک و در در دوچال  
 ما دهنا نبا را اذیت میگذری.  
 چیراً سی سرش صدا زده: حالا چه غرور  
 که درین خنک اینقدر بر میگویی. برای  
 آب عریضه کردی، حال آب میگیرید در  
 بلی... بعد از یکه کدام چیزی سرش  
 تا بستان ندادند که بروای میگند حالا در  
 آمد مدت طولانی در بستر ما نداشت.  
 زمستان مید هند.  
 قدیم نزدیک شده میر گفت کاتب  
 دقت چا ت او میدید و گفت:  
 - سقی معلو م میشود که بیچاره از یک  
 مر یعنی طولانی بر خاسته باشد.  
 آب عریضه کردی، حال آب میگیرید در  
 بلی... بعد از یکه کدام چیزی سرش  
 تا بستان ندادند که بروای میگند حالا در  
 آمد مدت طولانی در بستر ما نداشت.  
 زمستان مید هند.  
 قدیم بیش آمد و چائی ملک ذوالقدر  
 تند نداد. کاتب کاشد را ارجیب  
 خود کشید و برسید.  
 - این عرضه نیست؟  
 - بلی کاغذش عینی میخورد بود خطا کشی  
 داشت. سما امر را اطاعت میگنیم و زود اجرا  
 میگیریم.

کاتب به یک سطر نو شنه که در کنچ  
 نر یشه بصورت اریب یعنی کج و یسک  
 بغله نوشته شده بود نظر الداخت. حتی  
 موبهای بست دستش ازدواج همه و ترس  
 بلند شد.

میگوییم آنرا باز کن... من میگویم  
 باز کن و بخوان.  
 - نخیر عاصی... خود تان باز کنید.  
 ملک ذوالقدر با کت را مگرفت. کاتب  
 گرفت خود را بیش کشید.  
 و گفت:

تار را همراه چاقو قطع کنید و باز  
 میز لاک را پس کنید.  
 - چرا هم را پس کنم؟  
 - بدون آن مکتوب باز نمیشود.

سویاً چکنم؟  
 - باز پاکت را باز کنید.  
 ملک ذوالقدر چاپ بولیس که خود را  
 نزدیک آتش گرم میگردید پرسید:

- یعنی بگوی که این مکتوب را باز  
 میتوان یا نه؟  
 - باز کنید. تقریباً این بولیس مثل  
 این مکتوب بسیار مکتو بیا را برده و دیده  
 بود که گیر ندان مکتو ب، آنرا  
 باز میگفتند بولیس از پس خنک خورد و بود  
 دستهای خود را بیم میماید.

کاتب دفتر ملک بیک گوش نمیشود  
 ملک ذوالقدر اذکری لرزید پاکت را بدست  
 گرفت و ازین آن یسک کاغذگشید.  
 و باید میلی جانب کاتب دیده پرسید:  
 میتوانی اینرا بخواهی؟  
 کاتب آن را بدست گرفت و نظر الداخت  
 و چهار اش تغییر نمود.

و افشار داشت:  
 - یک شکایت است. عریضه است.  
 - از کجا و از کی؟  
 - از قدیم علیم او غلی. واژ جا نبخود  
 بادشاهه بزرگ است که به نایب الحکومی  
 ارجاع آن اطمینان ندهید. صرف بینید  
 هیز آب از جای خود بالا پریده  
 پرسید: چه نو شنه است؟

نوا شنه که ببه ها سوخت. آب  
 ملک صاحب! چیزی نتو میمید. امر  
 مقامات عالیه را اجرا کنید.  
 - چیز دیگر نیست؟  
 - نی.

در باره اینکه ها اورا به نهر انداخته ایم درباره زمستان کدام عریضه بدهد و شکایت  
 کند یا کدام مطلب دیگر را بیش کند باز  
 نی. تبا آب خواسته است.

# حمله قلبی ۰۰۰

- خون تان نباشد فرا مو شن گردد .
- ۱۴ - از قلت تان محافظت کاملی کنید و هفته وار در زیر معاینه داکتر قرار گیرید . بادا کنر فا میلی در تماس باشید از بلعیدن خود سرانه حتی قرصی های مسکن جدا پسر- هیزید .
- ۱۵ - وبالاخره یقین و اعتماد کامل به روش های وقا یه بی داشته باشید ، به امید سلامتی جسمی ، روحی و قلب بزرگ شما .
- شیوه سر حال باشید و غم و اندوه را از سلول های تانرا فرا گیرد .
- ۷ - از مواد خورا کی متعادل استفاده بپرید . از گرفت غذاهای اخصله روانی و (آموزش خودآفرین)
- (حساسیت) دار ) انرژی زا استفاده نمایید .
- ۱۱ - از کار زیاد جسمی و دما غی بپر هیزید .
- ۸ - استراحت و خواب کافی دریک ذخیره نمای انرژی رول خوب دارد . ویروسن نامید و هرج مرج رو حی ۹ - بو تل مشروب را دور بیا راسر کوب کنید .
- ندازید تا خورد شود . بیشتر ازین ۱۳ - آز مایش ما هواره فشار

باقیه صفحه ۴۸

## عریضه بوای آب

سینه ... یا هرچه بینخواهی همانطور سدیوا نه ... یا هرچه بینخواهی بود . فقط اسکلت بود که راه میرفت بوسنی .

- چرا ترا چه شد ؟ چرا میلرزی برد ستخوان کنیده . معینا با بیل خودنی برید و آب بخ ده را جانب نمین خود را برید . آب با لای برق جانب را نماید .

ازدیک آتش نشست اما گرم نشد . سرعت حال خود را خرابتر می بایست .

بعد سه روز بیهم بیحال و بیهوش افاده هیچ چیز مغایر واقع نشد . نه شربت آلو با لو و گلاب من که تو کیز تیار کرد و نخیر ... من هشت نازمین آب بخورد .

خون گرفتن راهم تو کیز ، خانم انجام داد . کسی دیگر نداشتند . شب سوم اندک بیوش آدم اما خیلی ضعیف بود . در حالیکه بچراخ کنار بستر خود خیره شده بود ، به آهستگی گفت :

- تو کیز ، او تو کیز بسرو نزدیکی از چبراسی را امر داد که بنه ها را جمع و آتش کند آتش رو شن شده آفتاب در عقب ابر پنهان گردید و آخرین گر می خود را از قدیم در بین نمود . باهایش تر شد . در دگرفت اما جانب ذوالقدر نرفت که از آتش او گرم شود . او آدم ظالم بود .

قدیم با زیل خود را گرفته و آب را طوری جا ری ساخت که به هر قسم زمین بود .

ذوالقدر باز چبراسی را امر داد که بنه ها را جمع و آتش کند آتش رو شن شده آفتاب در عقب ابر پنهان گردید و آخرین گر می خود را از قدیم در بین نمود . باهایش تر شد . در دگرفت اما جانب ذوالقدر نرفت که از آتش او گرم شود . او آدم ظالم بود .

آفتاب بر فراز کوه ها رسید . ذوالقدر به کاتب گفت که را ببور بتو رسید و هم کند . او دهنه نان را اذیت میگردد . اما زمین داران بزرگ ، بولیس ، حاکم ،

نائب الحکومه و تزار را سجده مینمود .

فع او در همین بود .

ذوالقدر و کاتب و چبراسی به قریب آمدند . قدیم بعد از چند کار خرد و ریزه دیگر از زمین بخاله بر گشت . میلر زید . بیل را هم در همان گوشه الدا خت که زنجیر را افدا خته بود . تو کیز را صدا زد .

- آخر جواب عرضه آب رسید .

خوب شد .

زمین من آب خورد .

دیوانه شده ای . درین زمستان زمین را آب دادی . برق روی بنه های پنهان است .

جه گفت قدریم ۹۹... نفس قدریم به سختی میر آمد . به شماره افاده به مشکل گفتار خود را نوام داد و نگهان با ناله بلند افرا کرد .

- بگو که بتویسید ... هر چیز را بتویسید و بعد ... نا له اش خا هو ش شد . آوازش بر آمد .

بیخواست دست خود را بلند کنند . توانش را نداشت .

چشم از تو کیز جدا نمی شد . تو کیز با زوی خود را روی زانوی خویش مانده و طرف شوهر بیچاره خود میدید .

نا گهان از جای خود چید و از اطاق بیرون دو یده با آه و ناله به همسا به ها صدا کرد :

ساوه همسا به ها ... او رفیقان ... دوستان ...

قدیم دیگر نفس نمیگشید ، مثیله نفس آخرین خود را کنیده بود . چشم از بیک نقطه دوخته شد . شاید در گوشش چت اطاق انتظار که عرضه آب را بان جوای برو و بی انتبا که با و میداد لد . به نظر ش جلوه میگرد .

عرضه که در تا بستان قدیم شده بود و اهر اجرای آن در زمستان رسید . و میر آب ظالم ، که ملک قریه شده بود آب راروی برق ها رها کرد تا امر مقامات عالیه اجرا شده باشد .

(خانمه )

باقیه صفحه ۳۴

## دو دهها

حدقه ها در زیر نورچراخ تیلی روی این جمله ایستادند : اگر دوست نداشت شاید آنقدر اراده داشته باشیم که جز به خیالت به چیزی سر خانه چلم را خالی کرد . دستش را به طرف دستمال گل سبب دراز کرد . آنرا گرفت گره اش را باز نمود . چشمان خسته اش با این نامه بی چار لایش می دیدند . اینها سوغاتی ناگهان صدای شکستن سرخانه چلم با چار خانه اش سکوت شب را شکست . حرف های که ترکیب (اراده) را داده بودند هر تپ شدند .

از آن روزی به بعد دود هایه طرف آسمان رفته تا پیدید نمی شدند . دیگر چشمان جعفر هر روز و آنرا باز کردند . چشمان اوروی خطاهای خزیدند تا خاطره های خویش برای جعفر باشند . ناگهان

های گونه گونه به جا گذاشت .

انگشتانش بی اراده به طرف خطش دویدند و آنرا باز کردند . چشمان اوروی خطاهای خزیدند تا خاطره های خویش برای جعفر باشند . ناگهان

بیما ری های قلبی در امر یکا و کانادا شاه بزرگ از اثر مصرف بیشتر بیر و خورا کی های بریان شده گراف بیما ری های قلبی نیز تزیید یا فته ایست زیرا این منوال می تو ند بر بار مینو اسید هادستبرد بن ند . و معاوضه مواد آنرا تبلیغ میگردند . بیماری های قلبی ناشی از انواع ناجوزی روما نتیزم در کشور های کمتر دارا عمومیت زیاد دارد و به حمله قلبی و بالآخره مرگ منجر میشود .

بیماری اسکمیک قلبی همراه با افزایش فشار خون زیاد ترین رقم بیما ری مخوف قرن را می سازند .

درین بیما ری بعد هار تیمای قلبی نیز ظاهر میشود . امرا ض اسکمیک قلب خیلی درد ناک است و حس می شود نوا ری با فشار هرچه تمام تر قلب را به تنگنا میگیرد . که بالا خره به اسر نر سیدن هوا در قلب به اتفاقات کتوس می کشا ند و مر گت ناگهانی وزود رسن بد نبال دارد .

واقعات اتفاقات کتوس می بعد ازدو ساعت از ظهور علاج آن آنقدر خطر ناک است که به مر گت می کشا ند .

تصویرت خلاصه :

عدم تعادل در گرفت مواد خوراکی اعتیاد به سکرت و مشروبات کالولی عدم قعلیت های فزیکی ، ناهنجاری و هرج مرج رو حی و عصبی همه بیماری - گراند و همچنان اضافه وزن ، بر خوری ، افزا یش چربی و کلسیترول در خون و مواد خود را کی (گو) شدت چرب (فعالیت بیش از حد فزیکی عوامل بیما ری زای ردیف دوم اند .

وضد حمایه قلبی ...

۱- اینکه بیمار باید بدند که بد رسمی درمان میشود .

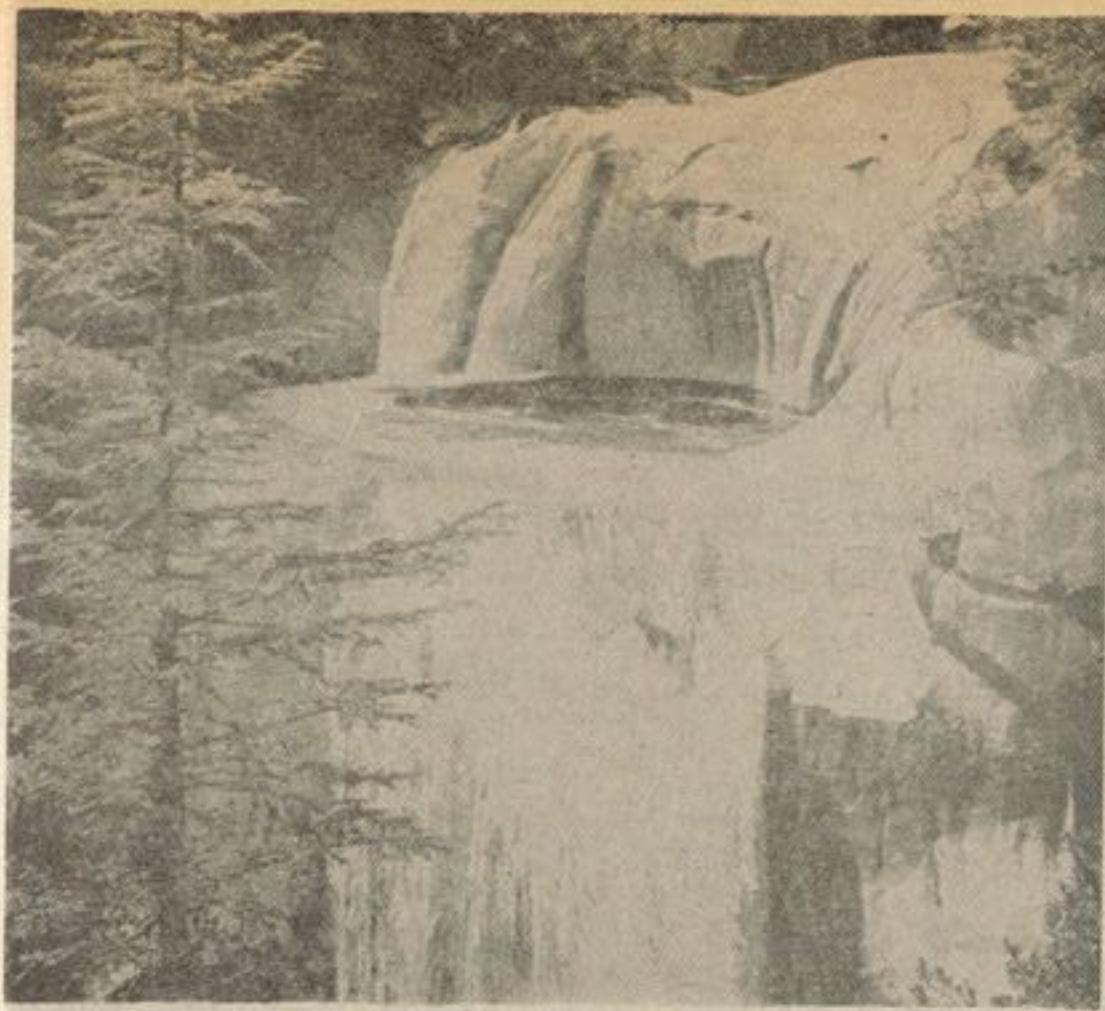
۲- از اضافه وزن باید جلوگیری کرد .

۳- فشار خون تا تراهمیشمه کنترول کنید .

۴- از همین الحال سکرت رادور بیان ندارید ، حداقل مصرف آنسرا کم بسازید .

۵- همیشه از ور زشن های نظری بیگان طرفداری کنید و به آن تن در داشتید .

۶- اینکه باید زنده بیما نیزد ! خود



چنانچه امروز از سراسر آن سر زمین، آواز  
افزایش محصولات بر می‌گیرد.

همه حاصلات زراعتی بخصوص محصول برنج  
سال قبل کشور کوریا، به صورت تعجب‌آوری  
بلند رفت زیرا همانطوری که زراعت برنج در  
سطوح هموار رشد کامل و حاصل فراوان داشت  
حاصلات جواری در نواحی کوهستانی و نیمه  
کوهستانی خیلی فراوان بود. زیرا کارگران  
وزحمتکشان خوبی روی زمین‌های زراعتی‌زحمت  
زیاد کشیده و عرق بسیار ویخته بودند.

سطوح مرتفع (پاکنو) از تکاه حاصل فراوان  
کچالو و سایر محصولات زراعتی خود، شهرت  
لوق العاده یافت و حتی بلند نرین حصن کوه  
های (رتکریم) پقداری جواری و (سویا بین)  
و بادنجان رومی حاصل داد که هرگز در گذشته  
ها چنان حاصل نداده بودند.

فضای باگستانی‌ای کشور کوریا همیشه  
معطر و خوشبو بوده و در شاخه‌های درختان آنها  
میوه‌های گوناگون به شرم می‌غورد.

اکنون چون تمام اراضی کشور کوریا، در  
بعضی از میوه بای غوطه و راست لذا عده هر دم  
آن سر زمین از خوشی و شادمانی، در لباس  
نمی‌گذند.

عنکامیکه پدر وطن کوریا بی‌ها، بعد از  
استقلال تقسیم گردید دشمنان آنان هیئتند:  
(کوریای شمالی) که محصولات زراعتی خود را  
از گفت داده است. دیگر نه تنها خوش را

در سال ۱۹۷۶ بعد ۱۹۷۶ حاصلات حبوبات کوریا افزایش

قابل ملاحظه ای نموده بود و سال‌ها قبیل ازان

سال مقیاس محصولات زراعتی کوریا از مقیاس

جهانی بیشتر گرفته است.

در سال بعد ۱۹۷۶ حاصلات برنج از صفر

اعشاریه فیصد تا یک تن، جزوی از

سفر اعشاریه شش تن تا یک اعشاریه دو تن بلند

رفت. حقیقت این است که رشد حبوبات

در کوریا در تاریخ زراعت آن کشور بی‌مثل

است.

امروز هر گوشه کشور از خیر کوریا و عده

افزایش حاصلات همه ساله را میدهد زیرا باتات

در آن سر زمین همه ساله رشد بهتر و بیشتر

می‌گردد و حاصل خوبتر و فراوان تر میدهد.

با آن هواجه بودیم از سر راه خوش برداشتم

و باسرعت هرچه بیشتر بیشتر بیش رفتیم و خاک پدر.

کاسه بزرگ‌بند ذخیره آب، با آب‌زنگی بخش خود، روحی به مزارع میدهد و گستراهارا،  
زنده و پر امر می‌گرداند.



رعنمایی عاقلانه چنان موجب افزایش حاصلات گردیده که در تاریخ زراعت و با غداری کوریا  
نلبیری ندارد.

وطن خویش را، در تحت شعار افزایش محصولات ما از ناحیه اوضاع جوی متفسر د گردید.  
به دفعه تعیین شده یعنی سالانه هشت میلیون تن کیم ال سوتک، رهبر محبوب کوریایی‌ها در  
مله رسانیدیم.

این هرود گفته است:

آفتاب شعاع گرم وزندگی بخش خود را هائند  
علت این عده فراوانی سر زمین ما من اشاند.

آسمان چون گذشته‌ها، مفرور و گهن است و است که جزب ما مطابق به خط هشی طرح شده،  
زمین گهی تر اما باید ناگفته تکذیشت که جیبات در چیت ببود وضع زندگی روستاییان، آبادی

سرد اوضاع جوی در خاک‌ها (کوریا) نیز تأثیر موثر زمین‌های زراعتی تلاش‌ها و کارهای سود-

ناواری بجا می‌گذارد. چنانچه در سال گذشته مندی را انجام داده و زمینه‌های چه بیشتر حاصلات

یک قسمت از حاصلات زراعتی بخصوص برنج

منظمه زیبای ناحیه جلیو، محلی که طبیعت مورد حمایت قرار داده و باعث روئیدن گل های

رنگ رنگ و اشجار قشنگ و پر نور گردیده است.

زوندون

زمین های مدو جذبی ، بزمین های زراعتی و نهضت  
گشت می باشد .

پیشاھنگ های این طرح سود هند ، در  
پیشبرد اهداف بزرگ شان ، سدها و بند های  
بزرگ پر تمدن را احداث نموده اند که  
یک ساحه بزرگ اراضی خشک و بی حاصل را  
مشروب ویر آمر می گردانند راین اراضی اصلاح  
شده ، فارم های ماهی گیری و تربیه انواع ماهی  
نیز بوجود آمده که سالانه حاصل زیادی از آن  
بر داشته می شود .

بادر نظر داشت سیاست پنج فقره ای استفاده  
از طبیعت یک تعداد زیاد مردم در کوریا مصروف  
کارند تا پک ساحه ده هزار ایکرز مین تازه اصلاح  
شده بدبست آوردند .

قطار های طولانی موتو های خردو گوچک  
هملوان سنتک و خاک بطرف بند آب گردانی که  
احداث می گردد رهسپار می شوند . تا طول این  
سدرا بطرف غرب امداد بدهند .

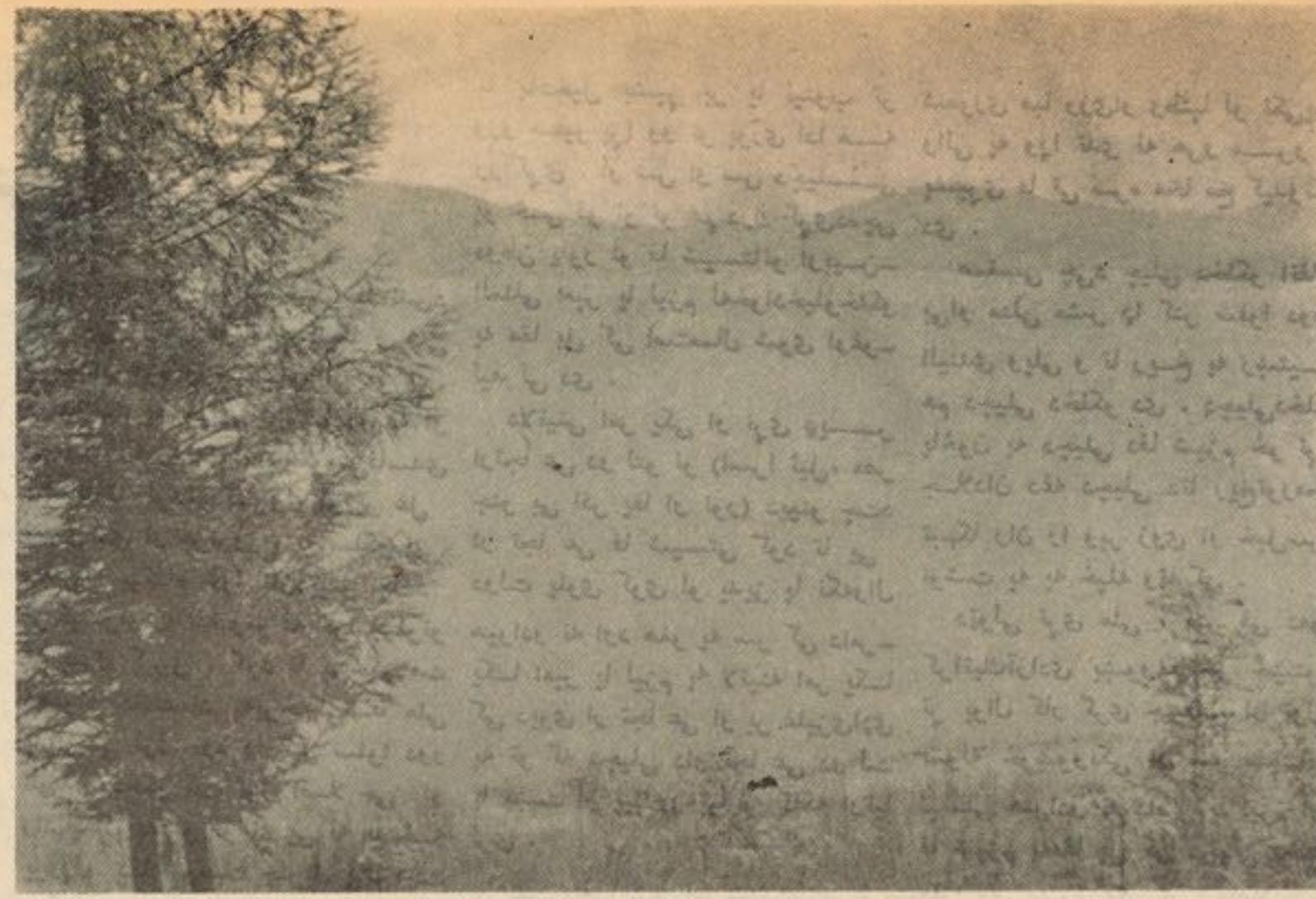
قرار است کار اصلاح این ساحه که در  
تسادو « موقعیت دارد قبل از وقت معین خاتمه»  
پیدا گند در صورت انجام این عمل ، سواحل  
غربی وطن پدری کوریا بی ها ، تغییر شکل  
خواهد داد و شکل دنده اهای ، ساحل کشور کوریا  
به صورت یک ساحل مستقیم بدل خواهد گردید  
وزیبای خاصی را بخود خواهد گرفت .

### «جوجو با» بونگ سان

منطقه بونگ سان در شمال ولایت هوانگ  
و بمقابل یکصدو پنجاه کیلومتری جنوب پیانگ .  
پیانگ ، ناحیه مرکزی کوریا قرار دارد این  
سر زمین از مناطق زیبا و دل انگیز روستایی  
برخوردار است . کوه های گوچک و بزرگ  
سرسبز آن ارزش زیاد اقتصادی دارد و دامنه  
های این کوه ها که دارای بالگا یست هملوان  
انواع و اقسام میوه باب ، بزیابی و قشنگی  
شهر های عصری و عمارات مدرن اطرافش میزاید  
و آنچه که این زیبایی و قشنگی را ، دو چندان  
می سازد همانا ، اشجار مشهور «جوجو با» که میوه  
های مقبول و قرمز باری می آورند و در گزار دهکده  
ها و بنا های روستایی قد کشیده اند می باشد .  
میوه جوچو با ، دارای سه عنصر مهم بوده که  
عنصر مذکور عبارت اند از پروتین ، شحمیات  
و کار بوهاید ریت . البته بر علاوه سه مواد  
فوق الذکر ، کلسیم فاسفورس ، آهن ، و بتامین  
ای ، و بتامین سی و و بتامین پی نیز در جوچو با ،  
وجود دارد .

در زمانه های قدیم جوچو با ای  
بونگ سان از طرف یو دالیا بیو گران مونویول  
می گردید و در زمان سلطه امیر یالیست های چاپانی  
سرهایی داران و مالکین اراضی بزرگ ، آنرا داد  
مونویول یا نحصار خود قرار داده بودند .

اما امروز دیگر آن روز گاران سپری گردیده  
و قسمت عده میوه جوچو با بونگ سان را ،  
در اختیار طبقه کارگر و دهقان گذاشته اند  
با غداران ، چون از حاصل کارشان سود و منفعت  
خوبی بدبست می آورند دو گسترش ، تقویه  
و حاصل دهن یشتر اشجار موصوف می کوشند .



### یکی از بندھای بزرگ ذخیره آب که صدها هزار جریب زمین را سیر آب می سازد

ملی کوریا ، صدها ای بر حاصلات زراعتی مردم  
آن کشور برساند .

بلی !

حاصلات حبوبات کوریا که میزاید از هشت میلیون تن  
آمد و مانند امواج بحر با خوش های طلایی  
سراسر کوریا را در بر گرفت .

حاصلات حبوبات کوریا که میزاید از هشت میلیون  
در سال است . با اواز های خدمت بخاطر پدر وطن  
توام گردیده .

اراضی را که مددو جذر بوجود آورده  
حاصل خیز شده است

رهبر کوریا بی چنین گفت :

(اصلاحات اراضی را که ، مدو جذب دریا ها

بوجود آورده است نیز باید طرف توجه قرار  
گیرد تا ساحه اراضی زراعتی کشور گسترش یابد

امروز در سر زمین کوریا اصلاحات اراضی  
مذکور مورد توجه زیادی قرار گرفته و پالیسی  
پنج فقره ای استفاده از طبیعت که از طرف ،  
جبهه واحد پدر وطن طرح شده به مردم تطبیق  
قرار دارد تا این نتیجه که قبل از وقت معینه  
باید ده میلیون تن غله بدبست آید تحقق یابد .

در ساحل غربی کوریا در حدود صدها هزار  
ایکرز مین بدون استفاده وجود دارد . در نواحی  
آبی دور و پیش چزبره «تسادو» واقع در شمال  
ولایت (پیانگ گان) صرف اراضی که توسعه  
مدو جذب یافت آمده بیش از هفتاد و شش هزار

در همان رهبر کوریا بیان می شود .

ایکرز مین را در می گیرد .  
رهبر کوریا بیان می شود .  
و بجزیان اندختن موثر  
فعالیت های زراعتی و مشاهده کوپراتیف های  
زراعتی ، در هر فصل مسافت های را انجام  
داد .

من آید که نیروی خلاق خلق کوریا ، چون دیوار  
گردانیدند .

خرزان زیبا ویر حاصلی که ، امسال یکشنبه

کوریا ، بال گسترده از خدمات و عرق دیزی

هزار بزرگان و کار گران کوریا قدردانی و تشرک

عن نماید .

امروز در نقاط مختلف بخصوص در قسمت

های غربی و حضن وسطی و نواحی شرقی

کشور کوریا بند های بزرگ ذخیره آب احداث

گردیده و شبکه های منظم آبیاری و کانال های

که طول آن بیش از مسافت دور دور گره زمین

می باشد و آب های شفاف و زندگی بخش در آنها

روان است و از آنها توسط یمپ ها ، هزاری

که در سطح مرتفع قرار دارند ، آبیاری می گردد ،

هدف چنین بس بزرگی ، در کوریا برای خواهد

گشیده شده است .

همچنان ، در کشور کوریا ، از سیلانه ها و

آفریش زیاد حاصلات در هر فارم و مزرعه گردید

که در تاریخ زراعت آن کشور نظری ندارد .

که این همه فعالیت عادستور ها ، موجب گردید

تا کارهای دسته جمعی منجر باز ایش مخصوص

زراعتی شود .

همچنان رهبر کوریا بیان می شود .

تولیدات زراعتی ، و بجزیان اندختن موثر

فعالیت های زراعتی و مشاهده کوپراتیف های

زراعتی ، در هر فصل مسافت های را انجام

داد .

رهبر کوریا بیان می شود .

بد و در مواقیع مختلف از گشت و گار

را جیش گهدر ۲۲ چون ۱۹۵۸ ، از ناحیه تسادو

مودم باز دید بعمل می آورد و هدایات موثر

زراعتی داده است . و فضای مملو از سرو و رو

شاده ای داده ، برای مردم کوریا پیدید آورده

صورت مکمل تطبیق گردید و حتی سرمهای شدید

است .

نمتوانست دو مقابل محبت گرم پردازه ، زعیم

از تطبیق این نتیجه بدبست

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

نیز نهاده ای از این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

که می بینیم باز هم این نتیجه است .

## قهر ماشه چیلی ...

نه به دخیل بشپه بر یا لیتوب تر شعوری مبا رزی او وطنپا لو نکی یو-  
ورو سنتیو پرا وو تو پوری ادا مه والی به ورا ندی له هرو مسرو او  
در کپی او سس او سس دچیلی بشپه ما تی سره مخاخن کیدونکی  
بو خسی قو تو نو هم درک کپی ده چی دی .

همفسی چی د چیلی دخلکو انقلاب  
بی او منلی مشر دا کتر سلوا دور-  
الیندی ویلی و تاریخ په رېتیما  
هم دچیلی دخلکو دی . دچیلی دخلکو  
پاخون به دچیلی دفا شیزیم خو نهی  
جلادان دغه دچیلی دنا ریخ تورمختی  
تبهکا ران را ویر زوی او خپل سر-  
نوشت به په خپله وقا کی .

دتوی نهی ملی ، متر قی دمو-  
کراتیک آزادی بنسونکی خو خبستونه  
نر یوال کار گری جنبش او قول  
سوله خوبیونکی او سو سیما -  
لیستی هیوادو نه دامپر یا لیزیم او  
فا شیزیم په مقابله دچیلی دخلکو  
ایزیم په مقابله دچیلی دخلکو

الملی امپر یا لیزیم له خود خپل خلکو  
به مقابله کی استعمال شوی او غو-  
لید لی دی .  
دلاتینی امر یکی او نهی دیز-  
ار تجا عی دو لتو نو (اسرا ثیل) هصر  
جنو بی افریقا او نور) دپیتو چتد  
ار تجا عی فا شیستی کود تا بی  
دولت پلوی کوی لو یدیز پا نکهوال  
هیوادو نه اود هفو په سر کی دامر-  
یکا امپر یا لیزیم په لاتینه امر یکا  
کی دیوی او تجا عی او یر غلیزی ایدی  
په تو گه دچیلی دار تجا عی دو لت  
پا یبنت او پیا و پر تیا ته کلکه اپتیا  
لری .

خو پینو چت او دده نور سیمه  
دآزا دی بنسو نکی قهر ما نه  
ایز او امپر یا لیستی حا میان دخلکو  
دارا دی - دخلکو دغور - شهامت  
او پاخون به ورا ندی اود خلکو دی .

په دغه هیواد کی بر خلکو با ندن د  
امپر یا لیزیم درا نده گو زا رو نهوارد  
کړل او امپر یا لیزیم هم په خپل قول  
استبداد هره ورخ زیاتوا لی مو می.  
قد رت دالیندی دحکو مت درانسکو-  
رو لو له پاره مته را وغفیتلی .  
امر یکا دامپر یا لیزیم دغه تو ره هیله  
دچیلی دفا شیزیم له خوا عملی اود  
ها کتر سلوا درو الیندی دحکو مت  
د ۱۹۷۳ کال دسپتمبر دیو ولسمه نیټی  
دخو نهی کود تا له اهله راونه یداود  
چیلی دخلکو دهیلو او امیدو نو قول  
نوی غور ید لی ګلان وزر یدل اوله  
خاورو سره یو شان شول .  
فا شیزیم دخیل طبیعت له معنی له  
چیلی خخه هم دوینو حمام جوی او  
له یوه عادی کار گر خخه نیو لی تر  
جمهور رئیس الیندی پوری دیرش  
زره هیواد پا لو نکی انسا نان و وزل  
شول . دفا شیستا نو تر وا کمنی  
ورو سته په قول هیواد کی دبی .  
قا نو تی ، ترور ، اختناق او ویری  
فضای بجاد او دفاشیستی کود تا  
دمش جنرال پینو چت په هدا یست  
سل زره زیار ایستو نکی انسا  
نان جیلو نو ته وا چول شول .  
پو خسی فا شیستی کود تا چیانو  
په دیره سپین ستر گی وو یل چی  
په چیلی کی دجکری حالت روان دی  
کومه جگه ؟ دچیلی دخلکو په مقابله کی  
دکور نی ار تجاع او دهیمه ایزیم  
چکره ! دا چکره دهیمه ار تجاع  
فا شیستی کود تا ادا مه وه چی  
امپر یا لیزیم دچیلی دقا نو نی  
حکومت په مقابله کی دورو ستني  
حر بی په تو که په کار وا چو له او  
په قول هیواد کی یی دخلکو له وینو  
خخه سری ویا لی و بیهولی .  
په چیلی کی فا شیستا نوا امپر-  
یا لستا نو خکه یوی خو نهی کودتا  
ته زره بنه که چی نوری تو لی  
دیسیسی او تو طی (ورا نکا ری )  
تروغیر قا نو نی اعتصاب پارلمانی  
خندوانه او زهر چن امپر یا لیستی  
تبليغات ) یی له نا کا می سره مخاخن  
شوی وی .

نظا می - فا شیستی گودتا دچیلی  
دخلکو قول دری کلن بر یا لیتوبونه  
فسخ کړل هلی شوی موسسی بېر ته  
پخوا نیو ما لکا تو او ویشل شوی  
مخکی بیر ته لاتیفو ند ستا نو ته  
ور وسیا دل شوی . او سس ، او سس  
دغه قهر ما نه او عا دلانه مبارزی  
زیرا دخترك بسیار به مهرا رت پیانو  
آهنجهای مقبول آنها حظیمیرند .

## گروهه روی ...

و گیتار مینوا خت زما تی که به رهبران  
گروه «من یوری» هرا جمعه کرد از آنها  
چنین شنید : بیا نو نوا زان و گیتار  
نوازان بقدر کا فی دار یم پیدر  
دخترك گفت : دخترم میخوا هدنوا-  
ختن ترو میت رایبا موزد . در طول  
چند ماه دخترك به بسیار مشکلات  
نواختن ترو میت را آموخت بعد از  
آن منعیت ترو میت نوازه من یوری»  
قبول شد .

گروه هنری من یوری در حال حاضر  
از شهرت زیاد پر خوردار است.  
گروه مند کور به چندین مملکت  
منجمله به دنما رک ، جمهوری ریت دمو-  
کرا تیک آلمان ، فنلیند ، رو ما نیا  
هنگری سفر نموده اند که در ینجام  
کسرت هادا دند با استقبال گرم  
در هشت فلم تلویزیو نی  
سپهیم گرفته واز آواز های آنها  
چندین ریکارد نیت گردیده که در  
بازار فروش خوب دارد .

گروه هنری من یوری از روز اول  
خود تا حال تقریبا در حدود پنج  
صد کنسرت در نقاط مختلف کشور  
اتحاد شو روی وجهان داده است که  
نکت های کسرت هر بنار بطور مکمل  
به فروش میر سید . این گروه در  
حال حا ضر به فعا لیت های هنری  
خود ادامه میدهد که همه از شنیدن  
زیرا دخترك بسیار به مهرا رت پیانو  
آهنجهای مقبول آنها حظیمیرند .

دچیلی دفا شیستی دکتا تو روی  
له جنا یت خخه دکو اعما لو چی قول  
دامر یکا دخو نهی امپر یا لیزیم په  
هر سته او ملا تو تر سره کیږی د  
چیلی خلکو دوطنپا لئی ، هلی حاکمیت  
او خپلوا کی احسا سات یو په سله  
پیا ویری کپی دی . دچیلی خلک دفال  
شیستی ترور ، اختناق او ور زو په  
شرایط کی دیستو چت دمزدورصفته  
او وطن پلو ری ډلی تیلی به وپاندی  
په دیره میرا نه جنگیزی او خپلی  
شوم . ید شس باوی موا فقهه کرد  
زیرا دخترك بسیار به مهرا رت پیانو

# آب سر چشم هزار دلار

زیاد می باشد ، در آن صورت سوال پیدا می شود که آیا ماهنوز بکار همیشه آب کافی داریم ؟ و در صورتی که یک روز آب کافی نداشته باشیم چه خواهیم کرد ؟ هر شخص روزانه دو صد و پنجاه لیتر آب لازم دارد . اگر ضرورت آب برای زراعت و صنعت را با آن یکجا بستجیم در آن صورت روزانه شش هزار لیتر می شود . صرف برای یک تپ دو صد لیتر آب بکار داریم . برای هر توالت هر مرتبه ده لیتر . در صنعت طبیعی است که مقادیر زیاد و غیر قابل تصور آب بکار می رود . در این صورت آب بکار می کند .

صرف دو فیصد کم شدن مقدار آب در بدن ، انسان احساس خستگی و یا درد نماید . اگر تشنه کی فرو نشانده می شود ، در آن صورت مایع حد اقل بعد از ۱۵ دقیقه بحیث ادرار مثانه ظاهر می شود . در ضمن آن این مایع به اقسام مختلف دستگاه های مشکل بدنی را طی می نماید که ما می توانیم این دستگاه ها را فابریکه های بدن و جسم خود بنا میم . به این صورت آب در خون ما ۹۰۰۰ کیلو متر (نه هزار کیلو متر) رگ های بزرگ و کوچک را می گذراند . این آب ذریعه یک پمپ بحر کت می آید که هیچ وقت نمایند ساخت باشد :

## قلب ها :

قلب تقریبا هفت هزار لیتر مایع را (در هفتاد ضربه دریک دقیقه) در یک روز در بدن مایم می کند . مخصوصاً گردد های ما بحیث دستگاه های تصفیه گشته این وظیفه را دارند . پانزده مرتبه دریک ساعت تمام خون ما تا پنج لیتر در دو گردد مسا فرت می نمایند . به این صورت روزانه روی آن وجود دارد . نه تنها آب را نمایند . به این دستگاه ها ۱۸۰ لیتر خون شسته می شود . مواد غیر قابل استفاده آن به شکل یک عشاریه چهار لیتر ادرار خارج می شود .

آیا زمین آب کافی دارد که این احتیاجات را که هر روز زیاد تر می شود تکافو نماید ؟ جواب این سوال را می توان چنین ارائه نمود :

بلی ، اما ... هنگامی که زمین بوجود آمد در بالای آن ۹ بیلیون تن آب وجود داشت و امروز هنوز دریک ساعت تمام خون ما هم زیاده از ۹ بیلیارд تن آب در روی آن وجود دارد . نه تنها آب تبخیر شده ، بلکه هر قطره ای که بمصرف می رسد ، بالاخره در جریان آب دو باره مرا جمع می کند .

مقدار آب البته هنوز کافی است . اما جنسیت آن خراب تر شده می رود . استعمال تاسیف - آوری که امروز انسان ها با آب می کنند روز بروز کمتر می گردد و به این صورت سطح آب اساسی بصورت مرغوب گشته ای پائین می رود ، و آب کثیف و چتل و غیر قابل آشامیدن می گردد . دریا های که یک وقت خیلی ما هی داشتندو آب تازه و طبیعی در آن جریان داشت امراز خشک شده اند .

انسان ها بر ضد آنها استفاده ها کرده اند در حدود هزار سال پیش ازین حکیم طوسی ابو القاسم فر دوسری گفته بود :

زیان کسان از پس سود خویش بکار . در دنیای دیوانه لکام بجهو یند و دین اندر آرند پیش این درد زمانه بی ما نیست و این رای همه ارزش هارا پول تعیین لطائف الحیاتی تازه نیست که سود خواران دشمنان واقعی دین و محک اسلامیت برای پرده پوشی اعمال دهن و گلو خشک می شود . نتیجه آن : انسان خود را تشنگ حس می کند .

صرف دو فیصد کم شدن مقدار آب در بدن ، انسان احساس خستگی و یا درد نماید . اگر تشنه کی فرو نشانده می شود ، در آن صورت مایع حد اقل بعد از ۱۵ دقیقه بحیث ادرار مثانه ظاهر می شود . در ضمن آن این مایع به اقسام مختلف دستگاه های مشکل بدنی را طی می نماید که ما می توانیم این دستگاه ها را فابریکه های بدن و جسم خود بنا میم .

به این صورت آب در خون ما ۹۰۰۰ کیلو متر (نه هزار کیلو متر) رگ های بزرگ و کوچک را نمی گذراند . این آب ذریعه یک پمپ بحر کت می آید که هیچ وقت نمایند ساخت باشد :

قلب ها :

قلب تقریبا هفت هزار لیتر مایع را (در هفتاد ضربه دریک دقیقه) در یک روز در بدن مایم می کند . مخصوصاً گردد های ما بحیث دستگاه های تصفیه گشته این وظیفه را دارند . پانزده مرتبه دریک ساعت تمام خون ما تا پنج لیتر در دو گردد مسا فرت می شود . نه تنها آب را نمایند . به این دستگاه ها ۱۸۰ لیتر خون شسته می شود . مواد غیر قابل استفاده آن به شکل یک عشاریه چهار لیتر ادرار خارج می شود .

اگر ما می فهمیم که آب برای زندگی و چشم ما چقدر مهم می باشد و از طرف دیگر ملاحظه کیم که چقدر استعمال آب در شستشوی و ظایف فامیلی ، زراعت و صنعت بودند و آن هم آشتفتگی را پدیده اوردهند . اما به خاطر بسیارند . این دشمنان واقعی خاک ما - و هر دهند و آن هم آشتفتگی را پدیده اوردهند . در حوادث اخیر اعمال و اهداف شوم و پلید خویش - شد خدای نا خواسته گوچ ترین تحقیری صورت بگیرد . و پس از نمایند و این حربه ها را در جهت سر نگولی دولت غیر قانونی و آدم منافع آز مندانه بی خویش به کار کشی امین و امینی ها بود که مردم می اندازند . استعمار گران و سود خوا ران پروای دین را ندارند آنان ما توانستند با فراغت خاطر به از هر شکافی از هر رخنه ای و از عبادات و اطاعت پردازند و هر وسیله ای برای رسیدن به کوچک ترین دلبره ای را به خود راه ندهند . در حادث اخیر اعمال و اهداف شوم و پلید خویش - شد خدای نا خواسته گوچ ترین تحقیری صورت بگیرد . و پس از نمایند و این پدیده ای مزدوران خارجی دست و سیعی است . این دستگلهای داشتند و بلوای کابل ریشه در ما که دیگر مجال آن وحشی گری تازه هم نیست این خصلت دولت داشتند و بلوای کابل ریشه در ما که دیگر مجال آن وحشی گری کذایی و قدرت های تجاوزگر واشنگتن و اسلام آباد داشت . آدم ها را نمی پایند و آرزو های پلیدی و اهر یمنی است که از مقد سات کشان حرفه ای در خاک ما وارد شده که در سر دارند تحقق نمی پاید .

لایاز صورت می‌گیرد .  
لایاز دریک دره پاریک موقعیت داشته و  
هوا را از ناحیه سیل و توفان مورد خطر قرار  
می‌گیرد .

باشندگان لایاز اقلیم میدارند :  
ماشنه ترین نقطه کیتی را برای پیشبرد  
امور زندگانی خویش برگزیده ایم و ناحیه ما  
(۱۹۰۰) فت از سطح بخار قاع دارد .  
عجمان برخی از هر منطقه مسد سور  
می‌گویند :

«ماجایی را برای زیست انتخاب کرده ایم  
که بر فراز «گردانیان» موقعیت دارد .  
در لایاز هرای تند هیشه در جزیران بوده  
و تندیاد ها هوا را سرزمین را تهدید و  
برگاو ها و حیوانات مردم آنجا شلاق میزند .  
اما هر دن لایاز امروز باین هوا و باد های  
سرکش و حیوانات آنها به شلاق های تند باد  
ها خوگرفته و عادت پیدا نموده اند .

مالداران لایاز معروف تریه «هایمار» نیز  
نگریسته میشوند و در ایام تعطیلات رفاقتان  
و دانش های «بولیوا» در حالیکه لباس های  
چند طبقه ای در بر میداشته باشند پرسی  
سرکها و گوشها و بیشه های زیبا و سرسیز  
برقص و دانش می‌پردازند و مردم را خوش  
ومسروت نگه میدارند .

در هشتگاه رقص و پایکوبی آنها، دسته های  
کثیری از موزیک نوازان ماهر در حالیکه  
نواختن آلات موسیقی دیده میشوند . دسته های  
موزیک لوازان، بعد از هر ساعت عوض  
میشوند و چایشان را برای سایر هنرمندان  
میگذارند . و خود مشغول هتر نمایی دیگران  
میگردند .

درین ساعات دختران و پسران، زنان و  
مردان و عاشقان و معشوقان، همه سرگرم  
هستند و به لسان تکلم هم کنند که لسان  
تماشا و صحبت ها و ملاقات های دوستانه و  
سرخ بستان است .

صیغمانه میباشد و بانی این روز های معلو از  
ارباب علم و دانش و آثاری که آذوی بیرون مسکن و لباس مسابق خود را تغیر داده و اکثریت  
شان تبهیه میدارد و این نگاه مشکل ندارند .

باقی صفحه ۳۹



مردم سرزمین طلا، در حالیکه لباس های چند طبقه بی در بر میداشته باشند بروی سرکها و گوشها و بیشه های زیبا و سرسیز به رقص  
میبرند و از نمودن مردم را خوش نگاه میدارند

مردم در جستجوی معادن برآمده اند تا از  
تروت های دست نخورد، کشورشان «بولیوا»  
استفاده انتقامی ننمایند .

همچنان طبق پلاتهای که طرح گردد،  
سرکهای نواحی مذکور اصلاح و ترمیم می  
شود تا برای القتل کافی، غله جات و میوه  
جات مساعد گردد .

سیستم تجارت نیز امروز در بولیواد گرگون  
گردیده و بشیوه سایر ممالک صورت می‌گیرد .  
سرزمین که وصنیع را نمودیم، گوشه ای  
از کشوریست که پیترول، گوشت و غله جان  
موردنمود فضور شان را خود شان در کشور  
شان تبهیه میدارند و این نگاه مشکل ندارند .

زندگی مردمان این سرزمین را، بدل می  
پرورانند امروز سعی و تلاش زیادی بخر ج  
میدهند تا بتوانند تحول عمیق و تیر بخش را،  
متندوق های معلو از طای سفید را، که ارزش  
در همه ساحتات و امور زندگانی خلقوی آنها  
وجود آورند زیرا خلقوی این نواحی بشمول  
مردمان سرخپوست «بولیوا» اضافه تر از نصف  
نفوس کشور موصوف را تشکیل میدهند .

بعد از آنکه از منطقه مذکور طلاها، بدست  
آنها بالغ به دو بیلیون دالر میگردید در یافتن  
تامروز برگزار میگردد .

با تار لاشها و گوششها و بیمه و متاور  
خودمندان و نوآوران، آنها امروز اطفال آن  
گوشه زیبا و دل التکیز جهان، یعنی میرولند  
و بکسب علم و دانش می‌پردازند از غذا های  
از کشوریست که پیترول، گوشت و غله جان  
امروز بعضی مردم آن سرزمین شکل خانه  
آزادی و دانش و آثاری که آذوی بیرون مسکن و لباس مسابق خود را تغیر داده و اکثریت  
شناخته شد .

پیراهون مدنیت سابق این سرزمین مطالع

درین ساعات دختران و پسران، زنان و

مردان و عاشقان و معشوقان، همه سرگرم

هستند و به لسان تکلم هم کنند که لسان

تماشا و صحبت ها و ملاقات های دوستانه و

سرخ بستان است .

صمیمانه میباشد و بانی این روز های معلو از

ارباب علم و دانش و آثاری که آذوی بیرون مسکن و لباس مسابق خود را تغیر داده و اکثریت

شناخته شد .

۱۲- درد با زخم بسته .

۱۳- فرسا یش باز گشته

قریب .

۱۴- خو نر یزی و تورم رتنا .

پس دیده شد که زیاد ترین اثر

جراء حت را روی قرنیه کار می

گذارند . و در نتیجه جراء حاده رتنا

به ردیف دوم می‌آید . پس برای

محاج فقط بد نی در جریان با زی

برای رد خطر تامیتوا نید خو نسرد

باشید و از خشونت در گیری کناره

جویید . فقط اگر اند کی عصبی

شدید میتوانند مد تی میدان را ترک

کنید و بعد از تمدد عصب وارد میدان

عدسیه های تما سی در وا قعات نادر

شودید زیرا ورزش خودش برای

مفید تلقی می‌شوند . با وسا

روسا ذی و تجدید قوای رو حی و

بیشگیری و محافظتی همیشه از چشمان

جسمی عمل میکند . هر گز اجازه

تان که یکانه ترین نعمت هاست

نهاید در موقعیتی که استید بدن گرم

برای سلامت بد نی تان استفاده

و مستعد تان ازین کشیدگی آزار ببرید .

## آیا ورزش با آنها...

بکشد . مخصوص صادردها که بیشترین

حا دنات جدی آنها متعلق است باید

به سلامت خود بکو شند . از عینک

های محا فظی استفاده کنید تا اندازه

از صدها های تما سی توپ و را کت

به چشم جلو گیری می‌کند . چنانچه

امروز عد سیه های محا فظی پلا-

ستیکی برای مما نعت ازین صد مه

بکار میروند .

در سکاش و را کت بال

باید وسا یل مخصوص صین و قوی تری

کنید و بعد از تمدد عصب وارد میدان

عدسیه های تما سی در وا قعات نادر

شودید زیرا ورزش خودش برای

مفید تلقی می‌شوند . با وسا

روسا ذی و تجدید قوای رو حی و

بیشگیری و محافظتی همیشه از چشمان

جسمی عمل میکند . هر گز اجازه

تان که یکانه ترین نعمت هاست

نهاید در موقعیتی که استید بدن گرم

برای سلامت بد نی تان استفاده

و مستعد تان ازین کشیدگی آزار ببرید .

۱- هایفا مای ترا هایی (تجمع خون

در اطا قلک جلوی چشم) .

۲- کبودی چشم .

۳- تغییر شکل زا ویده دا خلی

چشم .

۴- جدانما بی عد سیه از چشم .

۵- شکستگی حلقه استخوان نی

چشم .

۶- جدا بی ، کبو دی شد یدو

رتینای التهابی .

۷- خو نر یزی در ما یع لز جی

چشم .

۸- جراحت سر تا سری چشم .

۹- مذ به گرفتن مو قتی قرنیه .

۱۰- پیدا شدن در زدر قرنیه .

۱۱- التهاب ترا ما بی ایرسن .

معیا رات بیشیگری ازین جراحات

در باز یکنان ها کی از زشن مهمنتر

دادند .

برخی از جراحت وارد چشم در

جریان تینسی :

# با اشتراک در روزنامه ها و مجلات کشور در آگاهی تان بیفزایید.

شرح اشتراک روزنامه ها:  
و مجله در خارج کشور:

وجه اشتراک روزنامه حقیقت.  
انقلاب نور، انیس، هیواد و کابل-  
نیوتایمز در خارج کشور، هوا یسی  
صد دالر و زمینی سی دالر .  
برای محصلین، هوا یی هفتا و پنج  
دالر زمینی بیست و سه دالر .  
وجه اشتراک مجله ژو ندون در  
خارج کشور هوابی صددالر، زمینی  
سی دالر برای محصلین، هوا یسی  
هفتا و پنج دالر، زمینی بیست و سه  
دالر وجه اشتراک مجله کمکیا نوانیس  
در خارج کشور، هوا یی پنجادالر،  
زمینی بیست و پنج دالر .

وجه اشتراک مجلات پکتیا، کندھار،  
نتکرها، بلخ، کهول، آواز، فرهنگ  
خلق، هنر، کتاب، کوشانی و  
جراید یو لدو، گو راش و سوب  
در خارج کشور هوا یی پانزده دالر،  
زمینی پنج دالر، برای محصلین،  
هوابی دوا زده دالر و زمینی چهار  
دالر .

وجه اشتراک مجله آر یانا در خارج  
کشور، هوا یی دوا زده دالر، زمینی  
پنج دالر برای محصلین، هوا یی نه  
دالر زمینی چهار دالر .

مدیر یت عمومی توزیع رو زنامه  
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسائل  
بیشتر وجدی تر در خدمت علاقمندان  
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین  
اطلاعات روز و داغ ترین حوا دنی روز  
رابشما برساند و مجلات و جرا ید  
محبوب خانواده ها را در مو قعش  
برای آگاهی و سر گرم شی تان تقدیم  
کنند .

وقت گرا نبهاست، از زود ترین  
فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون  
تان از آغاز مرتب باشد. زیرا باخت  
سال جاری میعاد اشتراک پایان  
میباشد .

## مراجع اشتراک:

مدیر یت عمومی تو زیع رو زنامه ها  
و مجلات .

در بدیل یکصد افغانی و اگر شاگرد  
و محصل باشید در بدیل هفتاد پنج  
افغانی یکسال روزنامه در خدمت  
شما است .

اطلاعات و کلتور با فرو ریختن مرز  
تفاوت وجه اشتراک شهر و ده در  
خدمت بیشتر علاقمندان روزنامه ها  
جراید و مجلات است .

بخاطر اینکه در سال نو کلیه  
روزنامه ها، جرا ید و مجلات بتوانند  
در واژه های تمام مشترکین را صرف  
نظر از شهری و روستا بی یکسان  
بکوبد، مدیر یت عمومی تو زیع  
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراک  
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور  
یکسان میگیرد .  
دستدا ران روزنامه ها، جرا ید و  
مجلات :

شما که بر قلل شا منج و پر برف  
زندگی میگنید وبا در دشت های  
گسترده و سیع حیات بسر می  
برید ....

شما که در کابل هستید وبا در  
دره های پر خم و پیچ میتوانید با  
پرداخت وجه اشتراک یکسان در  
جمله مشترکین روزنامه ها، جرا ید  
و مجلات مابا شید از داغ ترین  
رویدادها، خبرها، حوات آگاهی  
بیاید و ساعت هاسر گرم شوید .

## روزنامه حقیقت انقلاب نور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت  
انقلاب نور میباشد در هر جای  
کشور که هستید در بدیل دو صد  
افغانی و اگر شاگرد وبا محصل  
باشید با اداره تصدیق دو بدیل  
یکصد و پنجاه افغانی یکسال بشما  
روزنامه میفرستیم .

## انیس:

اگر انیس میخواهید در  
هر گوش میبین که با شید با پرداخت  
دو صد و بیست افغانی و اگر  
شاگرد و محصل هستید با پرداخت  
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال  
روزنامه رمان درب منزل شما  
میگوید .

## هیواد:

اگر روزنامه هیواد را  
بخواهید در هر کنار وطن که هستید

کابل نیو تایم :

اگر روزنامه کابل نیو تا یمز  
را انتخاب کنید در هر  
 نقطه کشور که با شید با پرداخت  
یکهزار و شصده افغانی و اگر شاگرد  
و محصل هستید با اداره تصدیق و  
پرداخت دو صد و پنجاه افغانی  
یکسال شما مشترک هستید .  
مجلات و جرا ید ما نیز حسب زیر  
یکسال در خدمت شما خواهد بود .

## محله ژو ندون:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی  
متعلمین و محصلین با اداره تصدیق  
چهار صد افغانی .

## کمکیانو انیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی .  
مجلات پکتیا، کندھار، نتکرها،  
بلخ، کهول، آواز، فرهنگ خلق  
هنر، کتاب، کوشانی و جرا ید  
یو لدو، گورا شن و سوب در داد خل  
کشور سالانه شصت افغانی برای  
متعلمین و محصلین با اداره تصدیق  
چهل و پنج افغانی .

## محله آر یانا بزرگان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت افغانی  
برای متعلمین و محصلین با  
اراده تصدیق یکصد و سی افغانی .  
شمامیتوانید در هر کز همه روزه از  
اول تا اخیر حوت بمدیریت عمومی  
توزیع روزنامه ها و مجلات در جوار  
عمارت مطابع دو لئی، انصاری وان  
مراجعة و اشتراک نمایید وبا وجه  
اشتراک تا نراز مرکز و لایات  
به حساب (۶۰۰۱) واردات دولت

تحویل و آویز آنرا مستقیماً  
عنوانی مدیریت عمومی تو زیع  
روزنامه ها و مجلات انصاری وان  
کابل بفرستید .

ما بیو گرافی یکی از شخصیت های راکه در طب خد مت زیادی نموده است

حالا اگر از ذوی بیوگرافی دوستیه او اسمش را میدانید تبا اسم او را برای ما بتولیسید واز ماجاینه بگیرید .  
در هشتم نوامبر ۱۹۶۰ در یکی از زندگی کی

های بین در سویس بدنیآمد اور خانواده ای متولد شد که همه زارع بودند ولی برخلاف عقیده بود و مادرش از همان اول مایل بود که به جزکار و حرفه ای آنان کاری دیگر و حرقه ای دیگر داشته باشد از همین رو زمانی که دوران کودکی را پشت سر نهاد و تحصیلات اندیشی را بیان داده طب ذوی آورد و تحصیلات خودرا در دايشکاههای (برن) و (ژنو) بیان رساند او که جوانی بیست و هفت ساله بود به فرانسه آمد وبارا هنریس استادانی چون «پامتو» «والری» «زاده» و

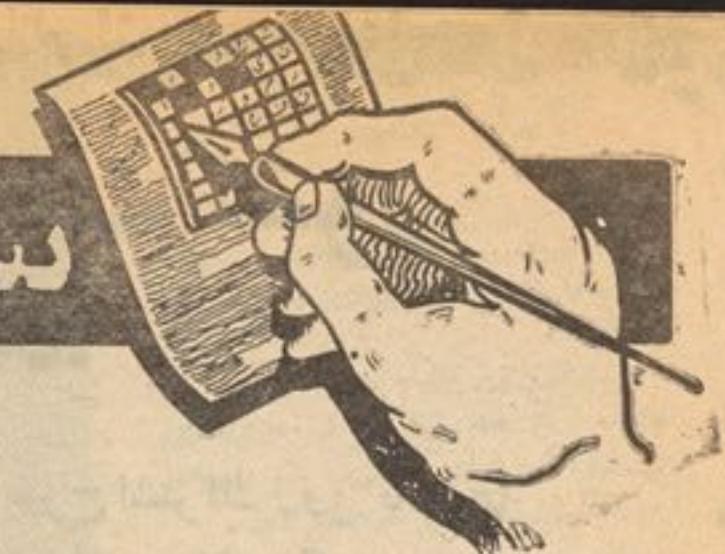
«لدو» اطلاعات و تجربیات کلینیک و آماره موپانولوژیک خودرا تکمیل کرد و سهی وارد من کن پژوهش فرانسه گردید در آنجا

نامه کاری «سالول ابرلینک» رئیس استیتو سلطان شناسی اقدم به ایجاد یک آزمایشگاه پژوهش مجذب به میکروسکوپ های الکترونی تعود کارهای او از یک طرف منبوط است به تکمیل میکروسکوپ الکترونی و کار بود آن در سلطان شناسی واز طرف دیگر بر درس و مطالعه مسلول های سلطانی دیدا کردن

ویروسای موجود در راه مبارزه با آفات است وی اکنون یکی از معروفترین اطبای سلطان شناسی دیاست اطلاعات و تجربیات وسیع وی همراه عدد ای از دکوران و سلطان - شناسان خارجی را بدوزش جمع کرده است او برای اولین بار توانست شمامه هایی از وجود بک نوع ویروس دریک سری غده های آزمایش سلطانی پیدا کند هم چنین ویروس سلطانی بستان موش و ویروس مولد گلبول سفید در خون مرغ راوی گفت کرده است کارهای دیگری که توسعه اهدای تیم وی انجام شده گفت ویروس سلطانی منبوط به یک نوع خرکوش و آزادو ویروس منبوط به انسان است که مطالعه در باره آن هنوز ادامه دارد حتی اگر قلمی نشود که بسیاری

از سلطانی انسان منشاء ویروس دارد بازهم کارهای وی و همکارانش نقش مهم و بالزشی در شناسایی سلطان دارد او مانند قول تابعیت فرانسه در سال ۱۹۶۲ وابستگ خودرا باین کشور اعلام کرد واز آن تاریخ کلیه پیشنهادات و سمت هایی که از طرف امریکا و سایر کشورهای امریکایی به وی عرضه شده است رد نموده او موفق بدریافت جایزه های علمی ارزشمند ای شده است مانند جایزه لویس دراسی از اکادمی علوم در سال ۱۹۷۵ جایزه انجمن لیگوپس سلطان سویس در سال ۱۹۶۰ جایزه بزرگ علمی شهر پاریس در سال ۱۹۶۴ جایزه بنا دار کیش در سال ۱۹۶۶ اوقات محدود فراغت خودرا موسیقی و شعر می پردازد و در اینراه نیز پیشرفت فراوانی نموده است .

# سرگرمی ها و مسابقات



تبه و تنظم از صالح محمد کهسار

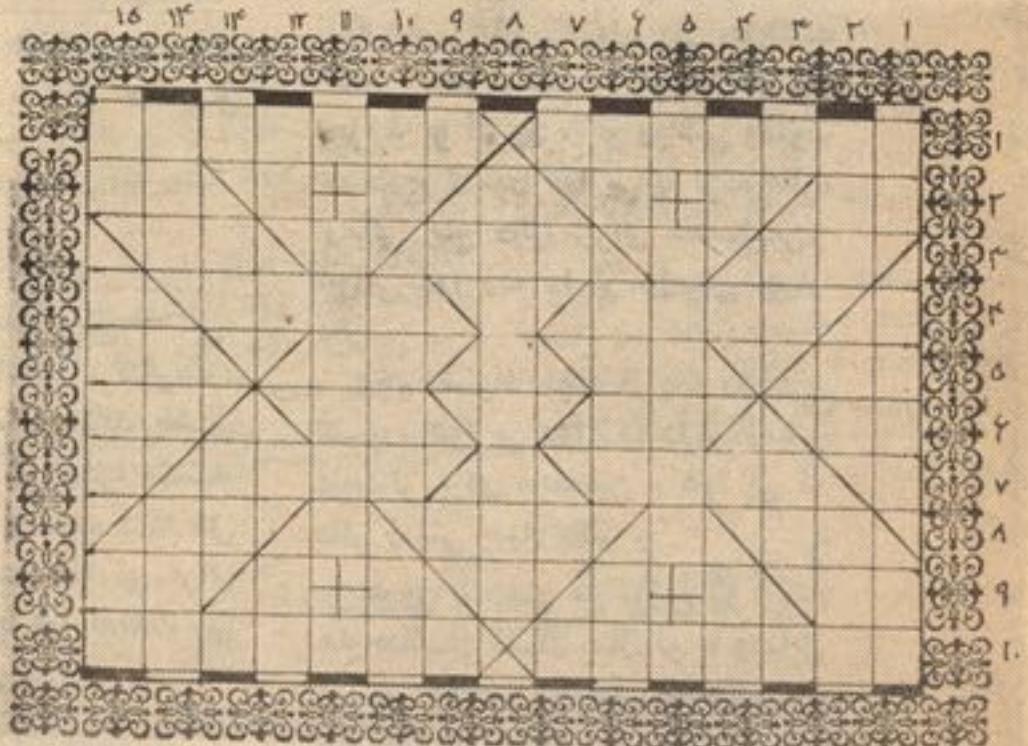


## جدول کلمات مقاطع

افق ۱- یکی از بزرگترین آثارهای جهان، از جمله کوه های مشهور کنورها ، ۲- خار است اما آخرین را شکستادند ، حاصل دو عنصر مهم که از آن عاده حیاتی بدمست می آید ۳- رام هشید اگر حرف بین آن تکمیل می شود ، هنله که تمام شده ، از آنطرف کوه به بینتو ، ۴- برای زیباتی جشنان آنرا زنان استعمال می کنند ، برادری که از مادر نباشد ۵- حرف بربط، یک حرف ودو خانه ، دیوار، دو بنج راجمع سازید ، ۶- خمیر اشاره ، ولد سرشن قطع شد ، آغاز اعداد به بینتو، خود ها است ، ۷- منظم آن باری امانت ، اگر منظم سردد از ستاره های فلم ایست که در بسیاری فلمها او را دیده اید ، ۸- منظمه بسی پا، صد سانتی است، بید نارسیده ۹- روزاول آن به نام کارگر مسمن گردیده است ، عکس خوب ، ۱۰- منصب به بدخشان است ، این منطقه کوهستانی بوده و شاهراهی بزرگ کنور ها است

این ستاره کیست ؟  
ستاره های زیادی است که برای شهرت خود زیاد تر تلاش میورزند در فلمها ، در مانکن ها ، و هزاران راهی دیگر را انتخاب میکنند تا به سیرت بررسند مادرین چاعکس یکی از ستارگان بسیار مشهور را برای نان حباب نمودیم اگر به شناختن ۱ سم او موفق شدید باید قطعه قوتی حوتیس برای ما ارسال دارید .

کدام دو ؟



طرح کننده : محبوبه تیموری از لیسه مهری هرات

عمودی ۱- رفیق سوزن است ، فصل گل و بلبل است ، از حروف هر ریا انتخاب کنید ، ۲- رفیق و مددگار ، خودم عیاشم ، وظیله عیاش است ، معدن بزرگ آن در عینک لوگر بدمست آمده است ، رند شده ، رند شده ، ۳- اسپه ساق یکی از کشورهای اروپائی ، از خوراکه باب است که بسیار مزه دار میباشد ، ۴- یکی از بزرگترین کوه های جهان بشمار می رود ، ۵- از دانه های شطرنج، هدایت کننده در ردیف دوم عمودی قرار دارد ۶- ۷- ۸- اگر آخرین را تکمیل سازید کنوری میشود که هر فرد آن قیصرهان است ، ۹- ۱۰- نسون بی سر ، کمیکه آزادی نداشته باشد ، عباره اشاره به بینتو ، ۱۱- یکی از کوه های کشور ما که دائما براز بر میباشد ، ۱۲- عطر و گل میدهد ، ردیف بیوی است ، ۱۳- یک حرف ودو خانه ، باده حیاتی ۱۴- جای محل و بلبل است ، آخرین حبه حیوانات ، هنقم آن یکی از میوه جات خزانی است، ۱۵- بر ناتمام، بعد از چند روز و وقت آن میرسد ، داغ شده -

به تابلوی فوق خوب متوجه شوید اجتناس رنگارنگ و مختلف را مشاهده میشایید در همین تابلو اجتناس یک بادیگر رابطه دارد آن دو جوره را که باهم رابطه دارد اسای شدان را برای ما ارسال دارید .

یعنی اور اد نیسیں۔

دارم این موضوع را از شما بپرسم چه دلایلی  
باشد شده که احساسات من نسبت به  
لین اوانا نیکلاپونا چنین تعبیر و تفسیر کنید  
منظور من آن احساسات تندو خاد است که  
تحقیق آن پشاور چرات داده تائید من بیان نماید

ازسان دارید این سه مرد را  
وازجانب شما جز سخنانی که دال بر  
التمامجوین و بیروزی است سخن دیگر شنیده  
نشده من اطمینان دارم که شما از اسرار باطن  
و سخنان ناگفته آگاهید آیا من بایست به  
یک غرور بیهوده و پست قانع و خوشنود میشدم  
آیا شما خوشنود و راضی نیستید؟ بیش از این  
باید توضیح دهم و باید از روی مسایل آشکار  
نمایم اما این که در این حد اشتباق

با زهم توضیح می دهیم من هیچ حس ندارم  
هر کوئه هاموریش لبیر منتکست . لیزاو تا-  
چنان متعجب و خیران شد که خود را به عقب  
ستدل انداخت بیحرکت به استوارو گین  
نیکلا یونا هیچ چیز نمی داند فامزدش کاملا  
خیره شد ویک دقیقه پیمین وضع باقی ماند  
عقل خود را از دست داده او دیگر بدرد  
بالکنت زبان گفت فکرمند را یکنید . من  
دارالمجاذین میخورد و علاوه بر آن با پیار  
خودش آمده و شما را از جریان آگاه کردم  
شما در دنیا تنها مردی هستید که می توانید  
هیچ تصور نمی کردم شما آن روز گفتهید که  
ازدواج نکرده اید من آنرا باور کردم رنگش  
کاملا پریده بود ناگهان یامشت روی میز  
کوپید . اگر یعنی از این چنین افسر از  
دلیواوتا نیکلا یونا را آسوده نگذارید اگر  
او را ناراحت کنید با غرب چماق شما را مانند  
یک سک هار می کشم او باشتاب بن خاست  
نه کید علتش را بسیار اگر علت ، فقط

پاک گفتگو و کشکش غاشقانه است که در خارج اتفاق افتاده و اگر برای پایان دادن به آن یک قربانی لازمت مرا فدا کنید اوصیاً بدینخت و من نمیتوانم این موضوع را تحمل کنم سخنان من نه اجازه ای دو بزدارد و نه القاء ووسوسه ای در این سخنان هیچ نکته ای وجود ندارد که هرگز نفس شما را لکه دار کند اگر شما خواستید در بنابر محراج کلیسا جای مرا بگیرید بن اینکه از من اجازه بگیرید می توانید و من هیچ دلیل نمی یابم که دیوانگی خود را برملا کنم و انگشتی بعد از این رفتار و اقدام من ازدواج ما کاملاً عیسی ممکنست با این بیچارگی آیا میتوانم اورا به کلیسا ببرم عملی را که الان در اینجا انجام میدهم باعلم باینکه او را بشما که شاید برگترین دشمنش هستید و اگذار من کنم بعقیده من چنان وذیلانه است که من هرگز نمیتوانم آنرا تحمل کنم. شاروز ازدواج ما خود کش می کنید . نه مدت زمانی بعد چه قایده دارد که باخون خود جامه غرسی انس را بیالایم حتی امکان دارد که من هرگز خود کشم نکنم نه کتون نه بعد بن شک برای اینکه خاطرم را آسوده کنید چنین می گویند خاطر شما را چند قطره خون برای شماجه اهمیت دارد. رنگش بزید چشمانش درخشید یک لحظه هردو خاموش ماندند استوارو گین گفت: از این جنسوالی که از وفکور نیست . من کنم معنورم دارید من حق تذارم که از شما سوال کنم اما بنظرم میرسد که حق



ماقوتوی یکی از ستارگان سینمایی غرب را درین جا چاپ نمودیم و از شما من خواهیم  
گفت که این ستاره سینماییست و مه محبه که او را نشان میدهد کدام سخن  
فلمه نموده و از از کدام نویسنده های جوان این فلم ها تبیه گردیده است .

این چهره کیست؟  
این عکس یکی از قهرمانان جهان است  
بود که در مسلک خود درجهان رقیب نداشت  
باقدرت بازوان خویش هزاران حریف خودرا  
ازمین کوبیده است. او در بسا فلمای  
بهم رول های عده و اساسی را داشته است.  
نهیت کلک بشما یک نقل نیز بشمامیدهیم که:  
کلک از مشهورترین فلمایش در سینما های  
کالیبل به معرض نمایش گذاشته شده است.  
زشما من خواهیم اسم فلم واسم خودش و  
لکشن را برای ما بتوضیه کنید.



حل جدول شماره (۴۹)

# وزان کشورها

و... درین صفت واحد بسوی یک جبهه و سیاست درونی با حقوق و امتیازات مساوی جانب روسنایی و پهروزی با آرامی های وا قعی و آبادی های سازنده روان آند فجایع را که استعمار و امیر بالیزم توسط امین بر وطن ما همراه ماروا داشته و تحمل کرده بوسیریم کتاب های آن ساخته هی شود وهم چنان سر بازی عاواز خود گذری های عموطنان خود را اگر رقم نهایی کتب فلسفی را بوجود خواهد آورد ولی اگر خلاصه نهایی که توانیم که امین بحکم امیر بالیزم وارتعاج و فرمایش آن ها حکومت کردولی بنابر اراده ای آهنین مردم و نیروهای متفرق وطنی و امیر بالیزم سوق داده شد که هر کاه این جاسوس ودارو دسته اش همه مردم وطن اگنون نیروهای اصل انقلابی وطن برست ابتکار خلاق انقلابی را به تأسی اندیشه های متفرق انقلاب پرشکوه تصور در دست نهی گرفتند و دختران فیرمان کشور سبب خود را ادا کرده اند امکان آن برده هی شد که حاکمیت ملی استقلال خود همه اواعام و بلایارازعنی و سرداره عموطنان های بود ساخت این قیام ظفر هندو شکوه آفرین و آزادی بخش بخصوص زنان کشور هارا از دلبره های نازاری ها و توهین ها و شکنجه هارها نیست حال دیگر زنان عموطن مادرین اندیشه نیستند که شب پسرش یا شوهرش یا برادرش را عمال این از پیلویش خواهد برد و با زن عموطن ما دیگر عربیه بددست بدنبال گسته خود بگردد و خود من داند که انقلاب رهایی بخش تور داده صراط المستقیم سوق دهد، اشتباها و خطاهای مهلك و غم انگیز را تصعیح و اصلاح نماید فجایع راجبران کند و بحران را رفع نماید ... از این این نوکر زرخرباد امیر بالیزم باتبانی ارتعاج منطقه و امیر بالیزم امریکا این آنینه ایده مردم مایعیت دورنای انقلاب شکوهمند تور را توسعه اعمال سیاه خود مکدو ساخت و در میز دار این خیانت های خود خیانت بزرگتر یعنی سازش با گروه های اوپا ش و جاولکروم تبع را در عمل بیاده نماید وطن گرانها و محبوب مارا در قمار جاسوسانه ی خود بگذارد ولی همانطوری که قبله گفته شد ته تنها آتش هزاره وطن برستان باعمال جبارانه ی این خاموش نهشده بلکه هنوز هم روز تاروز و لحظه بدله شه گرم تر می شد و سعله هایش بکناره می شد. اگر این شکنجه گاهها وزندان های قرون وسطایی خویش را از آزادی گواهان و وطن برستان می این باشد اگر روز دهها و صدها انسان بارزو پیکار جویی این خاک را به خاک سیاه روانه می گرد اگر افغانستان عزیز را به یک زندان بزرگ و عمومی وطن برستان مبدل ساخته بود. اگر دزخیمان و زاندارم های امینی از شکنجه دادن و تو هیمن شترک هم بزهیم و به خانین و وطن فروشان حتی زنان دختران و اطفال مادریغ نهی گردند، اینک آن همه به گور نیست سبده شده اند وقت آنرا ندهیم تا نفشه های شوم دشمنان وطن و مردم را درین خاک بر اتفاق ای این وطن و سیاه و سبید و شیعه و سنتی واژسک و هزاره به بیش در راه شکوفانی افغانستان قیر مان.

# نگرشی بر کتاب نور و ظلمت

بیوسته به گذشته

از گفتار بعدی فر دوست نیز (به کیکا ووس نیر نک باز چنین پیام میدهد!) که گفت بر و دست رستم بینند و بینند مرا دست چرخ بلند این لغز شیست سخت مشهود، زیرا این گفتار رستم بیام نیست بلکه گفتار رویار وی او با اسفندیار رونین تن است که بقول اسلامی ندوشن «این شنا هزاده که از صفائی روح بسی بیهوده نیست، از بزرگی روح بسی بیهوده هست، بنا برین اسیر معا طلبی است و قدمی بر نمی دارد مگر آنکه گامی به تاج و تخت نزدیک ترس کند.» (ص ۲۱۵) داستان دستا نهای طبع تهران ۱۳۵۱) این گفتار نه تنها بسا کاووس نیست بلکه تقریبا در نسل سلطنتی از کاووس عین جریان فاصله دارد، حتی ارتباط دود مانی (شا هنا ممه ج ۱ ص ۲۶۱) بکوشش دبیر سیاقی) کیقباد گذشته از آنکه برادر آخرین پادشاه پیشدادی «زو پسر تا آنجا که از نحوه بیان فردوسی برمی آید. رستم این گفتار در مناظره نسل متواتی هم با او بیوند ندارد میگوید که بین او و اسفند یار در از روایت طبری چنین مستفاد میشود نبرد گاه صورت میگیرد نخست پسر منو چهر، بیوند نژاد خویش را میستاید میکنند. (رک تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۶۷ و ۳۶۹ ترجمه ابو القاسم پاینده طبع تهران ۱۳۵۲) و تعالیی هردو را از اولاد فریدون ذکر کرده است (رک، شا هنا نامه تعالیی ترجمه محمود هدایت طبع تهران ۱۳۲۸ ه ش ص ۵۹ و ۶۲) و از یک روایتی که در نسخه پهلوی بند هشن بجا مانده معلوم میگردد که کیقباد را (اویزد) آخرین پادشاه سلسله پیشدادی بفر زندی پذیر فته بود. نظر به گفته (کر ستن سن) این داستان بیشتر مبتنی است بر وجهه تسمیه کیقباد (کیانیان ص ۱۰۰ ترجمه دکتور صفا طبع تهران ۱۳۵۰) با در نظر گرفتن موارد بالا نمیتوان کیقبادر را برادر «زو» بندان شت. در ص ۷۳ چنین میخوا نیم:

(ادامه دارد)

وسع  
انته  
عیسی و  
کسه  
هاورده  
ب هاگز  
ی هاوز  
نهایم  
ن اگر  
بعکم  
حکومت  
بروهای  
العدام  
دم وطن  
نان  
ردهاند.  
روزی  
هموطنان  
آفرین  
از دلبره  
ها نید.  
ستند که  
ال اهی  
ما دیگر  
مگردد و  
بر جان  
آرایی  
با آزادی  
بر پاییم  
ل برآب  
آنست  
امیال  
ن چنین  
بطهوله  
خواهند  
تاریخ و  
زنابودی  
هارا از  
سریع  
نهردانه  
خواهه  
می از  
ت پس  
ریکھندا  
بوارهی  
لووشان  
نان وطن  
مازد ·  
مان ·  
دون

# پرسنل

# جواب به نامه های شما

کیست؟ شما کیستند؟ کی ره کار داری؟ کجا زنگ زدی؟ آخر از برای چه؟ چرا یک طرف خودرا معرفی نمی کند و جزو چنجال بی جا براء من الدا زد و مدتن از وقت گرانی سارا به تمن خس از دست میدهد و چیزی بدست نمی آورد اخیر انصاف داشته باشید که وقت به وقت از گفتگو و در و لی مطلوب بدست نمی آید. فریاد از ایشان حال که تبلغون داریم لیکن نحوه استفاده و طرز صحبت آنرا یاد نداریم ...

برادر! شما فسوس ناجان خورید از دیر بیست که در این کشور تبلغون و موتور و ... (ماشین) همین سو نوشت را داشته است که درست استفاده آن بعض های امروخته اند و بقولی کالبد قیلوقون و موتو (ماشین) ... برای آنها وارد شده، اما هنوز روح (ماشین) در آنها نمیدهد است و حال صبر کنید که روحش بدمد و آنگاه بینند که کالبدش چگونه است؟

بهر صورت توصیه بی شما اینست که یکی از دو طرف خودرا زودتر معرفی کند و از اضافه کوین و فوت وقت جلوگیری کنند. تو شنیم بینم که کسی زودتر خودرا معرفی نمیکند، آنکه تبلغون میکند یا آنکه به تبلغون جواب میدهد؟ برادر! کار آسان دیگر ش اینست که موقعیکه تبلغون میکنند. حضور مبارک را معرفی دارید و شخص منظور نظر را خواستار گردید به نحویکه بگویید من فلان ستم و بیمان را کار دارم و اگر هست بگویید به بیمان، که فلان باشما سرو سری (۱) دارد.



مدیر مسؤول: شیر محمد کاوو  
معاون: محمد زمان نیکرایی

امراچاپ: علی محمد عثمان زاده

اورس: انصاری دات

متاپل: ریاست مطابع و دستی

تیشنون دفتر: ۶۸۴۹

دولتی مطبوعه

پارچه شعر (جه کردند) شمارا خواندیم و در شماره آینده به چاپ میسیاریم و انتظار همکاری شمارا میبیریم.

دوست عزیز معروفه علیزاد از یکه تو! سلام علیکم · جواب پسر شهیاری صفحه مسابقات و سر گرمیها را گرفتیم و علی الحساب آنرا به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیها سیر دیم که غربال را بکرید و درست را از نادرست یکطرف بزند و به شما هم پاسخ ارایه فرماید که آیا مستحق جایزه شناخته شده اید یا خیر؟

۱۰۰۰ امید همکار یتازرا داریم ...

دوست ارجمند نادره شریفی متعلم لیمه

رابعه بلغی!

ماهم سلام میگوییم · جوابات شمارا خواندیم و آنرا به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیها سیر دیم که از زیر ذره بین انتقاد · دقيقانه بکدراند و صحیح و خلط آنرا از هم جدا بسازد و اگر پاسخ های درستی ارایه نموده باشید،

فرعه غال را بنام شما بزند و جایزه به نامتان به امید همکارها بیشتر تان ...

دوست عزیز محمد نادر نتگیالی علیزاد!

سلام برادر! جوابات شما سید و مطلب شمارا سیر دیم به فتوی شما باداره رسید و مطلب شمارا سیر دیم به متصدی صفحه جوانان که به آن زیور و نکشم

بیاراید و به حلیه طبع آراسته گرداند ... انتظار نامه های دیگر شما ·

رفیق محترم محمد یاسین محلل یو هنگی

الجنیرو!

ارارت و احترام هارا نیز بیندیرید · داستان دوست مهریان حمیده هم متعلم لیمه

ارسالی شما از نظر داستان تویی عیب و نقص زرغونه ·

سلام میگوییم: پاسخ که به پاره یی از بسیار دارد که با خواندن داستانهای بزرگان

سوالات صفحه مسابقات و سر گرمیها داده اید، قبل جواب به نامه های شما در این باب نکاتی

سر افسوس را از همان صفحه بگیرید · به امید

جهنده ایم که بین از دوباره کوین و اطمأن

همکاری تان ·

دوست ارجمند محمد کبیر از کارته چهار!

از نظر بگذرانید ... به امید همکاری دیگر شما ·

دوست گرامی احمد اللہ رعنین (داع) از کندز ·

سلام علیکم · پارچه شعر شما به اداره

رسیده نظری به آن افکنیدیم و سیر دیم به

متصدی صفحه دوستان که اگر جایی مناسبی

برای آن تدارک دید، از نشر آن درین نوروز

خداحافظ همکار عزیز ·

دوست مهریان احمد فواد دامع :

سلام برادر عزیز! پاسخ به سوالات صفحه مسابقات و سر گرمیها

را گرفتیم و سیر دیم آنرا به متصدی صفحه جیت

صحبت و سقم آن، که هر گاه موفق به حل درست

سوالات شده باشید، از جایزه مورد نظر هم

تصییب بینید · به امید همکاری تان ·

دوست عزیز شفیق احمد!

سلام میگوییم: از جانب شما دوست عزیز،

به همه کسانیکه تبلغون دارند، این چند نکته

را تذکر میدهیم و یا اگر لازم میبینید که به همه

تبلغون داران تبلغون بزنیم که برادر گوشی را

که بر میدارید، چرا خودرا به معرفی نمی نشاند

و طرف رایه برسیدن فرماید و امیدارید، که

دو پارچه شعر شمارا گرفتیم و به ترتیب:

نویت در صفحه دوستان به چاپ میسیاریم ·

همکاری تان را آرزو میبیریم و موافق شما همکار

دوست گرامی محمد عاطف عثمانی متعلم لیمه

انصاری ·

سلام همکار عزیز! از نظر صمیمانه و میربانانه

شما سبیت به مجله زندگان شکر مضمون و

فوتوی شما باداره رسید و مطلب شمارا سیر دیم به

متصدی صفحه جوانان که به آن زیور و نکشم

بیاراید و علاوه نمودیم که اگر حل سوالات

سچیح باشد، شمارا از جایزه بین و عدد شده

بیهوده ور گرداند ... به امید همکاری تان ·

دوست مهریان امان بتنگ ·

از نظر مبارک شما معمونیم و به تایید نظر

شما، من گوشیم که بر هوا خواهان این مجله

بیافزاییم، پارچه شعر ارسالی شمارا خواندیم

و درینک از شماره های مجله به نشر میسیاریم،

ولی در حاضر بگیرید که صفحه سرود جاودانی

دیر گاهیست که جاودانه رخت برسته و جای

به کلیه سرخ داده · که نمیدانیم چطور از این

نماین اسما آنکه نمیستند ... موفق باشید ·

دوست ارجمند سوریان ·

ماهم سلام میگوییم · پارچه شعر شمارا

مطلاعه کردیم و توصیه میداریم

که آثار بزرگان شعروادب «مکملان را بکار

آید و متر سلان را بلات (فراید) ... آنچه بنام

دانستان فرستاده بودید · هیچی از دانستان

نداشت و نمیشود از کم و کسری صحبت کرد

که بایست مراعات میگردید ... خدا حافظ ·

دوست گرانقدر میرمن هاری از وزارت

قواید عامه ·

ایندرید سلام هارا نیز خستیدم که به

مجله زندگان و روز نامه الیس علاقمندید ·

آنچه نوشته بودید از آن معنای مطلوب استخراج

نمی شد، از این رو صمیمانه تقاضا میکنیم که

اگر مسیر باشد نامه را تایپ شده · بفرستید،

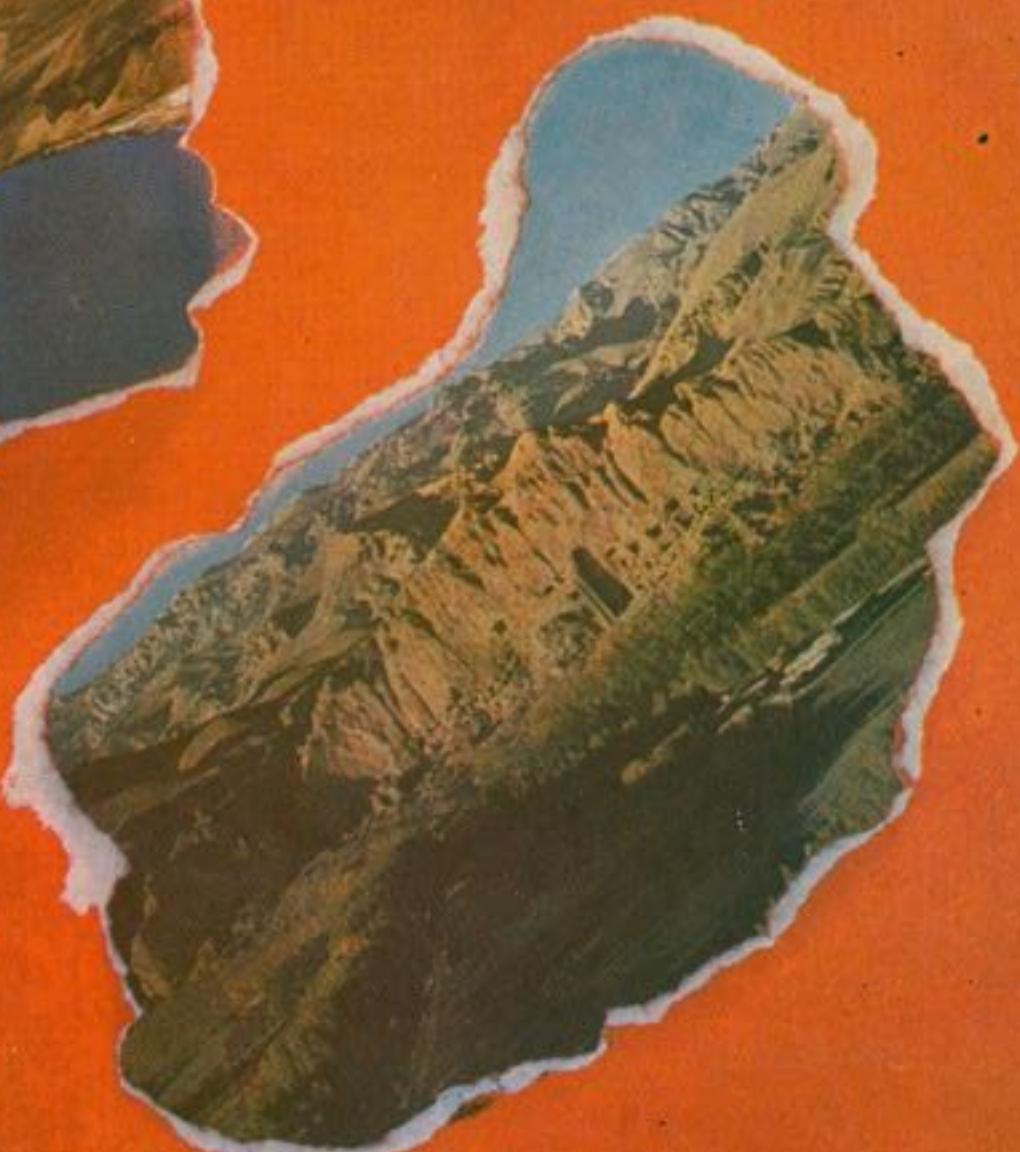
در غیر خوانا وزیبا بتویسید که هر کی نامه

یگشاید · بداند که در نامه چیست؟ · کامرو

باشید ·

دوست میریان بسم الله حریف آمر کشف

قومانداني امنیه ولايت نگرها ·



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**